صدیق السلطنه - تا حال ماموریت برفتن نداشته‌ام ومنتظرم نفطی ظاهربشود هرنوعی که وزارت معادن دستورالعمل دادند عمل کنم.

آقامیرزا طاهر - بگوئید حقوق خودشان رامی گیرند یانه؟

سعدالدوله - البته می گیرند.

آقامیرزا طاهر - مقصوداینست دیگر بروند برای چه.

رئیس - دیگراینها خارج ازمسئله است از مطلب خارج نشوید.

سعدالدوله - غرض این بودکه این‌راپورتی که بمن داده بودند در بابت عملجات که خارجه هستند مجلس خواست در این باب کیفیت امتیاز اورابداندکه بچه ترتیب است حالکه فهمیدیم‌ایرانی هستندولی بایدآن سی نفرراکه خارجه‌اندهم معلوم کنید چه‌کاره هستند.

دربابت امتیاز شیخ‌الملک مدتی است مذاکره شده صلاح میدانید اورا ختم کنید.

رئیس - بلی چه ضرر دارد.

سعدالدوله - جناب وزیر معادن در بابت امتیاز شیخ‌الملک خوبست امتیازنامهٔ آنرا بخوانند.

وزیر - صورتش‌را داده بودیم بمجلس.

سعدالدوله - من اینقدر می دانم که در میانه وزارتخانها دفتروزارت معادن ازهمه‌مرتب‌تر است بعد امتیازنامه شیخ‌الملک راقرائت کردند.

وزیرمعادن — این صورت امتیازنامه را دولت نوشته است داده است وزارت معادن‌مجبور نیست‌که بگوید صحیح است مجلس رسیدگی بکند هرطوری‌که تصویب کردند همان طور دردفترضبط می شود.

سعدالدوله - پس خوبست اینکه صورتها درکمیسیون اصلاح بشودبعد بیاورند درمجلس.

وزیر - بسیارخوب کمیسیون بکنند.

سعدالدوله - باجناب رئیس است.

رئیس - یک دفعه در مجلس بخوانند بعد کمیسیون بکنند.

آقامیرزا محمود خوانساری -- باید صورت اوراهم چاپ بکنند بدهندبو کلا تادقت کنند ومذاکره نمایند.

سعدالدوله - خیلی خوبست اینکاررااینشانست که بکنند (بعداز اتمام قرائت آن)

صدیق حضرت - چند روز قبل امتیاز نامهٔ طارم قرائت‌شد گفتند باید ببانک‌ملی تکلیف کرداگر او قبول میکند فبها والا امتیاز آنرا اصلاح کنند و بصاحب امتیازنامه داده شود.

آقاسیدحسین - این امتیازات ببانک ملی‌داده شده است.

سعدالدوله - اگر درمعدن نفط چیزی غیر از آن استکشاف شود چه صورت دارد.

خیاط باشی - آن صندوقهائی را که بردند ازقصرشیرین بخارجه آنها چه بوده است.

سعدالدوله - پس‌میدانید چرا نمیگوئید؟

وزیرمعادن - شماسندی دارید ازبرای این مطالب یااینکه بشماگفته‌اند ومیگوئید.

خیاطباشی - عرض میکنم که این مطلب را کسانیکه آنجارا دیده‌اند گفته‌اند.

صدیق السلطنه - آنوقت که در قصرشیرین چاه میکندند بنده مامور نبودم کتابچی‌خان بود.

آقاسیدمهدی - اثبات آن هم ممکن است هستند اشخاصی که اطلاع دارند.

سعدالدوله اینکه گفتم کمیسر دولت باشد برای این کارهاست هرکاه کمیسربود دیگراین‌حرفها زده نمیشد.

آقاسیدمحمدتقی - کمیسر رابعضی‌نمیدانند خوبست فارسی بفرمائید.

سعدالدوله - من زبانم عادت کرده است نمیتوانم مدتی فکر کنم برای معنی یک لفظ پانزده سالست غیراز این‌نمیتوانم بگویم عذر میخواهم‌بعدها آقایان بدانند که من چه میگویم مقصود از کمیسر چیست و هم (کمسیون) و (کمپانی) اینها همه فرانسه است.

آقاسیدحسن تقی‌زاده - عرض میکنم که تاچندی قبل این‌ترتیب امتیاز دادن وگرفتن‌درایران معمول ومرسوم نبوده‌است همه اینها برداشت‌ازخارجه است این امتیاز نامه ما را اغلب همان صاحبان امتیاز می‌نویسند بترتیب آنجا وقتی که ترجمه بشود زیادات خیلی‌دارد مثل اینکه آنچه چوب محتاجست از جنگل قطع کند یافلان و فلان اینها را خوبست اسقاط کنند.

رئیس - البته بعدها باید بنظر مجلس برسد اصلاح خواهد شد.

سعدالدوله- مقصود خیاطباشی‌ازمیانه نرود.

وزیرمعادن- اگرسندداشته باشندصحیح‌است

خیاط باشی - سندرا هم تحصیل میکنیم و اثبات می‌نمائیم.

حاجی سیدباقر -من‌خودم آنجابوده‌ام که‌چند قاطر بار کرده بودند میبردند هرچه جویا شده‌ایم که چه چیزاست گفته‌اند خاکیست که میبرند.

پسر کتابچی - (۱) آن‌خاک‌معدن‌نفط بوده است که برای امتحان برده اند.

سعدالدوله -معلوم شد میگویند خاک‌همان معدن بود.

حاجی معین التجار - رسم است وقتی که چندذرع چاه کنند قدری از آن‌خاک‌را برای‌امتحان حمل میکنند میبرند.

سیدالحکما - برای امتحان یکبار یک‌لنکه چقدربابد ببرند باربارهم برای امتحان است.

رئیس - شش نفر از برای کمیسیون تحقیق این مطلب معین شدند.

سعدالدوله - بسیار خوب مشغول شوند.

حاجی سیدنصرالله - این شرکت مصنوعی که این صاحب امتیاز کرده است برای کمپانی کافی بود.

رئیس - چه‌فرقی میکند منظور پول دادن و اداره کردن است.

سعدالدوله - حالا باید کافی دانست آنوقتی که اقدام می کردند بایست حرف زد که کسی چیزی نگفت.

آقا میرزا محسن - از بابت ترامو‌ه چیزی خدمت شما نوشته بودند خوبست قرائت شود.

سعد الدوله - صورتی دادند اینجا پیش من نیست.

(۱) وکیل‌نبود.

بعد امتیاز نامه بانک ملی را قرائت کردند یا باین فصل که:

بعد از انقضای مدت امتیاز بانک شاهنشاهی این امتیاز راجع ببانک ملی است.

آقا سیدمحمد تقی - امتیاز بانک‌شاهنشاهی معلوم نیست چند سال است.

سعدالدوله - شصت سالست.

(درفصلی که باید مفتش ازجانب دولت رسیدگی نماید).

سیدالحکما - خوب بود که مفتش در سال یکمرتبه دومرتبه قید بشود که‌رسیدگی کند.

رئیس - آن مطلب درنظامنامه بانک‌هست.

سعدالدوله - سالی‌یکمرتبه‌بیشترلازم‌نیست.

آقا سید محمد تقی - این تفتیش بعهدهٔ دولت است یا باخودشان.

رئیس - دولت است.

آقا سید محمد تقی - پس چرا قید نشد.

(فصلی که‌اگرسهام این‌شرکت بوراثت‌یا تبدیل تابعیت برعیت خارجه تعلق یابد درمدت یکسال‌باید بصاحبان شرکت بفروشند مطرح شد)

آقا سید محمد مجتهد - اگر تا یکسال نفروخت چه میشود.

آقا میرزا طاهر - میگوید اگر بوراثت یا تبدیل تبعیت خارجه باشد درمدت یکسال بایدبداخله بفروشد والا حق شرکت ندارد.

حاجی سید نصرالله - غرض اینست که‌این مطلب باید واضح باشد شرکتش‌که باطل میشود آن وقت پولش بچه نحواست این مسئله‌توضیح لازم‌دارد.

حاجی سیدمحمد - اینهم امتیاز نامه بود که خوانده شده‌است باآینکه صاحب امتیازملت‌هستند چقدر دقت واحتیاط میشود.

آقا سید محمد مجتهد - بعد از بطلان اشتراک پولش چه میشود.

آقامیرزامحسن- شرکتش بانیست‌درخارجه این طور معمول است‌که حق شرکت دارد ولی حق امتیاز ندارد.

رئیس معنیش اینست‌که پول او یابطورامانت است یامنفعت میگیرد ودر بانک هست حق سهام و شرکت امتیازی ندارد.

حاجی سیدمحمد- آقای رئیس خوب‌است امروز این مسئله را تمام بکنید.

رئیس- اینجا نمیشود باید دراطاق دیگرباشد

آقا سید حسین - بنابود دیروز در آن سه مطلب بصدر اعظم چیزی بنویسید.

رئیس - بلی نوشته شده است.

مذاکرات دارالشورای ملی

سه‌شنبه ۷ شهر ذیحجه

آقامیرزا ابوالحسن خان-موقع ازبرای مذاکره شده است‌خوبست اجازه بفرمائید.

رئیس — هنوز عده وکلا باندازه کفایت نرسیده است.

صدیق حضرت — چرا کافیست فعلا سی و شش نفرند.

رئیس — اول صورت مجلس روز گذشته را بخوانند.

(آقا سید محمد تقی صورت مجلس‌روزیکشنبه راقرائت کردند)

آقا میرزا بوالحسن خان — چون جناب آقا پریروز اجرا نظامنامه داخلی را خواسته بودند عرض میکنم کهنظامنامه داخلی باید اجرابشود بعضی دون بعضی نمیشود تمام فصول آن باید مجری بشود.

آقاسیدحسین — تاحال که‌نظامنامه نبود و حکام مانع از انتخاب وکلا بودند و نمیگذاشتند که امر انتخاب صورت بگیرد حالا که نظامنامه‌اساسی‌هم صحه شد پسر سپهدار علمای روحانی را از برای انتخاب چوب می بندند در حالتیکه بامر علما و حجج‌اسلام وحکم صدارت میخواستند انتخاب کنند ایشان را گرفته و چوب بست که یعنی چه چرا شما برای مجلس شورای ملی وکیل انتخاب میکنید متظلمین اهل تنکابن اینجا حاضر ندغرض اینست که‌او را بخواهند حاضر کنند که چرا علمای روحانی را چوب زده مقصود عزل او نیست باید مجازات داد (عریضه که آقایان طلاب تنکابن در این باب نوشته بودند باین مضمون قرائت شد که امیراسعد جناب شریعتمدار آقا شیخ محمد را چوب بسته برای اینکه چرا اقدام درامر انتخاب نموده وریشش‌راهم میگویند بریده‌است.)

آقاسیدمحمدتقی- با این ترتیب واغتشاش نمیشود زیست کرد بایدکاری کرد که بمجازات‌برسد پس چه وقت بایداجرای احکام و قوانین کرد.

آقاسیدحسین— اول چیزی که لازم است این است که مجلس بتواند احکام خودش را اجرا بدارد درانتخاب خراسان که آصف‌الدوله‌مانع بود و تا حال تعویق افتاد عزل اورا خواستگار شدیم و حال اینکه او علمارا بچوب نبسته بوداینکه‌این کاررا کرده گذشته ازعزل حتما باید مجازات‌شود

آقاسیدحسن تقی‌زاده - اینگونه‌اخباردر هرصدی نودآن دروغ است نباید قبول کرد مردم بسیار حرف‌میزنند سند لازم است بعلم‌الیقین باید اطلاع پیدا کرد شاید برای این بود که‌چون انجمن ملی خواستند تشکیل بدهند و هرزگی و شرارت نمایند حاکم جلوگیری کرده والا حکام ما منزه و مبراء ازاین حرکات‌هستند که ظلم و تعدی نمایند این جوابهائیست که وزیر داخله بما داده‌است‌دیگر در مقابل این جوابها شما چه میگوئید می بگوئید که‌آصف‌الدوله‌فلان کرده‌است بایدبمجازات‌برسد یا فلانحاکم‌چنین کرده‌است باید عزلش‌راخواست‌آنوقت هم برداریدبنویسیدبصدارت‌جوابهم‌نرسدآخراینهائی که نوشته شد چه شد؟ باید این حکام را بمیدان توپخانه حاضر کرد و ایشانرا بدار زد تا بدانند معنی مجازات را حالا همه صدا بصدای هم بدهید وبگوئید که خدا وجود این حکام‌را بردارد دراین مدت هزارمطلب نوشته شد جواب آنها چه شد یا جواب نمیدهند یامیدهند دراینجا خوانده نمیشود

آقاسیدمحمدتقی-چرابعضی را که جواب داده اند.

آقاسیدحسین‌تقی‌زاده-چیزی‌که دراینجا شنیده نشده.

آقا سید حسین- باید او را آورد و درهمان میدان توپخانه مجازات کرد.

حاجی سیداسمعیل-مجازاتش‌اینست‌که همان طور اورا باید درهمانجا که این‌شخص‌را چوب‌بسته بچوب بست وقصاص کرده

حاجی سیدنصرالله این مطالب کاشف ازاین است‌که دولت هیچ همراه با ملت نیست وهمان نحو استبداد و خودسری که در وزرا و حکام بود هست فقط ذات‌اقدس همایونی ملت خواه رعیت‌پروراست اما آلات اجرائیه که وزرا هستند بهیچ نحو حاضر در همراهی نیستند مثلا پریروز وزیرمالیه دراینجا یک حسن بیان خودش‌را ازمسئولیت‌خارج میکند این طفره است این اصلاح بودجه مالیه نیست‌چرا او نباید همراهی و راهنمائی کند تا کار پیشرفت داشته باشد وهمچنین وزیر علوم می‌آید در اینجا ومی‌نشیند وهیچ نمیگوید چرا نمیگویدکه اشخاص لایق و قابل کیانند چرا در معارف سعی نمیکنند چرا نمیگوید که تا حال این ترتیبات ترجیح بلا- مرجح یا ترجیح مرجوح بر راجح بوده‌است ابدا این وزرا هیچ حاضر نیستند و نمیخواهند اصلاح مملکت‌را. گفتند دراینجا ازچند نفر انجمن‌عدلیه تشکیل بشود این‌انجمن آخر کتاب‌میخواهدمترجم میخواهداجزاء میخواهدوقتی‌که دولت‌همراه نباشد چه حاصل‌دارد.

حاجی سیداسمعیل-بایدخواست تاهمراهی کنند این‌چه مجلسی‌است‌فایده‌اش‌چیست؟

آقاسیدهاشم- این‌وزرا هیچ دوست‌نمیدارند این مجلس‌را همین ها بودند که این همه کارها و خرابیها را که در مملکت هست کردند همین‌ها اهل این مملکت‌را کشتند وبعضی را بیرون کردند و جمعی را در کربلا هدف گلوله کردند همین‌ها اموال وعرض وناموس مردم‌را بباد دادند شما برای چه اینجا نشسته‌اید چه مجلس‌است این چه کاراست باید اخلال خائنین را رفع کرد و قانون را اجرا داشت.

آقاسیدمحمدمجتهد- تجارارومیه گفتند که هزارنفر آنجا کشته اند این مجلس بهانه شده که هزار قسم فتنه وفساد و شرارت وقاوت میکنند وهرکاه‌بگویند که چرا جلوگیری نمیکنید جواب میدهندکه اینهمه‌را مجلس باعث‌است.

حاج سیدنصرالله — همه کار ها را عمداً خراب کردند و میخواهند تقصیر را بمجلس وارد کنند.

آقاسیدمحمدمجتهد— من بصدر اعظم نوشتم‌که‌چراپسرسپهدار آخوند ملا محمدرا چوب بسته جواب نوشت‌که هرزه بوده تنبیه کرده است.

حاجی سیدنصرالله-من‌میگویم‌که مجلس‌اگر میخواهد که مجلس باشد یکدفعه تکلیف خودرا معین‌نمایدکه چه باید بکند

آقاسیدحسین-شما باید ازپادشاه بخواهید که بقوه اجرائیه تکلیف مجلس را معین نمایند و احکام مجلس‌را اجرا بدارند.

حاجی سیدنصرالله -اطراف‌شاه کسانی‌هستند که راضی به پیشرفت مجلس نیستند ونمیخواهند که قانونی باشد و الا اگر بخواهدکه کار هارا اصلاح کنند مثلا توپخانه را خوب بود بیک‌شخص قابل‌تر میدادند یا کارهای دیگر را باشخاص قابل رجوع کنند اگرچه اینها کارمجلس نیست ولی بایدگفت که بازمثل سابق کارها اسمی‌نباشد برحسب استحقاق ولیاقت‌باشد.

حاجی محمداسمعیل آقا-البته کارهای‌ادارات اختیار آن باشاهست بهر کس میخواهد میدهدولی مجلس حکی مانع از کارهای حکومت بودو است و جلوگیری کرده‌است که آنها نتوانند امنیت‌بمردم بدهند اینها همه بهانه است و عمداً جلو مردم را رها کرده اند که هرج و مرج بشود بگویند این خرابیها ازمجلس‌است و الا مگر نمی توانند که راهها را امن نمایند و نگذارند مردم شرارت و فساد کنند.

حاجی سیدنصرالله - یکی از کارهائی که تازه شدم است اینست که در سر آب سردار یک طفل غیر بالغ را یکنفر با او فعل شنیع کرده و نزدیک بهلاکت است چرا این مطلب رارسیدگی نمی کنند.

حاجی سیدباقر— اینها که میگوئید چه فایده‌داردوقتیکه جواب بدهند باینکه آخوندهرزه بود شما دیگر چه‌میتوانید بکنید منتها چند کاغذ پاره بنویسیدباچندنفر آخوند پابرهنه بروند عارض بشوند اینها که مقابلی با صدهزار تومان سپهدار نمیکند حاصلش‌چیست.

آقاسیدمهدی- مردمهمه بشما نگاه‌میکنند شما باید جداً آنچه تکلیف‌است ازدولت بخواهید و مسامحه نکنید دیگر جای‌مسامحه نیست.

حاجی سیدنصرالله - آخر مجلس چه کند مجلس که قوهٔ اجرائیه ندارد باید دولت‌اجرا کند.

آقا سیدحسن تقی‌زاده - اگر بخواهیم بگوئیم که کار از پیش برود همانست که آقاگفت بایدجداً خواست ولی‌آنوقت میگویند شما جسارت میکنید وشدت‌دارید باید کار ازروی قاعده باشد.

حاجی سیدنصرالله - ما که نمیخواهیم کاری برخلاف قاعده بکنیم چه جسارت‌دارد البته باید خواست تا اصلاح‌شود نشستن وحرف زدن‌در اینجا چه فایده‌بحال‌ملت‌دارد تا کنون آیا یکپول کار صورت گرفته ؟

آقاسیدهاشم - ما که غرضی نداریم ما میخواهیم کاری از پیش رفته باشد والله‌بالله چیزی نمانده‌است که مملکت بالکلیه از دست برود عرض و ناموس ما بدست خارجه بیفتد دیگر از این ملت چیزی باقی‌نیست وبایداین‌دعارا بخوانیم اللهم‌افتح لنا ینصر تعز بها الاسلام و اهله وتذل بها‌النفاق و اهله بدانید که ما از یهود ونصاری بدترخواهیم شد و بدست دشمنان ذلیل تر خواهیم گردید این وزرا و خائنین هیچوقت با ما همراهی نداشته‌اند و ندارند شما از ایشان هیچوقت انتظار نداشته‌باشید کاری بکنند که حاصل داشته‌باشد.

آقاسیدمهدی—وزراء آنچه‌دارندبواسطهٔ دستخط شاه است شما هم که همان دستخطرا بهتر ومحکم‌تر دارید بخواهید که امر همایونی شود با وزرا بنشینید اگرهمراهی دارند بامجلس‌بگویند و حاضر باشند واگر نه ملت بعدماتکلیف خودشانرا با ایشان بدانند که چیست.

آقاسیدهاشم- چرااین‌برای‌بانک‌ملی‌هر روزی یکبازی درمی آورند چرا مسامحه میکنند و امتیاز نامهٔ اورا تمام نمیکنند نمیدهند‌هرروز یکچیزی کم‌و زیاد میکنند چرا نمیگذارند که این بانک زودتر تشکیل شود اگر اینها همراه هستند اینهمه مال دولت و ملت‌را که خورده‌اند چرا همراهی ندارند و پول‌نمیدهند.

معمارباشی — اینها سالهای سالست که

www.iran-archive.com

میان ملت ودولت جدائی انداخته و این دورا از هم سوا کردند میان سر و بدن جدائی انداختند آنچه توانستند کردند این‌همه ظلمها وخرابیها رااینها کردند مملکت را بباد دادند هیچ یك از پادشاهان قاجاریه بما ظلم نکردند هرچه کردند همین اینها کردند تمام این وزرا خائن هستند ملت حاضرند که خیانت اینهارا ثابت کنند ولی بحمدالله اینها نمیتوانند از ما خیانت ثابت کنند این پنجاه کروری که دولت مقروض است برای چیست ؟ تمام را این وزراء خورده اند وزیر مالیه میگوید که سالی پنج کرور ازجمع کسر داریم بقول او اگرچنین است پس باید در اینمدت دویست وپنجاه کرور دولت مقروض باشد نه پنجاه کرور تمام اینها دزد وخیانت کار ومفسد و وطن فروش هستند ملت را بعوض صد دینار دخل میفروشند این سلطان جوان جوان بخت مارا دور کردند وبااو خیانت میکنند من از شخص موثق شنیدم که این پادشاه رؤف مطوف همیشه مشغول بخواندن عرایض ومکتوبات و نوشتن رقیمجات هستند مگر درموقع غذا و چای خوردن تمام اوقاتش مصروف بکار و زحمت است ولی این خائنین متقلبین که مثل نکبین انکشتر دور او را گرفتند و ذهن مبارك اورا مشوش میکنند نمیگذارند که کاری از پیش برود اینها سالها است که بالدرم واشتلم این مردمرا چاپیدند و خوردند ابداً نخواهند راضی شد که جلوگیری از ایشان بشود اگرمیتوانید که بشاه عرض کنید وتکلیف خود را معین نمائید و الا این ملت دیگر بعدها حاضر نیستند که ایشان بخواهند بدلخواه خودشان بااینها رفتار کنند دیگر از این مردم جز یکجان چیز دیگر باقی نیست واین حرفها دراینجا فایدهٔ ندارد باید تکلیف معلوم شود چرا اینها بابانك ملی همراهی کنند کجلوی دخل و دزدی اینها گرفته شود میجوقت نخواهند کرد.

آقای مشهدی باقر — برای چه مردم بابانك همراهی کنند و پول بدهند میگویند مابول بدهیم که دیگران بخورند و حاصلی برای ملت نداشته باشد چرا بدهیم بنده مثلا چند نفر اصناف بیچاره را حاضر کنم برای دادن یك مبلغ پولی که بعون دل او را فراهم آورده یاقرض کرده بدهد بیانك آنوقت فلان وزیر یافلان سردار این پول رابخورد چرا هیچکس راضی نمیشود باین ترتیب .

آقاسیدهاشم — ما اهل آذربایجان ازجان و مال و عرض وناموس حاضریم که نگذاریم این وزرا و خائنین دیگر ما را بچاپند و خون رعیت بیچاره را بخورند مامهمه قسم بادولت همراهی داریم که پول بدهیم و اسلحه و جان بدهیم برای پیشرفت مقاصد مملکتی واین اغتشاش سرحد ارومیه ازاجامر و اوباش است اینها میتوانند که رفع این حرکات را بکنند ولی نمی کنند و نمیخواهند بکنند اینها بودند که فیروزه را بدو شیشهٔ کنیاك فروختند بروس همین‌ها بودند که مملکت ایران را در عوض دوپول بدشمنان دادند ما اینهارا بخوبی می‌شناسیم اینها نمیخواهند که مملکت آباد شود اینها می خواهند همینطور مملکت را بفروشند و نمیگذارند که کار مجلس پیش برود دل ایشان والله بحال مملکت و ملت نسوخته است فقط دل پادشاه میسوزد اما اینها شب و روزچنان امر را درنظر پادشاه جلوه میدهند و تقلب میکنند و خود را دوستدار شاه و مملکت بقلم میدهند که برشخص پادشاه هم امر اشتباه میشود باید بپادشاه عرض کرد که این خائنین را از خود دور کن وقدری بگذار که عرایض ما بلاواسطه برسد و بتوانند بحضور همایونی بی‌واسطه عرض کنند.

حاجی سید باقر — خوبست اینجا یك تلفون کار بگذارند که در این موقع بما شاه بلا واسطه عرض شود .

آقامیرزا طاهر — حال میگوئید چه باید کرد وتکلیف چیست؟

آقاسیدمحمدتقی — عقیدهٔ من اینست که از مجلس عریضه بشود بحضور همایونی و ازطرف حجج اسلام هم علیحده نوشته بشود که وزراء با مجلس هیچ همراهی ندارند ونمیگذارند کاری ازپیش برود تکلیف چیست وچه باید کرد لابد جوابی می دهند تکلیف معلوم می‌شود .

حاجی سیدنصرالله - آخر پریروز سه نفر وزیر محترم دراینجا حاضرشده بودند هیچ ازوجود ایشان فایدهٔ عاید این مجلس نشد و آخر راهی که با وسیله اصلاح امور و خیر مردم و پیشرفت مقاصد باشد ارائه نکردند و همراهی ننمودند فقط وزیر مالیه آنهم بیك حسن بیان خودرا از مسئولیت یك امر شخصی خواست خارج بکند این معنی همراهی واصلاح نیست .

آقاسید حسین — اگر ده سال بنشینیم و شکایت ازایشان نمائیم تمام نخواهد شد باید بشاه عرض کرد تکلیف ملت معلوم شود .

حاجی سیدنصرالله — آنها خواهند به ندای بلند گفت که ماهم مسئول نیستیم .

آقا سیدحسین — ماهم بندای بلند خواهیم گفت که تا جان در بدن داریم در دفع خائنین دولت وملت حاضریم دیگر این ملت آن ملت نیستند.

آقاشیخ حسین - شاه آن نطقی که فرمودند معلوم است که کمال مساعدت و همراهی را بامجلس دارند خودش حکیم است بهتر ازهمه می‌داند باید حضوراً عرض کرد البته رسیدگی میفرماید.

آقاسید محمد تقی - ازمجلس باید نوشته شود واز طرف علماء هم بالخصوص بنویسند که باید وزرا راهمراه کرد .

آقاسیدمحمدمجتهد - این مجلس بیفائده است مجلس نیست این وکلائی که حاضر میشوند میترسند آنچه میدانند نمیگویند.

آقاسیدمحمدتقی — چرا میترسند هیچ نمیترسند آنهائی که میترسند حاضر نشوند دلیلی ندارد که بترسند (جمعی گفتند که آقا درست می‌فرمایند میترسند)

آقاسید محمد مجتهد - اگر آنها این مجلس را نخواهند برما است که بگوئیم که سلطنت بامجلس توأم است واین پادشاه پادشاه مجلس است این قانونی است که پدر این پادشاه بما داد وخودش هم امضاء کرد اگر این مجلس نباشد بشما بگویم که اتحاد روس وانگلیس چندی نمیگذرد که ایران را پامال وتقسیم میکند و هریك یکقسمتی را تصرف میکنند حال این ملت تکلیف خودرا بدانند تمام این تقصیرات ازاطرافیها است خود شخص پادشاه همراهست ولی نمیگذارند .

سعدالدوله - تکلیف چیست چه می‌فرمائید؟

آقاسید محمدمجتهد - باید بشاه نوشت که از وقتیکه این مجلس منعقد شده حکام ظلم و تعدی خودرا زیادتر کرده‌اند و راهها همه‌جا ناامن است و ابداً اینها درصدد اجراء وظیفهٔ حکومتی خود نیستند اگر باید مجلس باشد باید بلوازمات آن عمل کرد و اگر نمیخواهید آنهم معلوم باشد.

سعدالدوله - من این مطلب را کراراً گفتم بازهم حالا میگویم که این مجلس مجلس نیست وکاری ازاو پیش نخواهد رفت.

آقاسید محمد مجتهد - دولت بما مجلس داده است وما دارای سلطنت مشروطه هستیم باید بلوازم مشروطه گی عمل شود این معنی مجلس ومشروطه گی نیست .

حاجی محمدتقی - مطلب همین است که فرمودید باید بلوازم مشروطه گی عمل شود.

آقاسیدحسین - باید نوشته شود که بلوازم مشروطه گی عمل شود وخائن را بجزای عمل برسانند.

آقاشیخ حسین - عرض کردم که خود شخص همایونی همراهست باید حضوراً این مطلب را خواست

آقاسیدمحمدمجتهد - این وزرا حاضرند که خون خودشان رابرسر این کار بگذارند ونگذارند مجلس پیش برود.

سعدالدوله - هرموقعی یك مطلب را جلب میکنند این موقعیکه گفته اید وزرا حاضر نیستند می - گویم که من بصدر اعظم ها گفتم که شما خانه خودتان راچطور منظم میکنید اگر خیانتی ازاین اجزا دیده اید غیراز اینست که ناظررا بجای آبدار وفهومچی را بجای پیشخدمت وفلان را بجای فلان تغییر و تبدیل میدهید ودر خانهٔ دولتی هم که کمتر از خانه شخصی نیست همین کاررا هم درآنجا میکنید که این مسند را تبدیل بمسند دیگر میکنید و آن دیگری رابجای دیگر می‌نشانید این معنی اصلاح نیست این همانست که آن مسند را خراب کرده بود این را هم خراب خواهد کرد معنی اصلاح تغییر کابینهٔ دولتی است که وزراء باعلم ودرست کاروصحیح باشند وزیر همه چیز میخواهد جز پول وهنوز ماهمعنی دولت رانمی‌دانیم دولت راتصور میکنیم بوجود مقدس شاه معنی دولت این نیست دولت معنی‌اش هیئت وزراء است که آن را کابینهٔ دولت میگویند که با رئیس خودشان صدر اعظم هم رأی ومتفقاً کار کنند واین هیئت در دولت ما مرکب از هشت نفر بیشتر نیست که تمام آنها متحداً باید مسئول باشند درنظامنامه اساسی در آن فصل نوشته شده است اینکه هرگاه یکی از وزراء بتقلب دستخطی صادر کرد باید عزل اوراازاز پیشگاه همایونی خواست حال شما به‌بینید این وزراء مارا که هریك برای خود ادارهٔ دارند و هیچ‌یا هم اتحاد واتفاق ندارند هریك جلب نفع شخصی خود را میخواهند باید این مطالب را بشاه حضوراً عرض کرد یا مجلس عریضه عرض نماید که هیئت وزراء که آنرا کابینه میگویند باید متحداً خودشان را مسئول مجلس بدانند و تا اینطور نباشد هیچ فایدهٔ نمیتوان حاصل کرد والله اینهاشاه راهم گول میزنند والله بالله اینها متقلبند رأی شاه را منقلب میکنند و خودشان را مسئول نمیدانند نه مسئول مجلس میدانند و نه مسئول شاه مسئول نفع خودشان میدانند جناب وزیر مالیه می‌آیند درمجلس

برای اصلاح مالیه جمع وخرج مالیات راشرح وبسط میدهند ولی معنی مالیات نگفتند چیست معنی مالیات اینست که این رعایا که این مالیات را میدهند برای حفظ اموال وعرض وناموس است وبرای حفظ حدود وثغور وحقوق است و برای امنیت و آسایش است کدام یك از اینها در مملکت ما هست بلی وزیر مالیه شخص عاقل وعالم و کاردانی است تحصیل کرده و دیپلماتست ازسایر وزراء عالم تراست ولی باید کارها رااصلاح کرد وهمراهی نمود نه اینکه خود را از مسئولیت امری خارج کرد حال اگر صلاح میدانید همین طور بشاه عریضه بنویسید که فردا هیئت وزراء بیایند در مجلس انجمن مخصوصی تشکیل میکنیم به‌بینیم چه‌میگویند خودشان را مسئول میدانند یانمیدانند من نمیخواهم بعدها وزیر بشوم یا مصدر کاری بشوم میگویم که این مجلس خیلی شأن دارد خیلی محترم است شماها کمیآئید دراینجا قدرخودتان رانمیدانید بعدها قدرخودتانرا بدانید که خیلی مقام بزرك دارید من از همهٔ کارها گذشتم وفخر میکنم حالا که روزها میآیم در اینجا وبااین اصناف می نشینم مگر آنها چطورند ؟ آنها غیراز این مردمان هستند؟ اگر بیایند دراینجا نقص شان ایشانست چرانمیدانید چرانمیگوئید اگر چیزی میدانید چرا ساکت نشسته‌اید؟ مطالب که پوشیده نیست همه کس میداند اینکه من چندی پیش گفته بودم که دست غیبی درکار است مگر نشنیده‌اید یانفهمیده‌اید که مقصودم چه‌بوده است آن دست غیبی پول است، رشوه است که میدهند و نمیگذارند کار پیشرفت کند، این اول سلطنت است که پول و رشوه میدهند که نگذارند این اساس پیش برود من میگویم که نصر السلطنه نوکر دولت است نمیخواهم اظهار دوستی یااو بکنم شماهمه مسبوقید که اودرزمان ولیعهدی این شاه بامن چگونه رفتار نموده است ولی میگویم اگراو مقصر بود یاخائن است چرا باو حکومت داده‌اید واگر مقصر نبوده‌است چرا اورا عزل کرده‌اید اگرچه اینها تکلیف شخص مجلس نیست که بگوید ولی مجلس میخواهد بداند که تقصیر این شخص چه بوده‌است تابعدها تکلیفش معلوم باشد این روزنامهٔ مجلس من میدانم که مدیر آن چه قدر زحمت میکشد وچقدر پول خرج میکند برای این بی‌ترتیبی نطقها جائی که میخواهد مطلبی رابنویسد باسم آن اشخاصی که عنوانی دارند باشاره میگذرد وتمام نمیکند این برای اینست که آزاد نیست ونمیتواند بنویسد من امروز نمیخواستم بیایم زیرا که این آمدن ورفتن فایده‌ای ندارد برای همین آمدم که بعضی ازمطالب رابگویم که مجلس تکلیف خودش رامعین کند حالا همینطور که عرض شد مجلس بنویسد بحضور همیونی که هیئت وزراء بیایند دراینجا ببینیم که آنها مسئول این مجلس هستند یانیستند وبعدها بامجلس چه‌گونه رفتار میکنند.

آقاسید حسن تقی‌زاده — این را هم باید نوشت که پسر سپهدار را بخواهند بیاورند بمجازات برسانند

سعد الدوله — باید بطور کلی نوشت این‌ها فروعاتست واین هم کاغذیست که یکی ازاجزاء پستخانه بمن نوشته است ببینید چیست من نمیتوانم هر روز اینجا یك مطلبی بگویم وازپیش نرود

(جمعی گفتند که دو عریضه نوشته شود یکی در خصوص آمدن وزراو یکی هم در خصوص پسر سپهدار که بمجازات برسد)

آقاسیدمحمد - باید درست نوشت وخواست که بیاید .

سعدالدوله — حالا همه رای می‌دهید که بنویسند ؟

(همه گفتند بلی باید نوشت)

سعدالدوله - پس خوبست همان عریضه را دو قسمت کنید یکی درکلیه آمدن وزراء ودیگر راجع بامر تنکابن واینمطلب را درهمان ذیل عریضه اشاره نمائید.

(دراین موقع متظلمین اهل تنکابن از آقایان بهبهان آمدند واظهار تظلم وتشکی نمودند)

آقامیرزا محسن - این بیچاره رفته بوده‌است که از طرف شرع وعرف اجرای حکم نماید وانتخاب کند اینگونه ظلم براو نمودند خوبست که از طرف آقایان هم‌چیزی در این باب نوشته‌شود.

آقاسید عبدالله مجتهد - ازقرار معروف پسر سپهدار یکنفر را بضرب چوب کشته‌است.

(پرسیدند که کی بوده است)

آقاسیدعبدالله - ازقراری که میگویند پسر سپهدار نوکری داشت سیده مواجب وطلبی داشت از پسر سپهدار مطالبه کرده است اورا فحش داد وبیرونش کرد رفت بپدرش عارض شد بعد که دید رفته ازدست او عارض شده اورا گرفته چوب زد وبعداز چوب زدن مسمومش کرد سیدمرده است.

آقاسیدهاشم — نمیدانم از دست دردان خارجه بنالیم یااز این مفسدین وخائنین داخله .

آقاسیدعبدالله مجتهد - آن پسر دیگرش که در تنکابن آخوند ملامحمد که میخواست بانتخاب اقدام کند اوراگرفت چوب زد از حضرات متظلمین سؤال کنید .

(ازمتظلمین سؤال کردند آقا میرعماد تفصیل را بیان داشت که هفت مکتوب ازطرف آقایان ویکی از طرف صدارت که همه برای امر انتخاب بوده است فرستاده شده‌است برای جناب آقاشیخ محمد اوهم این هارا گرفته رفت نزد امیر اسعد که این نظامنامه واینها همحکم حجج اسلام وصدارت برای انتخاب امیراسعد گفت این حرفها چیست این محال ثلاثه تنکابن حکومت مستقله است واین شخص راگرفته و چوب زد و خواست ریشش را ببرد بعضی گفته‌اند که بریده ودر این مواقع چون تلگراف خانه هم با ایشانست نمی گذارند که تلگراف کنند دو سه نفر فراراً خواسته‌اند بیایند سپرده‌است که آنهارا هم از هر کجا باشد بگیرند .

استبداد عین‌الدوله ازسر مسلمانان کوتاه شد چندنفر دیگر هم بافتند ریشهٔ آنها که کنده شود مسلمانان راحت میشوند .

سعدالدوله — اشتباه کرده اید اگر تمام اینها برداشته‌شوند باز ریشهٔ استبداد باقیست.

آقاسیدمهدی - عقیدهٔ من این است که مجلس در این باب انجمن تحقیقی تشکیل کند که رسیدگی نماید.

سعدالدوله — شما چطور میتوانید ثابت کنید که پسر سپهدار این کاررا کرده است گفتند که بآقای حجة‌الاسلام نوشته‌اند.

آقاسیدمحمدمجتهد — من بصدر اعظم نوشتم در جواب من نوشت که این آخوند ملامحمد آدم ول هرزهٔ بوده‌است هرزه گی کرده‌است چوبش زده اند .

(باز در این موقع آقا میرزا عماد اظهار داشت که هیچ اثباتی بهتر از این نیست که مرا بفرستید درتنکابن اگرمن زنده برگشتم تمام مطالب و تظلمات ما دروغ است والا اگرمرا کشتند بدانید که تمام مطالب ما راست است).

آقاسیدحسین - عریضه که در باب سیدمحمد همدانی مقتول که اقتدارالسلطنه اورا بضرب چوب و کتك مسموماً کشته‌است برادرش عرض کرده بخوانند.

بعد عریضه را خواندند که مشتمل بود بر تفصیل قتل سید بجهت مطالبه کردن مواجب وحقوق خود و عارض شدن بپدرش و بیرون کردن او بعد بردن او در سرطویله وشب نعش اورا بیرون انداختن وخبر دادن بمرادرش و از آنجا بمریضخانه بردن و دو روز در آنجا بودن بعد آوردن بمنزل و مردنش که بدن او کبود ومجروح بوده‌است.

سعدالدوله — حکایت چوب زدن در این عریضه نیست .

آقاسیدمحمدتقی - نوشته‌است که کبود و مجروح بود بعد از برادرسید که درآنجا حاضر بود سئوال کردند اوهم همینطور شرح داد.

سعدالدوله - باید ازمریضخانه سئوال کرد از آن طبیبی که او را معالجه میکرده ازاینکه او مسموم بوده‌است یا مرض دیگرداشت اگر گفته‌اند مسموم بود آنوقت باید ازآن اشخاصی که در سر طویله شب با او بودند تفصیل راخواست واستنطاق کامل کرد بعد مکتوبی که ملامحمد کاظم خراسانی نوشته بود قرائت شد

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بعرض میرساند بشارت اتفاق امر مجلس محترم شورایملی که برسبیل اجمال تلگراف آن حجج اسلام دامت برکاتهم متضمن بود و در طی مکاتیب واصله تفصیل حسن ترتیبات را دیگران اخبار نموده اند ازاعظم بشارات والبته این توجه نفوس واتفاق ملی بمنشأ دیگر مستند واز مدد غیبی کاشف و امیداست که انشاءالله تعالی عنقریب نتایج مأموله باحسن وجه مترتب و نامه‌ان در عداد سایر ملل و دول قویه عالم بشمار آمده واین معنی ازاثر سعادت این عهد همایون وحسن نیت این شاهنشاه دین‌پرور ادام‌الله تعالی سلطانه دراعصار لاحقه یادگار بماند.

و یقین است که فصول نظامنامه قانون اسلامی را بحسن مراقبت آن آقایان عظام طوری مرتب و تصحیح فرموده اند که درمواد راجعه بمحاکمات و سیاسات با موازین شرعیه منطبق و بتوارد انظار و مرور دهور واعصار مورد شبهه و اشکال نباشد انشاءالله وچون دراین موقع مبادرت بتشکر ازاین نعمت وتبریك این موهبت مناسب بود لهذا بعنوان خود مجلس محترم ملی شرحی معروض وضمناً هم مهام لازمه‌را که اهم‌همهٔ ترتیبات صحیحه درتخلص ازذلت قرض دولت ابدآیت‌است مذاکره نموده از لحاظ عالی‌خواهد گذشت انشاء الله بلمل‌مراقبت کامله خواهند فرمود.

درخصوص واقعهٔ فجیعهٔ کربلای معلی که البته شرح آن تاکنون بعرض رسیده و خاطر آقایان مسبوق است که‌منشاء التجای کسبهٔ بیچارهٔ آن بلدهٔ مقدسه بانگلیس سخت گیری حکومت بر خصوص

www.iran-archive.com

آنها دون اتباع سایر دول درمطالبهٔ شهریه که در سال غارتی کربلا برای تدارك مصارف سوق عسکریان بلدهٔ مقدسه احداث نموده واز روی‌نقشه طهران و تبریز آن بیچاره ها خودرا دراین‌ورطه واقع‌ساختند وچون مقصودشان‌حمایت ورفع اجحافات بود قبول نشد متصرف کربلا هم که رشید پاشا مفتی‌زاده زهاوی بغدادی‌است باقتضای شدت‌مخالفت پلتیکی این موقع‌را مغتنم شمرده ودر هشتم شهر صیام با جماعت ضبطیه و عسکر و غیرهم بر آنها هجوم وراه فرار بر ایشان مسدود و همه را هدف گلوله‌نموده وآخرکار رئیس عسکریه ترحم کرده راه فراری‌برای‌ایشان بازنمودبوده‌جمع کثیری از آنها مقتول و جمعی مجروح وبعد از فراغ از قتل نفوس بنهب اموال و حتی سلب اجساد مقتولین پرداختند.

وبا آنکه مدتی گذشته وچگونگی‌را تلگرافاً خدمت صدارت عظمی دامت شوکته معروض داشته معهذا تا کنون از تدارك این واقعه و مجازات مرتکبین اثری ظاهر نشده و امیداست که منتقم حقیقی کیفر بدهد بلی امریکه موجب مزید بزرگی این مصیبت است جرئت و جسارت حکومت براین عمل‌شنیع بعد از گرفتن‌سندرسمی ازمامور انگلیس بعدم ارتباط این جماعت باو محض استضعاف‌دولت بوده معهذا وهن واین معنی مزید اصل مصیبت و بیشتر موجب احتراق قلوب‌است علی کل حال رجاء واثق هست بمددغیبی والطاف لاریبی تدارك این مصائب وارده بشود لاحول ولا قوة الا بالله‌العظیم والسلام‌علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

الاحقر محمدکاظم‌الخراسانی عفی‌عنه

مذاکرات دارالشورای ملی

پنجشنبه نهم ذی حجة الحرام

ابتداء انعقاد مجلس صورت مذاکرات روزسه شنبه قرائت شد پس از آن شرحی که سپهدار در خصوص واقعهٔ (تنکابن) نوشته بودندقرائت شد.

شرح این واقعه این است‌که جماعتی ازعلما و طلاب وسایر اهالی تنکابن اجماع نموده درمجلس و باولیاء ملت ودولت متظلم شده اندکه امیر اسعد پسر سپهدار شیخ محمد نامی ازعلماء تنکابن را به جریمه اینکه بموجب احکام صدارت عظمی و علماء اعلام درخصوص انتخاب‌وکلای آنجا اقدامات کرده رازحکومت اقدام وجد دراینخصوص را درخواست نموده چوب زده وتوهین نموده و جمعی دیگر از معترمین آنجارا نیزچوب زده وبعضی راریش‌بریده وتوهین کرده است.

لهذامحض این اقدام شنیع وسایر تعدیات و اجحاف‌اتیکه درمدت‌حکومت این خانواده درتنکابن براهالی آنجا واردآمده مجازات وعزل امیراسعدو قطع یدریاست این خانواده و احقاق حقوق اهالی آنجارا خواستار شده اند.

مضمون جواب سپهدار این بودکه شمااز آقا میرعماد که رئیس متظلمین است سئوال کنید که چرا بارسال پدر وبرادرت سرآقا شیخ محمدریخته و اورا کتك وصدمه زدند ومن در رفع آن غائله جلوگیری واقدامات کردم.

درخصوص احضاروتحقیق دراینباب هرچه مجلس تصویب کند اطاعت میشود تلگرافی هم در این خصوص امیراسعد بسپهدار مخابره کرده ولفاً فرستاده شده بود مضمون آن این بود که آقا شیخ محمد بعضی هرزگیها کرده و ریش وسبیل تراشیده و در مقام این بودکه دوسه نفر ارمنی را اخراج کندمنهم حسب التکلیف جلوگیری نموده ومانع شدم و اینکه شکایت کرده که آقا شیخ محمد را برای اقدام در امر انتخاب چوب زده وریش تراشیده‌ام تماماً دروغ وبی‌اصل است.

آقاسیدحسین - عریضهٔ که در اینخصوص بصدارت نوشته بود که آخوند ملا محمد شخص نکره ایست و به مجازات شرارت و هرزگی که کرده بود چوب خورده مکذب این تلگراف است این تلگراف بعد ازآن عریضه بی‌جا و کذب وانکار بعد از اقرار است خود این شخص اولا اقرار بوقوع این امر کرده و حالا انکار می کند اینها جواب نمی شود.

صدیق حضرت - این‌تلگراف ازپسرسپهدار است که طرف دعوی است ومناط اعتبار نیست.

آقامیرزاطاهر - اگر این آخوند ملامحمد آدم نکره و آخوند هرزهٔ است سپهدار نوشته بدهد که نوشته وقبالجات املاکی که تاکنون بخط ومهر این شخص خریده باطل باشد.

آقاسیدحسین - برفرض آقا میرعماد دشمنی داشته ودر طائفکی نزاعی شده چه‌ربطی دارد واین چه جوابی است که دراین موقع میدهد.

رئیس - یك‌نکته است که‌باید همیشه ملاحظه شود وآن اینست که درهر امری اولا باید تحقیقات اولیه‌بعمل‌بیاید بعد رسیدگی بشود حالا مانمیخواهیم بگوئیم شرحی که سپهدار نوشته صحیح است ولی چنانچه دیروز درخصوص تشکی سیدیکه تظلم‌میکرد که‌برادرم رابپسر سپهدار کشته سه‌نفررا معین نموده وتحقیق این امر را بعهدهٔ آنها محول کردیم و تمام روزگذشته را مشغول‌تحقیق و کشف این‌مطلب‌بودند در اینخصوص هم‌باید کاملا تحقیقات بشود کلیة باید درهر امری‌بطور تحقیق رسیدگی کرداظهارات‌طرف رانمیتوان سندقرارداد.

حاج‌محمد اسمعیل آقا — بعد ها باید درکلیه امور درکمال صحت ودقت رسیدگی کرد و نباید هیچ‌ملاحظه ازهیچ‌طرف بشود معنی رسیدگی اینست که‌ملاحظه دربین نباشد.

آقاسید حسین - هیچ‌تحقیق بهتر از اقرار طرف نیست که خودش نوشته ملا محمد نکرده بود بجهت شرارتی که کرده‌بود چوب‌خورد.

حاج محمد اسمعیل آقا - شاید خواسته ارامنه را بیرون کند و افساد نماید و اسباب تحریك شده وفتنه برپا کند واز اوجلو گیری‌شده است. در این گونه امورنباید بدون تحقیق اقدام‌نمود و طرف هم اقراری نکرده.

آقاسید حسین - در این خصوص به‌حجة‌الاسلام شرحی‌نوشته اند ایشان هم‌بصدارت عظمی داده اندازطرف صدارت‌هم‌جوابی رسیده که‌میگویند آقا شیخ‌محمد آدم هرزهٔبود وتنبیه شده.

حسنعلی‌خان - این‌تلگراف که‌از خوداواست سند تبرئه اونمیشود البته او منکر است وقول‌منکر سند نیست.

آقامیر هاشم — کار نداریم باینکه آقا شیخ محمد نکره یا غیرنکره است هرچه‌هست‌مسلمان برادر دینی ماکه هست البته باید تحقیق و رسیدگی شود بلطایف‌الحیل‌وزبان چرب‌ونرم نمیتوان‌حق‌مردم راضایع وبدلخواه رفتار کرد.

آقامیرزا محسن — راه رسیدگی چیست ؟

وثوق‌الدوله - آقای آقاسید محمد تقی از محترمین علما و از اهالی تنکابن هستند خوبست ایشان چند نفر ازموثقین اهالی تنکابن رامعین کنند که‌تشکیل مجلسی نموده آقا شیخ‌محمدو پسرسپهدار را حاضر کنند ورسیدگی نمایند(جمعی‌این ترتیب را تصدیق‌نمودند.)

رئیس - نمیتوان اینگونه مطالب‌را اخفاکردو نمیشود استخبار نموده که این شخص آخوند مکتبی یانکره بوده البته مطلب‌معلوم خواهد شد.

سعدالدوله — جمع کثیری از آقایان طلاب اینجا متشکی و متحصنند و میگویند مااز اینجا نمیرویم تا بعرایض ما رسیدگی شود باید بوسیله تلگراف پسر سپهدار را احضار نمود بعد طرف هم بابینهٔ خود حاضرشود ودراینجا رسیدگی‌شود.

حاج‌سیدنصرالله — همانطورکه‌وثوق‌الدوله گفتندخوب‌است.

(بعضی گفتند بدون‌احضار آنهانمیتوان‌رسیدگی نمود.)

سعدالدوله - اینجا بگوشم رسید که‌میگویند باین طور نمیشود تحقیق بعمل بیاید و اسباب اهمال غرض میشود و بمطلب‌رسیدگی نخواهد شد باید طرفین بطهران بیایند وباید اول پسر سپهدار بیاید زیرا باملاحظه وترسی که‌مردم دارند تااو آنجااست کسی‌جرئت‌حرکت ندارد بعد از آمدن اوطرف هم باشهود وبینهٔ خود حاضر شود دراین صورت‌خوبست همین طور بنویسند.

آقایان طلاب مطلع باشید که‌بنا براین شدکه‌از طرف دولت تلگراف شود پسرسپهدار حاضرشود و بعدهم تلگراف کنند آقا شیخ محمد با شهود خود حاضرشود تا بقانون شرع تحقیق و رسیدگی بعمل بیاید .من ازوضع این‌مجلس وبی ترتیبی‌نطقهاخیلی دل‌واپسی‌داشتم دیروزوزرا اینجا حاضر بودند دیگر ماشاالله چه‌عرض کنم ...

(در اینموقع آقا میر عماد بمجلس اظهار کردند که ما میگوئیم امیر اسعد خیلی حاکم عادل باذل کاملی است چنانچه بنایب‌السلطنه و صدر اعظم عرض کردیم که ایشان بهیچوجه در تنکابن مصدر تعدی وظلم وخرابی واقع نشده اند و تنکابن را مثل ممالك فرنك آبادکرده اند بنابراین خوبست ایشان را مامور بستن سد رود هیرمند و اهواز و سایر آبادیهای مملکت بکنند و از این راه سال مبالغی بدولت نفع عاید دارند چنین وجود کافی‌حیف است مهمل‌ومعطل بماند !)

سعدالدوله - اگر این طور وجود کافی و لایقی است ایشان را همین جا نگاه میداریم که مجلس را مرتب ومنظم کند. درهر صورت باید از قانون شرع تخطی وتخلف نشود. حالا همین‌طورکه مقرر شد عیبی ندارد.

آقا شیخ‌حسین - در خصوص امری که ما

سه‌نفرمامورتحقیق بودیم‌باآقاشیخ اسمعیل که نزدجناب سعدالدوله است برای تحقیق نزد طبیب روسی‌رفتم.

سعدالدوله - باید این‌مطلب راپورت‌نوشته وبدهید بخوانند.

رئیس - راپورت آن نوشته شده لیکن چون قدری ناتمام بود گفتیم پس از اتمام بیاورند بمجلس ولی فعلا بطور اجمال این مطلب مذاکره میشود.

آقا شیخ حسین - این که گفتند چهار صد تومان طلب داشته بعد از تحقیق معلوم شد بی‌اصل بوده مسئله چوب خوردن هم دروغ بوده از زهر دادن هم چیزی نفهمیدیم آقا شیخ اسمعیل هم همه جا همراه ما بوده آنچه میان خود وخدا فهمیدیم این است که طبیب گفته این شخص مسموم بوده.

سعدالدوله - آقا شیخ اسمعیل هم همین طور میگفت.

آقاسیدمهدی - کسیکه بعیادتش رفته بود میگفت آثار سمی در وجودش بوده.

آقاسیدمحمدمجتهد - ابتدا چیزی که از همه لازم تر است نظم و ترتیب مجلس است این مجلس بطوری که ما میخواستیم منظم نیست. بلکه اسباب مضحکه است و خارجیها از این ترتیب بما می‌خندند مجلسی که‌ما میخواستیم اسباب سعادت‌ابدی مملکت و ترقی و سرافرازی ملت باشد اینطور نیست مجلسی که نتواند داخلهٔ خودرا منظم کند چه مجلسی‌است.

حاج‌سید آقا - ترتیب‌بلیط برای اینکه‌تماشاچی ها شلوق نکنند خوب بود.

آقاملاحسن - تماشاچی بشما چکار دارند و بهیچوجه مانع از کار شما نیستند.

آقامیرهاشم - باید ترتیب‌صحیحی داده‌شود که کار پیش برود.

سعدالدوله - مقصودآقا این است که‌آمدن ونشستن ورفتن ترتیب ونتیجه داشته باشد.

آقامیرزاسیدمحمد - این‌مجلس دراین‌چند ماه که تشکیل شده چه‌کاری ازپیش برده شد می گوئید وزراء حاضرشوند آخر کارمانظم وترتیبی نداردکه آنهاملزم بحضور باشند میگویند همراهی ندارند کدام مسئله به نتیجه رسیده وحکم‌صادرشده که آنها اجرا نکرده اند.

سعدالدوله - این‌مسئله اینجاپیشرفت‌ندارد برای اینکه هر یك از وکلاء برای خود شخصی هستند دارای‌شأن ورتبه نباید بایشان بطورتحکم گفت که باید باین ترتیب عمل کنیدوقتی‌مطلبی گفته میشود باید هریك تکلیف خود را بدانند و بهمان‌عمل کنند رئیس‌چه کند چه قدرمیتوان گفت.

حاج سیدنصرالله — شما میگوئید کدام حکم صادرشده که وزراء اجرا نکرده اند من می گویم اگروزراء موافقت دارند چرابمجلس حاضر نمیشوند تاهیئت وزراء حاضرنشوند پیش نمی رود مجلس‌که قوهٔ اجرائیه ندارد ماتاکنون گمان می کردیم وزراء باماهمراهند حالافهمیدیم‌که بهیچوجه همراهی ندارند.

سید الحکماء — سه دفعه لایحه بوزارت خارجه نوشته جواب نداده وحاضرنشده دراینصورت چگونه همراهند.

سعدالدوله - صورت کنترات پست خانه و ضرابخانه را دادند؛ وآخر در اینباب جواب دادند یاخیر؟ واگردادند چه شده.

صدیق حضرت - بعضی راجواب دادند.

سعدالدوله - چه‌جواب دادند صورت کنترات را دادند؛

صدیق‌حضرت - صورت کنترات نزد وزارتخارجه نبود.

سعدالدوله - در وزارتخارجه نیست پس کجااست نمیتوان سندرامعنی کرد این مسئله با وزارتخارجه است.

سیدالحکماء - این نوشته را وزارتخارجه بدهد.

صدیق‌حضرت - وقتیکه باونداده اندونزد اونیست چه چیزرا بدهد هروقت قانون‌نوشتید وزیر خارجه مسئول است که اینگونه اسناد راضبط نموده ودرموقع بدهد.

سعدالدوله - قانون کدام است قانون‌اینست که وزارت خارجه اسناد خودش راخوب نگهدارد و حفظ کند.

آقاسیدحسن تقی زاده - تمام وزراء با مجلس مخالفندوزیر امورخارجه بیشترازهمه‌مخالفت دارد تاکنون به مجلس نیامده وجواب مساعد هم نداده اند.

سعدالدوله - وزیر خارجه آدم عاقلی است‌می داند اگر بیاید به مجلس ازاو سئوالاتی می شود که‌جواب آنهارا ندارد باین‌جهة نمی‌آید.

حاج‌سیدنصرالله - بااینکه اینها مخالف بامجلس هستند وحق مجلس را ضبط کرده‌اند چرا بمجلس بیایند معلوم است ابداً راضی‌بپیشرفت این مقصود نخواهندبود.

آقامیرزاسید محمد — اینکه بنابودکار را درمقابل پول‌ندهند پس‌چرا مناصب‌و مواجب‌می دهندو پول میگیرند.

سعدالدوله — درمملکت ما نمیتوان این مطلب راگفت‌ماهنوز قانون‌رشوه‌نگرفتن رانوشتیم اول مطلب قانون ما این مسئله است‌که نباید رشوه گرفت وتااین مسئله در قانون نوشته نشده جواب میگویندکه شما هنوزقانون این مطلب‌را ننوشته‌اید دیگر اینکه اگربگوئیم‌کار برای‌شخص است نه شخص برای‌کار باید بشخص قابل‌کافی کار دادبشما میگویم‌که هنوز قانونی ننوشته‌اید دراین‌صورت‌چه جواب بگوئیم.

حاج‌سید نصرالله — گمان نکنند که این فرمایشات شما راجع بشخص است و بکسی بر میخورد.

سعدالدوله — شماهیچ ملاحظه نکنید و عذر خواهی ازطرف من نکنید من‌آن میرزا جواد خان سعدالدوله نیستم من‌وکیل ازجانب سی کرور نفوسم بایدآنچه حق من‌است بگویم میگویندا گر من بیرون رفتم بواسطه خوش آمد گوئی برای‌من رقمهٔ بیاید نه‌من آن‌نیستم آنچه‌هست میگویم.

حاج‌سیدنصرالله - مقصود من‌این است‌که مطلب‌باید کلیت داشته‌باشد.

آقاسید حسین — بدون ملاحظه بایست صحبت کردو کلای‌مجلس بایدبگویند که‌سلطنت ما مشروطه است رشوه‌نباید گرفته شودمالیات بی‌جهة نباید کم یازیاد شودعزل ونصب حکام نباید بدون تصویب و اطلاع مجلس باشد تا وزرا هم حق خودشان‌رابدانند وکار منتهی‌نگردد بجائی‌که‌نبایست منجر شود.

آقاشیخ حسین - سلطان‌ماکه بحمدالله کمال همراهی رابااملت دارد.

آقاسیدحسین - پانزده‌شاهی حقوق‌صندوق را چرا بدون تصویب مجلس بخشیدند صحت هر عملی منوط بامضا وتصویب مجلس‌است عزل ونصب حکام وعمل مالیه بایست بتصویب‌مجلس باشد چرابا اینکه شاهما کمال همراهی دارند این مطالب بدون اطلاع وتصویب‌مجلس صورت پذیرد.

سیدالحکما — کنترات قزاق‌خانه‌رابایست فهمیدکه سالی دویست‌وهشتاد هزار تومان‌که ازدولت میگیرند چه کرده و میکنند اینها همه ضرر دولت وملت است چرا رسیدگی وتحقیق نمیشود وقواعد مسئولیت بعمل نمی‌آید.

آقاسید حسن تقی‌زاده —می‌بینم‌دراین روزها دکان داد وستدباز است وبازارخریدوفروش منصبها بارواج. مناصب است‌که میخرند ومیفروشند شانزده هزارتومان گرفته ومخزن راداده‌اند فلان‌قدر را گرفته وفلان‌کاررادادندحالامن‌اسم‌نمیبرم‌ونمیترسم از اینکه اسم ببرم سابق گفتم که باید این امور توقیف باشد.

سعدالدوله — آنچه شمامیگوئیدمن‌بهتر وبیشتر میدانم لکن نه از اینجهت‌که علم من بیشتر است بلکه ازباب اینکه دراداراتدولتی زیادبودم از این جهت تجربه واطلاعم دراین باب‌زیادتراست ولی گفتن چه فایده‌دارد.

آقاسیدمحمدتقی — این‌مطلب که‌میخواهم عرض کنم محض تملق وخوش آمدنیست‌بطوریقین وجود مقدس شاه خیلی‌مساعدومهراهندچنانچه‌شرحی که آقاسیدعبدالله درخصوص واقعه تنکابن‌وامیراسعد بصدارت نوشته وصدارت هم بحضور همایونی‌عرضه داشته اند دستخطی‌که دراینخصوص‌صادرشده حاضر است میخواهید خوانده شود.

(دستخط شاه را قرائت نموده وخلاصهٔ آن این بودکه باید امیر اسعد را حاضر کرده وپس از رسیدگی مجازات دهند.)

آقاسیدمحمدتقی - در صورتیکه پادشاه اینطور همراهی ومساعدت‌تامه دارند چراوزرانباید همراه باشند ؟

حاجی محمداسمعیل آقا — این مسئله ربطی بعوالم اهل مجلس ندارد.

حاج سیدمحمد — وزیردربارمعین‌شد ؟

حسنعلی خان — این‌مسئله‌ازوظیفه‌مجلس خارج است.

آقاملا حسن — چرا ؟ باید بتصویب مجلس باشد.

آقامیرزا ابوالحسن خان — باید وزرا معرفی شوند ومجلس آنهارابسمت خودشان‌بشناسد مجلس باید بشاه عرض کند که وزرا در بار خودرا معرفی فرموده وهمین فرمایند وپس از معرفی همه روزه خود یامعاونشان درمجلس حاضرشوند.

سعدالدوله - مطلب همین است بایدوزرا معرفی شوند قانون اساسی دولت تغییر کرده است باید نوشت‌که وزرا رابمجلس‌معرفی کنند.

www.iran-archive.com

آقاسیدحسین — باید نوشت تا بدانند که وزراء مسئول باید درمجلس حاضرباشند وبدانندکه برحسب مشروطیت کارها باید بتصویب مجلس باشد تاکی باید بمسامحه وتعلل صرف وقت کرد .

سعدالدوله - عقیده من این است که وزراء مسئول را بشما معرفی نخواهند کرد زیرا مسیونوز یکی از وزراء مسئول است و اورا بمجلس معرفی نخواهند نمود دولت دراین میان گیر افتاده است و این دردی است بیدرمان که آناً فآناً شدیدتر می شود اینکه گفتید چه حکمی صادر شده که جواب نداده اند آنچه درخصوص گمرك وپستخانهٔ نوشته شدجواب آنها چه شد .

آقامیرزا ابوالحسن خان - فرمایش شما منکری ندارد ولی اولا باید ازشاه معرفی وزراء را درخواست کرد وقتیکه کهمسیو نوزرا بوزارت گمرك بما معرفی کردند ما قبول نمیکنیم .

سعدالدوله - افسوس وحیف که شما روزنامه های خارجه را نمیخوانید بعضی از آنها نزد حاج محمداسمعیل است نوشته‌اند وقتیکه بلجیکی‌ها بایران رفتند ابداً مردم آنجا ازمجلس ومشروطیت چیزی نفهمیده بودند بلجیکی‌ها ایران‌را آباد کردندمسیونوز این‌مجلس را برای آنها گرفت فقط سعادت و شرفی هم که برای مابود در روزنامه‌ها باسم خودقلم‌میدهند هشت‌سال است که در ایران سلطنت میکند مسیونوز مرا فروخت وهم اورشوه میدهد ونمیگذاردبدولتیان باما همراه باشند پریشب نظامنامه سنارا قرائت‌نموده ودادند مسیونوز تصحیح کندبعد بصحه برسانندملاحظه کنیدیکنفر گمرکچی باید درمملکت مامصحح‌نظامنامه مجلس سنای ما باشد من‌نمیدانم چه‌بگویم .

حسنعلی‌خان — آنهم‌چه گمرکچی که در مملکت خود سالی صدتومان مواجب داشت .

آقاسیدحسن تقی‌زاده - من‌هم شنیدم که قانون نظامی را بیکنفر روسی‌دادند که بنویسد .

آقامیرزاابوالحسن‌خان - صحیح میگوئید ولی‌معرفی وزرا لازم است بایدخواست .

سعدالدوله - وزیرامور خارجه اگربمجلس آمد من‌از او سؤال خواهم‌کرد که اعتشاش سرحد عثمانی را چه‌باعث‌شد وبگردن مسیونوز مدلل خواهم داشت که بیرق شیر و خورشید ایران را که اعراب خوابانده‌اند اومحرك وباعث بود و همچنین اگر مسیو نوز نبود تجار بحضرت عبدالعظیم متحصن نمیشدند واگر آنها متحصن نشده بودند شاهزادهٔ عین‌الدوله کینهٔ آنها را دردل نمیگرفت واگر او اظهار عداوت نمیکرد اینطور مخاصمه دربین نمیآمد وکار بدین‌جا نمیکشید تمام اینهارا مسیونوز باعث است‌لیکن‌ازاین حیث بایست از مسیونوز متشکر بود .

سیدالحکماء — اشکالات زیاد است باید آنها را رفع کرد واصلاح نمود .

سعدالدوله - شاهزادهٔ عضدالدوله‌درقراداغ حکومت داشت شخصی از دست تفنگدار او عارض شد شاهزاده شروع کرد بنفرین کردن. شخص‌عارض برگشت برود شاهزاده گفت کجا میروی گفت میروم پیش‌مادرم‌اوبهتر ازشما نفرین میکند.حالا اینها همه نفرین است که گفته میشود .

آقامیرزاابوالحسن‌خان- نتیجه چه‌شد؟

حسنعلی خان — بایدنتیجه گرفت صرف گفتن چه حاصل دارد .

حاجی‌بحرالعلوم - آقایان چیزی نوشته اندقرائت میشود .

(در این‌موقع مکتوبی ازطرف صدارت آمده بود که فرداروز عید طرف عصربرای جشن‌ولیعهدی احمدمیرزا رئیس باشش‌نفر از وکلای مجلس‌حاضر بشوند)

سعدالدوله - بنابودآقایان ازطرف‌خودشان بنویسند نه از طرف مجلس بطوریکه مجلس هیچ مداخله نداشته باشد .

آقاسید محمدتقی - عقیدهٔ من این است که‌دراطاق خصوصی خوانده شود .

سعدالدوله — بماند تادر اطاق خصوصی قرائت‌شود .

آقاسیدحسن - درباب وزرا مسئول مسلم است که اگر معرفی‌بکنند مسیو نوزرا معرفی‌نخواهند کرد ولی بگذارید معرفی بشوند .

سیدالحکما - سئوالی دارم اگر شخصی‌را سلطانی مرجعیت کاری بدهد وقراری داده شود آیا بعداز فوت‌آن‌سلطان قراردادبرهم نخواهدخورد .

(گفتند خیرمگر خیانتی از اومعلوم شود)

معمارباشی - آیا ممکن‌است که‌یك کاری که برای دولت وملت‌فائده دارد انجام بدهید وبعدشروع بکاردیگر بکنید .

آقاسیدحسین — آن‌مسئله‌را چه گفتیدچه جشن ولیعهدی است که مجلس هیچ از این ترتیب مسبوق نیست درتاجگذاری که بمجلس اطلاعی‌ندادند وهمچنین در امورات دیگر حالا در جشن ولیعهدی دعوت میکنند. من‌میگویم‌اهل‌مجلس نروند هر کس هرچه‌رأی دارد بگوید .

آقامیرزا ابوالحسنخان - تعیین ولیعهد باکیست اگر بقانون اساسی باسلطان است که البته هرکس را صلاح می‌دانند تعیین میکنند واگر با مجلس است آنهم معلوم‌باشداین‌مطلب را بایدبدانیم.

اسدالله میرزا - مگر تا حال نمیدانستید درخانواده قاجاریه ولیعهدی بوراثت است وازطرف مادر هم‌باید شاهزاده باشد .

آقاشیخ‌حسین- بشرط‌اینکه باقانون‌اساسی ومجلس همراهی داشته‌باشند .

آقاسیدحسین- غرض این‌نبودکه این مطلب بامجلس است گفتم آنوقت درتاجگذاری بمجلس‌خبر ندادند حالا چطور شد دعوت میکنند .

(گفتند درآن نفرد صدراعظم عذرخواسته بودند.)

آقا سید محمد - این به منافاتی باهم دارد اگر یك‌مورد سهوی‌شدباید گفت چرا در این مورد دعوت کردند این سخنها بوربط است .

آقاسید عبدالله - شمامطالبه‌حقوق‌خودتان را بکنید وفکرکارباشید اینها مطلبی‌نیست .

سعد الدوله - این که آنوقت چرا دعوت نکردند و حالا کردند این دلیل موجهی نیست .

آقاسیدحسین - اغلب در این مطلب رأی خودرا پوشیده میدارند .

معمارباشی - هیچکس‌پوشیده‌نمیداردورای خودرا اظهار میکند .

سعدالدوله - پس خوب است قرعه‌بکشند

آقاسیدعبدالله - قرعه برای رفتن‌شش‌نفر حق داریدولی اصل رفتن رانباید رأی بگیرید .

آقامشهدی باقر - یك وقتی سهومیشود دولت و ملت یکی است چرا نمیروندالبته‌بایدرفت

آقا سیدحسین - ازیکنفر که‌نمیشودایشان بامن مخالفند بایدرأی بگیرید .

رئیس - درخصوص دعوت فرداهر کس‌رأی دارد ورق سفید بدهد و هر کس رأی ندارد ورق سیاه (بعد ازقرعه اکثریت آراء برفتن شد)

سعدالدوله - جناب آقای‌حاجی‌سیدنصرالله شرحی درخصوص‌آن‌جوان بمن نوشته بودندپدرش در اینجا متظلم است چه‌طورشد وچه گذشت؟

حاجی سیدنصرالله - نمیدانم‌خیلی مطلب اهم است جناب حاج‌شیخ الرئیس‌مسبوق هستندحاج شیخ الرئیس گفت‌که همان شب ازمجلس‌رفتم‌پیش وزیر مخصوص وگفتم که بایدطرف بمجازات‌برسد جواب گفتند من خواستم که اورامجازات‌بدهم حاج سیدباقر توسط کردندونگذاشتند.

حاج‌سیدباقر - خیرمن توسطنکردم پدراو گفت بگوئید مرا رهاکنند باوکاری‌میخواهند بکنند من توسط پدرش را کردم .

آقاسیدمهدی - باید بقانون شرع او را مجازات کرد حالا که‌اقرار کرده است(گفتند باید تحقیق کرد.)

حاج‌سیدنصرالله - مطلب نظامی‌است حاجت بتحقیق‌نیست .

آقامیرزاسیدمحمدمجتهد - میگویند این اثری که درطرف موجود است اثرچوب است که استعمال کردا اند این مطلب دیگری است

حاج‌سیدنصرالله - چوب‌یاغیر چوب‌هرچه بوده است باید بمجازات برسد

آقاسیدمهدی - همراهی نکردن وزراء در هر مورد باعث خرابی‌کاراست ما حاضر نبودیم که وزیر مخصوص مثل سایرین باشد شهر خیلی بی نظم و مشوش است دیشب گذشته جناب حاجی لسان که از بستکان آقا است اگر نبود وآن طفل سید را خلاص نمیکردنزدیك بود که او را بکشند وکسی هم جرئت نداشت پیش برود .

سعدالدوله — اگر حکومت شهر مختص بوزیر مخصوص بود عیبی نداشت ولی اختصاص باو ندارد .

آقاملاحسین - منزل‌ما نزدیك بخانه‌یکنفر ارمنی است فراشها وقاطرچی‌ها مست‌از آنجابیرون می‌آیند وعربده کشیده هرزگی میکنند .

سعدالدوله — این‌کارها باوزیر مخصوص نیست با وزیر داخله است او باید ترتیب و تنظیم بدهد ولی فایده ندارد این مثل تفنگدارعضدالدوله است .

آقاسیدمصطفی — همین‌طور علانیه مال مردم را روزروشن در بازار میبرند پریروزازدکان سمساری لحافی را دزدیده بودند با هزار مشقت گرفته شد همچنین‌یك کله قند ازدکان‌عطاری برده بودند در بازار پای قایق که این غلامهای جدید اموال مردم وعابرین را میبرند هیچ کس جرأت حرف زدن ندارد .

مذاکرات دارالشورای ملی
روزشنبه ۱۱ ذی‌حجه

صورت مذاکرات روز ۵ شنبه گذشته قرائت شد .

سعدالدوله - چندصورت تلگرافی‌ازاطراف رسیده است بدهید قرائت‌شود .

رئیس — چند فقره اعتبارنامه هم هست که قرائت نشده اینهاخوانده بشود که‌مجلس آن‌اشخاص رابشناسد .

صورت تلگرافی ازرشت ازطرف تجار آنجا بعنوان حاج امین الضرب قرائت شد که آقا محمد وکیل التجار ازجانب تجار آنجا باکثریت آراء منتخب شده است .

بعدصورت‌انتخاب رشت که‌حکومت تفصیل آنرا نوشته بودقرائت شد که قرعه باسم چند نفردرآمد ولی اکثریت آراء بجانب وکیل التجار شدوامشب هم که باز مجلس انتخاب بوددوباره اکثریت‌آراء باسم آقامحمد وکیل التجاربیرون‌آمد .

آقامیرزاسیدمحمدمجتهد - بایدتحقیق کرد بجهت اینکه تلگراف‌ازعلماء وغیرهم خیلی برخلاف این شده است .

سعدالدوله - دلیل این اختلاف‌این است که در آنوقت انتخاب اهالی محالات رشت حاضر نبودند ورأی ندادند فقط اهالی‌رشت دراین‌انتخاب دخالت داشتندحال که همه حاضرشده‌میگویند اگر ماهم حق انتخاب داریم چون درآن انتخاب حاضر نبودیم اورا بوکالت‌قبول نداریم دراینصورت‌بایست بعاکمی که‌میرود دستورالعمل‌صحیح داد که درعمل انتخاب بروجه صحت رسیدگی کرده که بعدها هم تولید اشکالی نشود .

وکیل التجار آنهائیکه‌تلگراف کردند که‌ما نمیخواهیم‌پس‌ازرای دادن چه حقی درنکول‌دارند

سعدالدوله — این راهم وکیل التجار راست میگوید .

رئیس —مقصوداین‌است که‌آنهاهم‌رای‌دادند و ورق انداختند لیکن اکثریت آراء باسم ایشان درآمد .

سعدالدوله - بهتر همان است که رجوع بتحقیق شود .

آقامیرزاسیدمحمد - بلی‌باید تحقیق بشود

رئیس - این نمیشود اگربموجب نظامنامهٔ انتخاب شده است باید بر قرارباشد و انتخاب‌عیبی ندارد هر روز یکنفر بگوید من انتخاب نکردم یارأی ندادم نمیشود .

حاجی‌محمدتقی - حکومت در این باب نوشته و تصدیق کرده است .

آقامیرزاسیدمحمدمجتهد - بر خلاف این‌هم‌حکومت نوشته است .

آقامیرزامحمودصافهانی - آنهائیکه بر خلاف تلگراف کردند گفته اند کما مجبوربودیم و انتخاب او صحیح‌است(در این موقع شیخ‌اسمعیل رشتی از میانهٔ تماشاچی هابر خاست و نطقی کرد که ما راضی نیستیم بانتخاب‌این شخص و نخواهیم گذاشت از رشت تلگرافها کردند و آقای حاج خمامی نیز بحجةالاسلام آقای‌آقا میرزاسید محمد تلگراف نموده اند .

آقامیرزاسیدمحمد-بلی‌تلگراف‌شده‌است باید تحقیق بشود .

رئیس-بسیا خوب تحقیق بشود بهتراست .

آقامیرزاسیدمحمد — بحکومتی که‌میرود برشت باید دستورالعمل داد که‌تحقیق کند وصدارت عظمی هم تلگراف کرده‌اند که‌دو باره‌شخصی‌علیحده را انتخاب کنند وبفرستند .

وثوق‌الدوله - این شخص فعلا بموجب این اسناد وکیل است تاخلاف‌این‌اسناد معلوم‌شودهروقت خلاف معلوم شدازوکالت معزول‌است .

حاجی‌معین‌التجار — خوب‌است امتیازنامه بالك قرائت بشود .

رئیس — حاضر است میخوانند ولی چند اعتبار نامه‌است آنها رابخوانند بعد امتیازنامه‌را .

سعدالدوله — شنیدم بعضی گفتگوها بمیان آمده است‌حالا قبول کرده‌اید وآنهارفع‌شده .

حاجی‌معین‌التجار — گفتگودرفروختن‌شربا خمس ازسهام بمسلمانان خارجه‌بود هنوزتمام نشد .

سعدالدوله — باین ترتیب قبول‌میکنید .

حاجی‌معین‌التجار-ملت‌وقتی که‌صلاح‌بدانند وقبول داشته باشند ماهم‌قبول میکنیم .

سعدالدوله — شما باید کاری بکنید که اسباب اطمینان ملت‌فراهم آید و فایدهٔ بحال ایشان داشته‌باشد که‌همراهی کنند وبتوانید مقصودخودتانرا بهمراهی‌ایشان بعمل‌آورید .

آقامیرزا ابوالحسن‌خان — اگر ملت همراهی نکنند رایتان چیست ؟ میگوئید از خارجه قرض کنند .

سعدالدوله — قرض‌ازخارجه که‌ممکن‌نیست .

رئیس— امروز باید در اینموقع ملت کمال مساعدت و همراهی را نمایند بلکه میگوییم اگر ممکن باشد بیك میزانی مجاناً حاضر باشند در همراهی کردن اگر ملت منتظرند که سهام بخارجه فروخته شود وشش کروروزسی کرور از آنهادریافت شود وازرا بمصرف برسانند این ترتیب خبطاست و حاصلی نخواهد داشت هرگاه از شش کرور بیست و چهار کرور آن از داخله جمع شود آنوقت بهیچ وجه محتاج بشش کرور ازخارجه نیستیم ملت نباید دراین مورد ابداً کوتاهی و مسامحه کند .

سعدالدوله — ماحالا انقدر ازسهام‌را که باید بخارجه بدهیم چشم میپوشیم وبماند اگر دولت آمد تمام عایدی خود را ببانك نداد آنوقت‌چه‌میکنید وجواب ملت چیست .

آقامیرزا ابوالحسن‌خان — ملت‌نمیتواند حق خودش رااز دولت بگیرد ؟

سعدالدوله — آنحرف پریروز شماجواب امروز شمارا میدهد .

آقا میرزا ابوالحسن خان — مابدولت میگوئیم که‌ملت‌وزیر ازخارجه نمیخواهدونمیگذاریم وزیر ما ازخارجه باشد .

سعدالدوله — این حرف‌شمارا من قبول‌دارم باقی هم اگر قبول داشته باشند خوب است (همه گفتند صحیح است و بدلت بنویسند که‌وزیرازخارجه نمیخواهیم .)

آقاسید محمدتقی — این مالیات را ملت بدولت میدهد وقتیکه‌دولت ببانك‌ندهد ملت‌هم‌بدولت ندهد .

حاج معین‌التجار — این حرفها اسباب اغتشاش خیال مردم خواهد شد لازم نیست مذاکره بشود .

سعدالدوله — این حرفهالازم‌است که‌امروز گفته شود تا معلوم باشد که مقصود چیست و چه باید کرد

آقا سید حسین — حالا که فصل بفصل میخوانند هر کس حرفی دارد بگوید دیگر بعد از خواندن تمام و صحه شدن آنوقت نگویند ما رای ندادیم .

آقا سید حسن تقی زاده — عقیدهٔ من اینست که فصل بفصل بخوانند ورای بگیرند .

سعدالدوله- حالا این‌سه فصل که‌خوانده‌شده هر کس درآنها حرفی‌دارد بزند .

ثقةالسلطنه — این فصل که بانك بروات تجارتی رامیتواند خریدوفروش بکند بروات‌تجارتی خرید ندارد یکموعدی دارد که باید در آن موعد کارسازی شود .

سعدالدوله — این معنیش اینست که من مثلا میخواهم ده هزار تومان پول بپاریس بدهم میروم پیش بانك میگویم این مبلغ را برات بدهید آنجا بگیرند او بحساب فرانك آنجا قیمت میکند که این چند فرانك میشود ازمن میخرد و بآنجابرات میدهد .

در فصلی که بعدازانقضای‌مدت بانك‌شاهنشاهی این امتیاز منحصر ببانك ملی است .

آقامیرزاابوالحسن‌خان-مدت‌آن‌معلوم‌نشد

حاجی‌سیداسمعیل -خوبست که در اینجا پس از ارتفاع باشد نه پس از انقضاشاید باسباب دیگر قبل از انقضا او مرتفع شد .

آقاسید محمدتقی - حاجی‌آقا نکته‌خوبی فرمودند (جمعی گفتند این نمیشود) .

رئیس- چرا میشودکه بیك‌شرط ازشرایط امتیاز نامه‌اش‌عمل نکند آنوقت‌امتیازمرتفع‌میشود .

سعدالدوله - آنوقت آن مسئله خرید و فروش میشودحقش‌بانیست امتیازش از بین نمی‌رود باید از او خرید .

آقامیرزاابوالحسن‌خان-حق‌اودراینصورت باقیست .

رئیس - این نمیشود که مثلا بگوید من آن پولی که در سال باید بدهم نمیدهم واین امتیازراهم‌نمیخواهم دراین‌صورت مرتفع‌خواهدشد .

سعد الدوله -این احتمالیست.استاددولتی احتمال بردار نیست آن سندهای رسمی است این امتیازی که باو دادند مدتش باقی خواهد بود تا موعد معین لفظ‌انقضا معمولست که در تمام‌اسناد می‌نویسند .

آقامیرزاابوالحسن‌خان -بلی همین طور است اسناد دولتی مورد احتمال نیست .

حاجی‌سیداسمعیل - چه عیب دارد لفظ ارتفاع و انقضا هر دو باشد ؟

www.iran-archive.com

میرزامحمودا‌صفهانی-لفظ‌ارتفاع‌خوبست در اینجا .

وثوق‌الدوله -شاید شرایطی‌باشد که در مدت پنجسال دیگر بآن شرایط عمل نشود و این امتیاز بر هم بخورد آنوقت‌باید خبر کرد تا مدت منقضی شود .

سعدالدوله - آنوقت میشودواختیار آن‌با دولت خواهد بود از دولت‌باید امتیاز گرفت .

آقاسیدحسن‌تقی‌زاده - این‌مؤسسین که از اول در خصت سال قبول کرده بودند حالاهم اگر فرضاً دو سال دیگر بر هم بخورد تا پنجاه و هشت سال صبر کنند مسئله نیست فرض شود از اینکه آن مدت باقی است .

وثوق‌الدوله -چرا صبر کنند این ربطی بمؤسسین ندارد مال تمام‌ملت است .

صدیق حضرت-بایدصرفه‌ملت‌راملاحظه کرد.

آقاسیدمحمدمجتهد - بنویسند پس از ارتفاع یاانقضای مدت.

آقاسیدمحمدتقی-خوبست‌همین‌طوربنویسند

سعدالدوله - بنویسیدلفظ ارتفاع را ولی فردا رئیس بانك می آید دراینجا شمالفظ ارتفاع را این طور معنی می کنید اومعنی میکند که بقوهٔ جبریه اگر مرتفع گردید آنها ارتفاعست .

وثوق‌الدوله - چرا لفظ ارتفاع وانقضاء هردو معمولست.

اسدالله‌میرزا - میشود که‌اسکناس‌زیادچاپ کند وبمیزانی که پول باید مقابل آن داشته باشد موجود نداشته باشد آنوقت ارتفاع صدق میکند

سعدالدوله - آنوقتی که میرزا یحیی خان مشیرالدوله ۱۵هزار تومان گرفته است واین‌امتیاز را داده اند مفتش این مطلب از میان رفته است کسی نیست که حالا تفتیش کند پول هست یانیست .

آقامیرزاابوالحسن‌خان — حق تفتیش باقیست حالاهم میتوانندتفتیش کنند .

حاجی‌بحرالعلوم-ارتفاع‌خوبست‌بنویسند.

وثوق الدوله -ارتفاع‌اعم‌ازانقضاء است.

آقاسیدحسن تقی زاده -عقیده من لفظ انفساخ‌خوبست ارتفاع‌مناسب نیست. بنویسندپس‌از انفساخ امتیاز یابعداز انقضای آن جمعی تصدیق کردند بعدلفظ انفساخ را افزودند .

درآن فصلی که هر گاه کمپانی‌حاضرشودبرای امتیازراه آهن وشوسه بانك ملی درتساوی شروط مقدم است .

آقاسیدحسن‌تقی‌زاده- این‌لفظ‌رد‌نمیکند امتیاز خارجه‌را .

رئیس - این مطلب درقانون اساسی‌هست که کلیه امتیازات از داخله و خارجه بتصویب مجلس است باید بگوئید که مجلس برضد بانك تصویب کند آن هم مطلبیست تا مقتضی وقت را مجلس چه نحو به بیند چه‌عرض کنم تاآقایان چه‌بگویند.

زرگرباشی - اگر کمپانی‌نباشدیکنفرباشد بخواهد این‌کاررا بکند (بعد از مذاکرات بجای لفظ کمپانی‌لفظ‌دیگری گذاردند .)

درآن فصلی که هر گاه‌بوراثت یاتبدیل‌تابعیت بخارجه این شرکت انتقال یافت باید در مدت یکسال آن شرکت را بداخله بفروشد و الا عموم مشترکین انجمن تشکیل کرده حق اورا موضوع مینمایند وبطور امانت دربانك‌است‌هروقتیکه‌خواست باورد میکنند .

حاجی بحرالعلوم -این‌مطلب‌نمیشودحق ندارند که موضوع نمایند و پیش ایشان امانت باشد.

رئیس—معنی انجمن عمومی اینست‌که‌شرکاء سالی یکمرتبه‌انجمن‌میکنند ورسیدگی می‌نمایند می گویند چون باین‌شرط عمل‌نکرد حق‌شراکت‌ندارد

حاجی بحرالعلوم—این شرطرا با کی میکنند هنوز او موجود نشده ونیامده من‌حق‌ندارم از برای وارث‌خودم‌که هنوز نیامده‌است یك شرطی بکنم .

(گفتند آقایان چه‌میفرمایند).

آقاسیدعبدالله‌وآقامیرزا سید محمد عیبی‌ندارد این‌شخص درحق‌خود این‌شرطرا میکند وراثهم ارث‌را بشرط میبرند چه‌ضرر دارد.

در فصل دوازدهم‌که بعد از انقضای مدت‌صد و ده سال بانك حق دارد که تجدید امتیاز نماید بهمین‌شرایط.

مخبرالملك — این لفظ حق دارد در اینجا بی‌محل‌است وسلب‌اختیار ازدولت است.

سعدالدوله — درصورتی که‌مدت‌منقضی شود دیگران این امتیاز را بخواهند و بانك هم بخواهد بانك مقدم است باید اینطور عبارت باشد لفظ حق یکقدری گیردارد.

حاجی امین‌الضرب - اولاهیچ‌امتیازی، بدون مدت نمی‌شود و اینکه دیگرانهم شاید این امتیازرا بخواهند مگرآنها غیرازملت هستند همین بانك‌مال ملت‌است گفتند شاید شخصی بخواهد این کاررا بکند یا یك‌جمعی .

بعد گفتند لفظ بهمین‌شرایط را بزنند.

حاجی‌سیداسمعیل — بنویسند هرچه در هرزمان صرفه وصلاح ملت است.

حاجی بحرالعلوم — این راه آهن و معادن که قبول کردند اگر مدتی گذشت و اقدام نکردند همینطور بایدبماند وکسی‌حق‌ندارد؟

مخبرالملك —چرا اگر کسی بخواهد ولی بانك با آن‌شرایط قبول کند بانك‌مقدم‌است.

بعد بجای‌همین شرایط نوشته‌شد که با شرائط مقتضیه وقت بانك مقدم‌است.

اسدالله میرزا —مقصوداز‌اراضی دولتی چیست ؟

رئیس- خالصجات‌واراضی موات .

آقاسید حسن تقی‌زاده —درفصل‌هفتم وهشتم بنده عرض‌دارم وآن اینست که غواصی در دریا وفروش طلا ونقره برای ضرابخانه چرا باید منحصر باشد و بانك حق تقدم داشته باشد من در این دو رای ندارم غواصی مال تمام ملت‌است باید قراء هم بهرهٔ ازآن ببرند اختصاص بچندنفر برای چه و همچنین حق‌تقدم در فروش طلا و نقره برای ضرابخانه خوبست که دراین فصل‌هم مثل‌سایرفصول لفظ بتواند باشد .

حاجی محمد اسمعیل —غواصی یك امر موهومیست هنوز بوجود نیامده ونمی آید .

آقامیرزا محسن — چه ضرر دارد که غواصی‌هم همانطور بلفظ میتواند باشد.

آقا سید حسن تقی زاده - تمام فصول این امتیازنامه ازاول همه‌مخصوصی و انحصاری بود همه(میتواند)شد حالااین‌مسئله‌هم (میتواند)باشد که تاقدرا وضعفا هم بتوانند ازاین‌راه بهرهٔ برده‌باشند تمام افراد ملت‌که سهام نمی خرند و قوهٔ خریدن سهام ندارندآنهاهم‌باید راه‌ثروتی داشته‌باشندیانه؟

رئیس - این مسئله غواصی چیزیست که هر کس نمی‌تواند ازاو بهره ببرد آنهائی که‌درخشکی منزل دارند نمی‌آورند این‌کاررا بکنند آنهاکار زراعت و فلاحت و سایر کارهای دیگرمیکنند ولی آنهائیکه درکنار دریاها هستندواین کاررامیتوانند بکنند مؤسسین هم درآنجا عملجات لازم‌دارندلابد آنهارا بکاری وامیدارند.

آقاسیدحسن تقی‌زاده - میگویم شاید دیگران کمپانی بکنندوبیشتر بدولت بدهند.

آقا سیدحسین - شاید اینها تابیست‌سال دیگر هیچ‌کار نکنند بایدهمین باشد وکسی حق غواصی نداشته‌باشد ؟

(گفتند برحسب این‌فصل بلی).

آقامیرزا محسن ؛ همان‌لفظ میتواند که آقای تقی‌زاده گفته‌اند خوبست.

اسدالله میرزا - (میتواند) که‌امتیاز نمی‌شود

حاجی‌بحرالعلوم - میتواند امتیاز نیست شرط دیگرمیخواهد .

آقا سیدحسین —شرط کنند که در مدت پنج‌سال یا ده‌سال این‌امتیاز بابانك باشد.

حاجی معین‌التجار - ازچیز موهوم که بخودملت میدهید مضایقه‌دارید ؟

صدیق حضرت - حالاموهومست همیشه که موهوم نیست یکوقتی وجود پیدا میکند.

آقامیرزاابوالحسن‌خان - این کسانیکه این اقدام‌را امروزه میکنند در حقیقت مملکت را از دیگران‌میخرند در مقابل این‌خدمت این امتیاز را نباید بآنهاداد.

آقاسیدحسن تقی زاده - از یکطرف میگویند امر موهومیست ازطرف دیگر میگویند که فایده زیاد دارد و تشکیل بانك برای تحصیل فایدهٔ این مطلب باید باشد نمیدانم هرطور صلاح میدانید رأی بدهید غرض بنده مباحثه نبوده است و من باعث نمیشوم‌که آراء سایرین را منقلب کنم من‌مغلوب هرطورمصلحت است‌عمل کنید .

آقامشهدی‌باقر -- پس‌این بانك چه‌فایدهٔ داشته باشد .

صدیق حضرت- فایدهٔ و نفع راجع ببانك بقای‌دولت وملت‌چه نفعی بالاترازاین است .

حاجی سید اسمعیل-این گونه‌مباحثات‌مال مسلمین است اگربلفظ میتواند میشودکه بکنیدوالا انحصارش باطل است .

آقامیرزاطاهر - این مرواریدرا خارجه غواصی میکنند میبرند این امتیاز برای اینست که نگذارند آنها ببرند .

حاجی‌سیداسمعیل- بهمان لفظ میتواند این کاررا میشود کرد بجهت‌اینکه آنها نمیآیند از شما سندبخواهند .

حاج سیدنصرالله- پس‌نباید‌بانك‌فایده ببرد ؟

حاج سید اسمعیل - تمام عایدی دولت‌که در بانك می‌آید وراه‌آهن وشوسه و معادن راکه دارد دیگرچه فایدهٔ میخواهد ؟

رئیس - عایدی دولت‌که دربانك می‌آیدمفت که نیست‌بانك حکم‌صرافی را دارد دادوستدی می کنند راه‌آهن هم که‌میفرمائید هوائی نمیشوددرست کرد آنهم‌زحمت ومخارج دارد تابعد فایدهٔ بدهد همین غواصی‌هم‌زحمت‌دارد همچونیست هر کس‌برود توی دریا مرواریددرآورد قلما یتفق دریك صدف مروارید صحیح دارد هر مروارید هم که مروارید نیست هیچ مسئله پرفایدهٔ نیست .

آقاسیدعبدالله - واقع اینست که این‌مطلب رانمیشود بر دیگران تحریم کرد باید همه در آن بهرهٔ داشته باشند .

رئیس - حالاکه بناشد در این‌مطلب مباحثه کنیم باید.واضح بشود حالا مسئله مرواریدرا باشد مثلا ماهی گیری هم‌مباح است ازآن هم پس نمی شود که بعنوان بیت‌المال چیزی گرفت بی فایده میماند .

حاج‌سیداسمعیل — بلی نمی شود که انحصار داد .

آقا مشهدی باقر - تاحال این‌غواصی‌فایده بدولت میداد ؟

رئیس — فایدهٔ نمیداد ولی دولت مانع بود آنهم بالنوه اعابدزدی میبردند .

حاجی‌معین‌التجار-بعلاینه میبردندومیبرند مسبوقید که در سمت جنوب خلیج مروارید دارد وآنجا همیشه‌خارجه مشغول هستند .

ثقة‌السلطنه - من خودم بودم در بحرین و لنگه که مروارید زیاد میگرفتند وآنهارابمناسبت امرولایتی ازهم جدامیکردند وحمل می‌نمودند .

حاجی‌معین التجار - وزارت گمرك نبود درایران‌ولی‌حالاکه گمرك هست نمی آورندبهمان خارجه میبرند .

حاجی‌سیدنصرالله -این‌منافات نداردمعنی امتیاز آن تصرفات دولتیست که بانك بخودش بر بر قرار میکند ولی حقوق ملت بجای خود ثابت است .

حاجی‌بحرالعلوم - من که از این فصل انحصار‌فهمیدم‌میخواهید بازبخوانید.دوباره‌خواندند.

حاجی‌سید محمد -آن‌امتیازات که‌برده‌اند شرعی بودچرا آنهارانمیگوئید .

آقامیرزامحسن - پیش‌خیلی‌کار ها کرده‌اند ما امتیازات فرنگی‌را چه‌کار داریم شماامتیازشرعی میخواهید باید بقانون‌شرع باشد

آقاسید حسن‌تقی زاده - خوبست برای اینمطلب رای بگیرید .

رئیس - نمیشود رای گرفت‌آقایان میگویند که شرعا درست‌نیست چه فایده‌دارد رأی گرفتن‌آن وقت درخارج استفتا میکنند که شرعا باطلست پس خوبست مذاکره کنید تامطلب صحیح‌شود .

مذاکرات مجلس

یکشنبه ۱۲ شهر ذیحجة‌الحرام

صورت مجلس روز گذشته قرائت شد

بعد اعتبار نامه دو نفر وکیل قم که حاجی ملا محمود واعظ وآقا فتح‌الله خان بیگدلی باشند قرائت شد و پذیرفته شدند بعد از آن اعتبار نامه اشرف‌الادبا وکیل فیروزکوه قرائت‌شد وپذیرفتند.

همچنین اعتبارنامه حسام الاسلام وکیل‌ازطرف اصناف رشت واعتبارنامه ناظم‌العلماء وکیل ملایر و اعتبارنامه آقا میرزا هادی جواهری وکیل از طرف اصناف اصفهان واعتبارنامه آقا شیخ ابراهیم زنجانی وکیل زنجان قرائت شد و تمامی پذیرفته درمجلس شدند .

بعدفصل هفتم امتیازنامهٔ‌بانکملی که‌تقریبامضمون آن این است (امتیاز غواصی واستخراج مرواریداز خلیج فارس بابانکملی ایران‌است‌وبعد ازوضع‌مخارج سالی صدی ده منافع آنرا بدولت عاید دارد) باینصورت‌تغییر دادند (بانکملی میتواند‌که غواصی و استخراج‌مروارید‌نماید)

آقاسیدمحمدمجتهد — همه‌کس میتواند اینکار را بکند این‌امتیاز نیست.

حاجی‌سیداسمعیل — چرابرای‌جلوگیری ازخارجه خوبست بهمین لفظ میتواند میشود ممانعت کرد .

آقامیرزاطاهر — این برای این است که مسلمانان خارجه حقی نداشته باشند.

آقاسیدمحمد — بحسب‌قانون عرف ودولتی ملك‌ایران است‌آنها حقی‌ندارند ولی شرعاهرمسلمی حق دارد‌که غواصی کند.

آقاسیدمحمدتقی — حضرات تجار دراین باب حرفی دارند بزنند.

حاجی‌محمداسمعیل‌آقا — فعلا صلاح عامه در تشکیل این بانك است وتشکیل آنرا هم‌یك مشوقی لازم است‌که مردم پول بدهند وچشم داشت منفعتی داشته باشند وقتیکه اینطور نباشد مردم هم آن طور همراهی که باید بکنند نخواهند کرد پس باید این امتیاز باشد ولفظ (میتواند) که امتیاز نیست .

آقاسیدمحمدتقی-آخرباید‌مشروع باشد.

حاجی‌محمد اسمعیل آقا — ما اگرچه علما نیستیم ولی‌مسلمان‌که هستیم بلی راست‌میگویند پس میگوئیم اگر بخواهید شرعی باشداصلا سررشته از سرغلط است کدام یکی شرعیست شرعی امتیاز میخواهد برای‌چه‌اغلب این‌مطالب صورت‌شرع‌ندارد مالیات گرفتن باین ترتیبات چه‌صورت شرع‌دارد.

آقاسیدمحمدتقی — چرا مالیات اگرعشر باشد‌که شرعیست.

اسدالله‌میرزا — گمرك گرفتن‌چه‌شرعیست؟

حاجی‌محمداسمعیل-اینهاهمه‌غیرشرعیست.

آقاسیدمحمد — آیا درممالك خارجه‌دولت میتواند اموال مردم را بدیگری بدهد.

آقاسیدحسن‌تقی‌زاده — همین طوراست که میگویند نمیشود منحصر کرد.

آقاسیدمحمد — فرق است میانهٔ امتیازی که دولت بکسی بدهد یااین مجلس بدهد چیزی که درمجلس تمام میشود باید بقانون شرع باشد.

حاج‌محمد اسمعیل آقا - شما میخواهید ازاین بانك ملت ایران را از اسارت خارجه رها کنید این‌امتیاز درمقابل این خدمت است‌که اسباب رغبت وهمراهی مردم باشد و کمال سعی‌را دراینکار بنمایند .

آقامیرزاطاهر - اگر امر دایر بشود که غض عین از کلیه قرآن بشود یا یك امر جزئی البته باید از امر جزئی صرف‌نظر کرد این‌مطلب هم همین‌نحو است که این خلاف شرع را مرتکب بشویم یا در رهن و اسارت خارجه باشیم در این صورت‌ارتکاب این‌اهون‌است (جمعی گفتند بلی‌همین طوراست)

رئیس- دراینگونه امورشرعیه آقایان اگر راهی دارند‌که سهل باشد بیان فرمایند.

آقا سید محمد مجتهد - موضوع فرق میکند. یکدفعه این‌مطلب‌ازروی دفع ضرراست که اگر اینکارنشود خسارت وضرر کلی وارد می‌آید یکدفعه ازبرای فایده بردن اگر از راه دفع ضرر باشد عیبی‌ندارد.

رئیس- حالا در این‌مورد دفع ضرراست

آقاسید حسن‌تقی‌زاده — بلی اگر امر دائر باشد بین بودن و نبودن بانك ملی باید باشد ولی اگر این‌فصل نباشد بانك‌ملی نیست وتشکیل نمیشود یا میشود ؟

آقاشیخ‌علی‌محمد- اینطور قید کنند که اگر غواص با اسباب جدید باشد غیرصاحبان‌امتیاز حق نداشته باشند واگر بهمین اسباب معمول باشد آنهاهم بتوانند.

حاجی سیداسمعیل- این‌مؤسسین‌میگویند که اگرتمام عایدی‌دولت وارد این‌بانك بشود دائر میشود والانه.

حاجی سیدمحمد- خیر اشتباه‌است دولت پولیکه میدهد درعوض مخارج خود میدهد پولیکه بی‌جهت دربانك باشد نیست.

حاجی سیداسمعیل - یعنی این‌پول دولت هیچ فایدهٔ ندارد نمیشودبآن‌تجارت کرد.

آقاسید محمد تقی- بیفایده که نیست‌البته فایده دارد.

حاجی‌سیداسمعیل - وقتیکه فایده دارد خوبست.غرض‌اینستکه بانك بیفایده نباشد پس‌دیگر لازم نیست باین‌امتیاز.

حاجی‌محمداسمعیل- خیرحالا بانك‌فایده هم میبرد اگر این خلیج فارس همینطور که هست بماند چه فایدهٔ برای‌ملت‌دارد.

آقاسیدمحمدتقی- شماهم حق‌داریدراست میفرمائید حاجی آقا هم درست میفرمایند ملاحظهٔ شرعیش‌را میکنند.

حاجی‌محمداسمعیل آقا آقایان میگویند که این‌امتیاز صحیح نیست پس اینکه معدن اگر درملك شخص بیرون بیاید عشرآنرا بدولت مالیات بدهند چرا ؟

آقاسیدمحمد مجتهد- آنجا صحیح‌است باید عشررا ببیت‌المال بدهند.

رئیس- آن عیبی ندارد باید بدهند.

سعدالدوله- حالا میفرمائید که این صدف مال عامه‌است نمیتوان امتیاز داد وکلای ملت از جانب ایشان اینجانشسته‌اند اگرصلاح دانسته‌اند و دادند وخود ملت داده‌است چه عیب‌دارد.

آقاسید محمد— اینها نمیتوانند این کار را بکنند.

آقاسید حسن‌تقی‌زاده- ما حالا شرع‌و خلاف شرع آنرا می گذاریم میگوئیم اگر دائر-

www.iran-archive.com

شدن و نشدن بانك بود و نبود این امتیاز باشد باید از جزئیات آن گذشت و امتیاز را تجویز کرد ولی می گوییم این فصل هفتم اینقدر اهمیت داردیانه؟

حاجی محمداسمعیل آقا - خیر اینطور که شما می گوئید نیست ما ملاحظه دیگر در این باب میکنیم والا اینقدر اهمیت ندارد ووجود بانك منوط باین نیست.

آقاسیدمحمد - اینها هم که حالا فایدهٔ می‌برند جزئیست‌خوبست که قراربدهید دراینصورت عملجات وکارکنان همان اشخاصی که حالا غواصی میکنند آنها باشند آنوقت نفع‌هم بیشتر میبرند و وهم اینکه محروم ازاین کار نشده‌اند.

حاجی معین التجار — این اسباب جدید عملجات خارجه میخواهد.

آقاسیدمحمد - یعنی عملجات علمی ولی عملجات عملی همانها باشند.

حال دراین‌نقاطیکه غواصی میکنند ملك کسی هم‌هست مالك‌معینو دارد؟

حاجی معین التجار — خیر دریاست ملك کسی نیست مال ایران است.

آقاسیدعبدالله — طوری بکنید که این امتیاز ازطرف دولت باشد بنویسید بموجب استیلائی که دولت در کلیهٔ امورات مملکتی دارد امتیازغواصی را ببانك داده است.

آقاسید محمد — دولت پس در این باب ورقهٔ علیحده بدهد.

آقاسیدعبدالله — مطلب‌را که‌میدانید‌مباحات ملك همه است وهیچکس نمیتواند مانع باشد این انحصار به نشستن ما دراین مجلس برمیخوردولی آن لفظ که باشعربطی بما ندارد یعنی (بموجب‌استیلائی) خوبست همین‌طور بنویسید.

آقاسیدمحمدتقی — این لفظ استیلانوشتن باتصویب مجلس امضا بآن‌است خوبست همان‌دولت علیه نوشته بشود دراین مقام.

سعدالدوله — مگر آنها را غیردولت داده است این فصل‌هم همانست همه را دولت داده است.

آقاسیدمحمدتقی - این‌یك‌خصوصیتی‌دارد.

آقاسیدمحمد — همان نوشته‌علیحده‌بدهند.

مخبرالملك — نوشته علیحده‌نمیشود آنوقت ما خیلی نوشته خارج لازم‌داریم این عیبی ندارد اگر یك کمپانی دریك امری تشکیل بشود مانع از کارهای دیگران نیست همان لفظ (میتواند) اینجاخوبست‌این کمپانی‌است سایرین‌هم همان کاری که‌میکردندمیکنند مثل اینست که اگر راه آهنی کشیده شود بگوئیم که پس شتردار از کدام راه برود معلوم است بالطبیعه آنوقت شتر راه دیگر میرود هیچ منافاتی هم با هم ندارند اینجاهم وقتی کمپانی شد سایرین قانع‌میشوند ونفع هم میبرند.

آقاسیدحسن تقی‌زاده — حالا میخواهیم بدانیم که این‌لفظ (میتواند) امتیازاست؟

سعدالدوله — اگر میتواند پس‌چرامالیات بدهد واگر مالیات باید بدهد (میتواند) نمی شود آنوقت معادن آنهاهم باید (میتواند) باشد چه فرق می کند.

آقاسیدحسن تقی‌زاده — مقصود اینست که اگر بانك بغیر این فصل تشکیل میشود این‌فصل ازسرنباشد یابلفظ(میتواند) باشدمن‌از روز اول گفتم که دررهن املاك (میتواند)چه معنی دارد گفتند همین امتیاز است وسایر فصول هم همه (میتواند) شد این فصل هم همانطور باشد.

حاجی معین التجار — اگرعشر میخواهند دیگر (میتواند) معنی ندارد.

سعدالدوله — اگر امتیاز میخواهند باید عشر بدهند واگر (میتواند) بایدباشد عشررابردارید گفتند (میتواند) باشد وعشر نباشد.

حاجی معین التجار — دولت این مطلب‌را قبول نمیکند.

اسدالله‌میرزا — اصلا این فصل نباشد.

سعدالدوله — آنوقت بانك تشکیل نمیشود

آقامیرزاابوالحسن‌خان — آقای‌تقی‌زاده جواب شما ازاین کلمه داده شده‌است.

محقق‌الدوله — بایدمطلب‌را گفت که‌توضیح بشود امروز بقانون دول که دردست است آیاسواحل دریا مال‌دولت نیست؟ صیادی دردریا مال دولت‌نیست؟ وقتیکه مال دولت شد دولت میتواند حق خودرا بدیگران بعنوان کمپانی شرکت بدهد.

آقامیرزاسیدمحمدمجتهد - ازاین‌جهت تمام متعلق بدولت است آقایان هم عرضیات را خوب میدانند اما ملك شخصی دولت که نیست مال تمام ملت‌است شرعاًنمیتواند مال‌غیررا بدیگری بدهد.

محقق‌الدوله — میگویم باید ملاحظه کرد اگر صرفهٔ ملت دراینست باید اقدام کرد.

آقا سید محمد — این مطلب دیگریست غیراز آن مطلب است.

سعدالدوله — درست است امروز دولت‌و ملت یکی هستند باید باهم کار کنند وبایدکاری کرد که امروزه ملت صرفهٔ ببرد همانطور که دولت امتیاز صیادی دریای مازندران را داده است در اینجا هم میتواند بدهد.

آقاسیدمحمد — دز آن هم حرفست مگر اورا کسی قبول کرده است.

سعدالدوله — اینها متعلق بدولت‌است.

حاجی معین التجار — امتیاز خلیج فارس اگرباباك‌نشود بفرانسه‌داده شده‌است واین‌جلوگیری ازآن میکند.

مخبرالملك — دیگر این‌فرمایشات رانکنید امتیاز بدون تصویب مجلس نمیشود.

سعدالدوله — شما هم دیگر این‌فرمایشات را نفرمائید بدون تصویب مجلس همه کار را می کنند.

صدیق حضرت — عرضی‌دارم.این‌بانك‌برای این تشکیل میشود که یك پولی بدولت قرض دهد غیراز این که نیست؟ گفتند این یك کارش‌هست.

صدیق حضرت — بایدمعلوم‌باشد که‌این‌پول راکی میدهد وبچه شرط میدهند.

رئیس — آن بموجب نوشته علیحده است که میدهد.

حاجی محمداسمعیل آقا — من علناً می گویم این حرفی را که شما میزنید مسیو نوز بشما پول داده است که این حرفها را بزنید و رأی مردم را برگردانید.

صدیق حضرت — رای من یك نفر چه فایده دارد وسایرین هم که بمیل و رأی من کار نمیکنند این حرفی که شما می‌زنید اگر سندداریدا ظهار کنید ولی من اگر بخواهم بگویم با سند می گویم.

بعد خواستند قرعه برای صحت امتیازبکشند و فصل دواردهم هم عبارت (دولت علیه) نوشته شد.

اسدالله میرزا - چندنفر هستند که دیروز حاضرنبودند وهیچ‌نشنیدند چطوررأی‌بدهند(گفتند دیگر نمیشود حالاقرائت نموده)

رئیس- یك‌مطلبی‌اینجا اظهارمیشودمیگویند فصل بفصل رأی بگیرند.

سعدالدوله- آن فصل بفصل درصورتیست که رأی می گیرند و میگذرند شما حالا پنج دفعه استکه خوانده‌اید.

حاجی معین التجار- گویا مجلس یکدفعه درتمام‌آن رأی‌دادند ونوشتهٔ بهمرهم بصدراعظم داده اینکه دو باره برگشت آمد بمجلس برای شرکت باخارجه بود که صحبت شده‌بود.

رئیس- این مطلب یکدفعه رأی گرفته شده است ولی گفتگو درشرکت باخارجه آنهم گفتند که بهمان داخله باشد حالا هرکس با این ترتیبی که قرائت شد از تمام فصول رأی دارد ورق سفید بیندازد و هرکس رأی ندارد ورق آبی بیندازد.

مخبرالملك- این‌ناسخ رأی سابق می‌شود بجهت‌آنکه بعضی ازکلمات تغییر کرده است.

رئیس- بلی دیگر این رأی اخیر است که گرفته میشود.

حاجی سیداسمعیل — در سه شنبه چه مطلب باید مذاکره شود مسبوق باشیم که در او تأملی بشود.

رئیس- بعضی ازتلگرافات وکاغذجات است آنها خوانده بشود.

آقا میرزاطاهر - حالا دیگر این امتیاز-نامه صحه می‌شود ودستخط صادر می گردد؟

رئیس — بلی دیگر از طرف مجلس تمام است.

آقامیرزاطاهر - حالا باید نظامنامهٔ بانك را ببینیم (قرعه باتمام رسید آراء نامه بر صحت امتیازنامه شد)

سعدالدوله - معلوم میشود هیچ ورق آبی ندارد بآراء نامه شد.

محقق‌الدوله - این امتیاز نامه نیست فرمان حریت ملت‌است.

سعدالدوله- همین‌طور است فرمان حریت است.

آقامیرزا ابوالحسن خان— گفته شدکه این امتیازنامه نیست فرمان حریت‌است صحیح است ولی فرمان حریت‌در وقتی میشودکه این امر پیش برود و بانك تشکیل بشود و پیشرفت‌آن باینست که ملت همراهی کنند و پول بدهند.

بعد مکتوبی از وزارت داخله قرائت‌شدکه در بابت انتخاب خراسان تلگراف کرده بودیم درجواب از طرف حکومت تلگرافی‌رسید آنهم لفاً بمجلس فرستاده شد در ثانی اگر مجلس صلاح دیگر دانست عمل‌میشود.

صورت تلگراف خراسان قرائت شد باین

مضمون که آنچه از ممانعت حکام خراسان راپورت بمجلس دادند دروغ بود درصورتی که‌دولت‌فرمان انتخاب بدهد حاکم چه‌حق ممانعت دارد من‌شخصاً کمال همراهی را در این باب بعمل آوردم‌ومجلس هم برای انتخاب نمودم. چند نفرهم منتخب شدند این تعویق ومسامحه ازطرف وکلا است که بعضی مخارج‌میخواهند و بعضی‌رأی‌شان ازاین‌کارمنصرف میشود این‌است که تعویق‌افتاد.

آقا سیدحسین — اول احقاق حقی که در این باب از طرف مجلس باید بشود اینست که آنچه دختری که آصف‌الدوله فروخته‌است آنها را پس بگیرد در این باب درزمان وزارت‌خارجه‌صدر اعظم سئوال و جواب شده بود و عین‌الدوله گفته بود که من نمی توانم جلوگیری کنم باز میفروشد آنروز وزیر داخله گفت که باید بعلم‌الیقین معلوم شود حالا بعد از علم‌الیقین آن دخترهارابهرقیمتی که هست بخرد بدهد .مجلس باید در این امر مسامحه نکند.

رئیس — آنروز که وزیر داخله‌بودندسئوال و جواب‌شد بنا شد تحقیق بکنندآنچه که‌بخراسان نوشته بشود تاجواب کتبی بیاید هنوز دیر نشده.

آقا سیدحسین—این مطلب دیگر تحقیق نمیخواهد دراین باب با وزیر امور خارجه گفتگو شده‌است.

آقا سیدمحمد مجتهد - همچه‌چیزی‌از وزارت‌خارجه‌هست و گفتگو شد؟

رئیس- چه‌عرض‌کنم اطلاع ندارم.

آقا سیدمحمد مجتهد — حرفیست می گوید بخواهید از وزیر معلوم میشود..... آن تلگرافی‌را که از قوچان کرده بودند آنهم درهمین مطلب بود.

رئیس - صورت‌آنرا فرستادیم.

آقاسید هاشم - باید دراین‌امورر‌سیدگی کرد و نگذاشت حقوق مسلمانان و ناموس ایشان از بین برود.

حاجی محمداسمعیل آقا —نوشته بودند که چندنفر بودند آنها این کاررا کردند ودختر ها را فروختندنه‌آصف‌الدوله.

آقا سید محمدمجتهد - دونفرآنها در تهران‌هستند.

آقاسیدحسین آنها که حاکم نبودند حاکم آصف‌الدوله بود اگر آنها هم کردند بامر او بود میگویندآصف‌الدوله حکم کرده بودمااین کاررا کردیم.

حاجی محمداسمعیل آقا بگفتن آنها که نمیشود آنها با آصف‌الدوله مغرض‌هستند پس باید تحقیق کرد.

مذاکرات دارالشورای ملی

سه‌شنبه چهاردهم شهر ذیحجه‌الحرام

صورت‌خلاصهٔ مجلس روز یکشنبه قرائت شد.

بعد اعتبار نامهٔ آقا میرزا مرتضی قلیخان وکیل ازطرف ملاکین‌اصفهان قرائت‌شد ومجلسیان باو تبریك گفتند.

آقاسیدعبدالله‌مجتهد-مطلبی که‌هست‌اینست آنروزی که‌وکلاخواستندبرای‌حضورروزرا و همراهی ایشان چیزی‌بنویسند من آن روزاسانه ادب کردم و نگفتم که ایشان بنویسند گفتیم باشد که ما بنویسیم ماهم عریضه در کمال رعایت ادب ومتانت بحضور.مبارك روانه داشتیم همان بود که همه شما ها دیدید و خواندند جواب خیلی خوب است‌ولی جواب تشریف آوردن وزرا را نفرموده بودنداگر چه در معنی این کار بود دیگر با وکلاست هر چه میدانند و میگویند من‌هم حاضرم و همراهی‌دارم.

حاجی سیدنصرالله -این که تمام ملت‌این سنگهارا بسینه میزنند و میخواهند که این خرابیها رفع شود در واقع برای دولت است زیرا که باز اول فایده را آنها میبرند دیگر چرا حاضر نیستند برای پیشرفت این مطلب خیلی عجب است.

آقاسیدعبدالله‌مجتهد -وزرا بطوری که باید حاضر باشند از برای مجلس نیستندولی شخص شاه و صدراعظم همراه و مساعدند دیگررای‌رای وکلاست.

سیدالحکما - مگرعزل ونصب وزرا باشاه نیست اینها از اطاعت شاه هم خارجند وقتی که خود پادشاه همراهست هر وزیری که مخالف‌باشد اورا عزل کند.

آقاسید عبدالله - اگراین مطلب‌درمجلس عنوان‌نمی‌شد مسئله‌نبود که جواب مساعدی‌ندهند ولی حال که‌عنوان شد بمجلس بر می‌خورد و از شأنش میکاهد.

وثوق‌الدوله - آن روز را مجلس حاضر بودکه بنویسد آقایان پیش گیری کردند ولی حالا حاضرندکه بنویسد؟

آقاسید محمد مجتهد - ماآن مطلبی‌که مقصود بود درآن‌کاغذ هیچ متعرض نشدیم مجلس خودش بنویسد وجواب‌بخواهد.

آقاسیدمحمدتقی - تاوزرا مسئول در این مجلس حاضر نشوند ونمایند برای‌همراهی کارمجلس بجائی نخواهد رسید.

آقاسیدعبدالله - اگرآن نظامنامه‌راپیش پادشاه‌نمی‌فرستادند ازاول مسئله‌نبود چون‌فرستادند اهمیت پیدا کرد این مطلب هم حال همانطور است اهمیتی پیدا کرده دیگر وکلا خود بدانند.

آقاسید محمدتقی - دیگر نامجلس‌این کاررا درست نکند و ترتیبی ندهد نباید اقدام در کاری کرد.

وکیل‌التجار - تا وزرا دراین‌مجلس حاضر نشوند نمیشود که کاری صورت بگیرد وکلا ولایات هم نمیایند.

حاجی سید نصرالله — معلوم است آنها این کار رامیکنندکه کم کم مجلس تحلیل برودوضعف پیدا کندمیگویندمردم‌هم‌خسته‌میشوندمن کوتاه‌می آیند وکای سایر ولایات هم‌نمی آیندیگرملت‌بایدبااین تفصیل تکلیف خودرا بدانند.

آقای‌سیدمحمدتقی — ملت‌حاضرندکه‌حق خودرا مطالبه کنند.

آقای‌سید محمد مجتهد- وقتیکه وکلا نتوانند کاری بکنندوکلین آنهاخود بدانند.

حاجی معین‌التجار - شاید دولت خودش حاضروهمراه‌باشد ووزراء حاضرشوند.

حاجی سیدنصرالله- چه‌حضوری بر فرض وزراء هم حاضرشدند تا آن ها معاونت ومساعدت نکنندچه‌فایده داردمثلا اینجا انجمن عدلیه قراردادند بنده یکی ازاجزا آن انجمن هستم این‌انجمن اسباب و اوازمات میخواهد در صورتیکه آنها نباشد چه بکنیم.

حاجی‌معین‌التجار — شما بنویسیدبدولت شایددولت خودش همراهی کند.

آقای‌سیدحسن‌تقی‌زاده — غرض حضور آنها نیست غرض اینست که بایدوزراء معرفی شده در اینجا بایدحاضر بشوند.

حاجی‌معین‌التجار -همین‌مطلب رابنویسید جواب بخواهید.

آقا سید حسین - هیئت وزراء را معرفی کنند بمجلس تامسئول باشند.

حاجی‌معین‌التجار -اول‌مجلس بنویسد که آنهامعرفی کنند بتوسط شخص اول‌صدر اعظم بعد هر وقت آنهارا خواستند حاضربشوند.

حاجی‌سیدنصرالله- این نمیشودکه یکروز آنها رابخواهند وروزدیگر آنهاحاضر بشوند کار باین‌ترتیب نمیشود پیش برود.

وکیل‌التجار - اول وزراء معین بشوند بعد هروقت که مجلس آن هما را بخواهد باید حاضر بشوند.

حاجی‌محمداسمعیل آقا- امروزباید آنها معرفی بشوندکه مجلس بعد ها تکلیف‌خودش را با آنها بداند.

حاجی‌معین‌التجار-حالاآن نوشته که باید نوشت بهمین‌ترتیب بنویسند وبخوانند.

آقای‌سید محمدتقی — این‌طور نوشته فایده ندارد باید نوشته بشود اگرآنهاحاضر نشدند برای انجام امور تکلیف‌خود رابدانند و مجلس هم تعطیل میشود.

حاجی معین‌التجار - حالا همان طور بنویسند که‌معرفی بشوند و حاضربشوند اگر جواب مساعد نیامد بعداینطور بنویسند.

حاجی‌سیدنصرالله-این‌چه فایده دارد باید همراه‌باشند.

حاجی‌محمداسمعیل آقا -غرض‌این‌نیست که آنها حاضر بشوند اگرحاضر شدندوگفتندتکلیف ما معین‌نیست ماچه‌بگوئیم؟

وثوق‌الدوله- مجلس حاضر بود پریروز که بنویسد آقایان نوشتند حالا هم‌باید مجلس‌بنویسد و تکلیف بخواهد

خیاط‌باشی -وزیر امورخارجه را چند دفعه خواستندونوشتندجواب‌نداد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - از مطالب خارج نشوند باید نوشت که‌صدراعظم هیئت‌وزراءرا بیاورند اینجا معرفی کنند واین مطلب‌تاروزپنجشنبه‌و شنبه بایدصورت بگیرد.

خیاط‌باشی - برای وزرا جائی معین باشد که‌هروقت حاضرمیشوند مکان‌ایشان معلوم باشد.

حاجی‌معین‌التجار- مطلبی که‌داریدآنراهم بنویسید که‌برای‌چیست.

حاجی‌محمداسمعیل آقا - اول‌این‌مطلب راتمام‌بکنید عقیده من‌اینست که‌تااین‌مطلب‌تمام نشود درمطلب دیگر داخل نشوید.

سیدالحکما-بایدوزراءحاضرباشندکه انجام

www.iran-archive.com

کاررا ازایشان بخواهیم اگراینها حاضر نباشندمجلس نمیتواند احکام‌خودراخودش اجرا کند .

حاجی سیدنصرالله - جوابی که با میدهند میگویند- کدام مطلب‌را نوشته اید که‌اجرا نشد-آخر تا آنها همراه نباشند وحاضر برای انجام امورنباشند نمیشود .

حاجی معین التجار - همراهی آنها بیك اندازهٔ بوده است و حاضر میشدند ولی مذاکرات مجلس بی‌ترتیب شدآن‌هاکه همراه‌بودند .

وکیل التجار - وقتیکه آنها حاضر بشوند مجلس مذاکرات هفتگی خودش را مرتب میکند و معلوم خواهد شد که فردا می خواهد چه گفتگو کند .

حاجی عبدالوهاب - مردم خواهش‌دارند که جواب شاه‌را دراین‌باب بخوانید تابدانند.

حاجی سیدنصرالله - همین‌بود که‌مذاکره شد لازم‌بخواندن نیست. (بعد مذاکره در تعیین روز شد که‌چه روزی آنهاحاضر شوند بعدازمذاکرات زیاد قراربروز یکشنبه شد)

وکیل التجار - بودجه مملکت باید معین شود جمع وخرج دولت باید رسیدگی شود اینقدر دقتی نمانده خوبست روزجمعه باشد و برای معرفی مجلس فوق‌العاده تشکیل شود معطلی نیست(بعد مکتوبی که بصدارت در این باب نوشته قرائت شد خلاصه اینکه باید هیئت وزرا بتوسط شخص اول صدر اعظم روزیکشنبه‌درمجلس حاضر ومعرفی شوند والا مجلس تعطیل می‌شود .)

آقاسیدحسین - تعطیل چرامجلس تعطیل نمی‌شود این کلمه را بردارید (جمعی گفتند باید باشد)

حاجی سیدنصرالله — شما گمان میکنید که قوام مجلس بوجود ماست این طور نیست ملت تکلیف خودش رامیداند .

حسنعلیخان - لفظ تعطیل باشد آخر نشستن ما دراینجا چه‌فایده دارد .

آقاسیدحسن تقی‌زاده - این اتمام حجت است واتمام حجت‌باید در مرتبه سیم باشد بواسطه تبادل افکار تعویق افتاد حال برای اتمام حجت بگذارید درمرتبه‌دیگر که هیئت مجلس حضوراًاین عرض رامینمایند .

حاجی سیدنصرالله — برفرض که‌یکدفعه دیگر هم برای‌اتمام حجة گذاشتیم آخر چه فرق می کند .

آقاسیدعبدالله مجتهد- این‌طورنویسید که اگردر آن روزحاضر نشوند معلوم‌می‌شود که وزرا در استحکام بنیان مجلس حاضر نیستند بعد بهمین مضمون نوشتند جمعی گفتند که آن کلمه‌اولی قشربود دراین مقام .

حاج سیدنصرالله - قشر نیست واقع است همین‌طور است .

گفتندوقتیکه حاضرنشوند قهر مجلس تعطیل است‌لازم بنوشتن نیست .

مذاکرات دارالشورای ملی
پنجشنبه ۱۶ شهر ذیحجة الحرام

خلاصه صورت روزسه‌شنبه قرائت‌شد.

رئیس — غرض از تمنای مجلس و حضور وزراء محترم این بود که مسلم است‌بدون‌همدستی وزرا کاری ازمجلس پیشرفت ندارد باید باتحاد و همدستی کار دولت انجام بگیرد اینکه نوشته شد برای این بودکه وزرا تشریف بیاورند بمیزان‌قانون اساسی که امروز داریم بیکدرجه قبول مسئولیت بفرمایند مسئولیت‌تامه امروزه تا قانون‌نوشته‌نشود حاصل نمی‌شود ولی بهمین ترتیبی که هست خود را مسئول بدانند تا درآنرشته سلوك کنیم و بهمراهی کاری از پیش برود .

آقاسید محمد مجتهد— غالباً مطالبی که مطرح میشود راجع بوزارت باید آنها حاضر باشند تامطلب تمام‌شود .

سعدالدوله— رقعهٔ که در این باب بصدر اعظم نوشته‌شد خوبست قرائت‌شود .

(در این‌موقع آقا میرعماد اظهار داشت که صورت تلگرافی‌است که ازتنکابن کرده‌اند باینکه در تلگرافخانه اوراتغییرداده‌اند بخوانید ببینید چیست)

آقاسیدعبدالله خودشان تلگراف‌راخواندند که مشتمل بود براینکه مجلس برای انتخاب منعقد نمودیم ولی باوجود این حاکم غیر ممکن و خونها هدر ازمجلس دادرسی بشود .

وزیرداخله—اگرمقصود پسر نصرالسلطنه است احضارشده وخواهدآمد .

سعدالدوله-حالا پس‌فرداصدراعظم خواهند تشریف آورد برای حدود و معرفی وزرا که معین بفرمایند .

وزیرمالیه - ماکه سه روز پیشتر آمدیم

سعدالدوله - رقعه اینطور دلالت میکند که باید خودشان تشریف بیاورند وحدود ومسئولیت وزرارا معین ومشخص‌نمایند ووزرا را معرفی‌نمایند اینطور نمیشود مگـر خود وزرا تکالیف و حدود خودشان را معین‌نمایند .

حاجی محمداسمعیل آقا مقصوداز تقدیم مقام صدارت این بودکه باید حدود وزرا را معلوم نمایندکه مجلس بعدها تکلیف خودرا باآنها بداند والا شخص‌وزراء مملکت را همه‌کس میشناسد و میداند غرض‌تعیین‌حدود ومعرفی ومسئولیت‌ایشانست که بعدها مجلس بهر وزارتخانه مطلبی داشته باشد دیگر متعذر نشود که باید بصدارت اطلاع بدهیم .

سعدالدوله - بلی مقصود همین بودکه باید حدود و مسئولیت معلوم باشد چون مثلش هم در خارج معلوم شدکه ازبعضی پرسیدند گفتندمامسئول اینکار نیستیم پس‌باید حدود وتکالیف هریك معلوم باشدکه‌مجلس تکالیف‌خودرا باآنها بداند وبامجلس باهم کار بکنند وزرا بمنزله روح مملکت هستند بایدروح وبدن باهم‌کار بکنند مقصود پیشرفت‌کار است حال آقایان خود میدانند منتظرند که آقای صدر اعظم تشریف بیاورند وحدود اینها را معین کنند یابهمین مجلس اکتفا میکنند .

وزیرعلوم ترتیب کارباید‌ازروی‌قانون‌باشد وقتی‌که قانون وضع شود حدودها معین میشود .

سعدالدوله . باید کاری کرد که امورات پیشرفت داشته باشد تاوقتی‌که قانون وضع بشودنمی شوداینطور کارها مختل بماندامروزه بایدجلوگیری کرد .

وزیرخارجه - مطالبی که راجع بوزارت خارجه است دوسه روزقبل اطلاع بدهید درجوابش حاضریم .

سعدالدوله - البته این‌مطلب رامجلس می داندکه دراموراتمهمه بایدقبل ازوقت اطلاع بدهند مقصوداین بودکه حدود وزرا معین باشد.

حاجی امین الضرب - معلوم است آقای وزیر خارجه خودشان را معرفی کردند و مسئول دانسته اند.

سعدالدوله - البته همینطورحدودخودشان راهم معین میکنند.

وزیر خارجه -آنچه‌راجع بمن‌است‌حاضرم وخودم رامسئول آنها میدانم.

سعدالدوله - بعدازاین مجلس باشماخیلی گفتگو وحرفها دارد حالابماند تاموقعش .

حاجی محمداسمعیل آقا - جناب وزیر مالیه چه میفرمایند ؟

وزیر مالیه - من گفته بودم هماست که در چندروز پیش گفته شده.

حاجی محمداسمعیل آقا - امروز غیراز آنروز است امروز باید وزیر مالیه بطور صحیح معرفی بشود .

سعدالدوله - امروز وزیر مالیه باید مثل وزیرمالیه خارجه تمام عایدات وفواید دولتی ازنقد وجنس راجع باوباشد واومسئول تمام آنهاباشد شما باینطور حاضرید بگوئید.

وزیر مالیه — خارجه که می گوئید دول خارجه متعدداست هرمملکتی یك نحواقتضائی‌دارد امروزمن وزیرمالیهٔ ایران هستم آنچه‌که بمن راجع است همان بود که گفتم نقدوجنس میگوئیدچه‌وقت بامن بود من‌که تحویل دارنیستم آنچه که آن روز گفتم اگر امروز بازبگویم مکرر خواهد بودا گر چه شنیدم باز در خارج حرفهای آنروز راتوجیه مالایرضی صاحبه میکردند ولی تفصیل همان بودکه عرض شده

حاجی سیدنصرالله - غرض اینست که امروزه باید اصلاح امورمملکت کردمن می گویم نه شماشخص وزیرمالیه بلکه شماشخص عالم این مملکت هستید بایدراهنمائی کنیدکه صلاح چه‌چیز است وچه باید کرد اینکه هرمملکت اقتضائی دارد صحیح است مانمیخواهیم حال قانون فلان مملکت‌را دراینجا امروزه جاری کنیم میگوئیم باید دست هم را گرفته کار کرد .

وزیر مالیه - من پیش هم گفتم اگرغرض اصلاح است آنچه ازمن پیشرفت دارد بقدر قوه خودم حاضرم ولی ازیك شخص تنها کار پیشرفت ندارد .

حاجی سیدنصرالله - غرض ماهم‌همین‌است بسیارخوب ازشماخیلی ممنون هستیم.

وزیر مالیه - آنروز گفتم اینکار هاباید به اتفاق همدیگر باشدجناب سعدالدوله هم‌راست می گوید ولی گفتگو دراساس است‌اساس‌را ازشخص وزیرتنها نباید خواست بایدبهمدستی وهمراهی یك دیگر اینکاررا کرد.

سعدالدوله — آن‌مطلب دیگریست امروز همینطورکه جناب وزیر خارجه مسئولیت‌را درعهده گرفته‌است وزرا دیگرهم اینمطلب راعهده‌بگیرند آنوقت درمجلس‌دیگرمذاکره اساس قانون‌وترتیب آن بایدبشود .

حاجی محمداسمعیل آقا - حال بایدیك

عرض بکنم که غیرازاین وزرا دولت وزیر دیگری هم دارد یانه این مطلب رابایدبدانیم اگر وزیر دیگری هست اوراهم باید بشناسیم.

حاجی امین الضرب - مقصود اینست که وزیرمالیه درتمام صادرات و واردات دولتی مسئول است یاخیر ؟

آقامیرزا ابوالحسن خان - آن عرضی که پریروز خدمت شما کردم این بودکه گمرك‌وزیر علیحده دارد یاآنچه‌متعلق بگمرك‌است‌ازشماسئوال بشود جواب میدهید ؟

حاجی محمداسمعیل آقا- بازاینجاحرف‌شبهه پیداکرد غرض‌این بودکه‌غیرازاینها وزیر دیگر هم داریم یاخیر؟

سعدالدوله- همان رقعه‌که‌خوانده‌شدمقصود این بودکه این وزرا معرفی بشوندآیاآنهارامعرفی کردند وغیرازایشان دیگروزیری هم هست ؟

وزیرداخله -این‌مطلب‌را بایدازصدراعظم پرسید واز ایشان بخواهید .

سعدالدوله - من ازرئیس میپرسم که‌واسطه بین مجلس‌ودولت است.

رئیس - هنوزکه خبری نرسیده است.

وزیرعدلیه - یعنی دو وزیر مالیه هست و غیراز اینهاوزراء دیگرهستند ؟

سعدالدوله - من چه میدانم شاید باشند شاید یکی فردا پیدا شد وکالسکه های شهر را اداره کرد و گفت‌که من وزیر کالسکه هستم .

حاجی محمداسمعیل آقا -غرض اینست‌که این مطلب‌امروز بازناقص است فردا اگریك‌مطلبی سئوال شود میگویندکه مامسئول این مطلب‌نیستیم وجزء اداره علیحده‌ایست .

وزیرداخله وقتیکه نظامنامه رابوزارتخانه‌ها دادند آنوقت هروزیر مثل وزیرخارجه مسئول تمام امورات اداره خودش میباشد .

سعدالدوله- هرچه‌که گفتیم میگویند باید قانون‌نوشته شود نوشتن‌قانون منافات نداردبااینکه هر وزیری ترتیب اداره خود را بنویسد بیاورد در مجلس تصحیح کنند آنوقت‌بآن‌عمل کنند اماآمدیم سرقانون قانون نوشتن ازمجلس میشود واز طرف وزراهم میشودازهردوهم میشود واز مجلس سئواهم میشود مثل اینکه ببنده گفتند تو قانون بعضی از ادارات را بنویس حال منهم مینویسم ولی‌من‌خودم اطمینان بنوشتن‌خودم ندارم باید کاری کرد که اصلاح اموربشود.

حاج سیدنصرالله - باید آنچه لازم است عمل کرد وبهمراهی‌باهم درصدد اصلاح برآئیم‌مثلا من میگویم‌که اگر کاری بازوی وزیرعدلیه است ولی از بازوی وزیرمالیه برمیآید باید ایشان همراهی کنند وآن کار راکار خود بدانند .

وزیرمالیه - این مطالب صحیح است این مختصری بود که فرمودید میخواهم عرض کنم اول مرتبه اصلاح ترتیب‌قانون اساسیست این مطالب در عهدهٔ یکنفرنیست باید کمیسیونی منعقد بشود یعنی انجمنی باشد براینکه هر کس اطلاع کامل دارد باتفاق یکدیگر بنشینند وبنویسند لازم نیست که از وزرا ومجلس‌باشند هر کس ازافراد ملت کهمیتواند این کارراپکنددران‌انجمن‌حاضربشودوآنچه کهمیداند بنویسد‌بعدازنوشتن‌این‌قانون‌همانطور بقانون‌نظامنامه عمل کنندبعدازان‌برای‌اجرای آن‌قانون محتاج‌ببعضی ازقوانین‌میشویم‌که آنها رابایدد در ادارات اشخاص عالم بنویسند بیاورند در مجلس تصحیح کنند بعد از روی آن اجرا نمایند بعد از اینها باز مرتبهٔ دیگر محتاج میشویم بقواعدی که آنهم‌از اصول اساسی برداشته می‌شود آنراهم می‌نویسید این سه درجه‌است که عرض‌شد که‌درجهٔ اول باید بکمیسیون اصلاح شود و درجهٔ دویم‌را همان ادارات ووزارت خانها می نویسند سیمی‌را هم از روی همان اصول می‌نویسند مثلا گفتند که تو بنویس من نمی‌دانم‌چه بنویسم و از من چه خواستند که تا بنویسم اگر بنوشتن است من فردا برمیدارم قانون وزارت‌مالیه فرانسه را ترجمه میکنم اما یك‌چیز خیلی مهملی می‌شود که بسیار بی‌ترتیب‌است و برای مملکت ما هیچ فایده‌ندارد .

حاجی سیدنصرالله همین‌طور که‌فرمودید همه باید باتفاق‌هم‌کار بکنند.

سعدالدوله - آنزمان‌که بنده آمدم همین طورکه فرموده بودید بنده حاضرشده بودم چونکه بمن گفتند شما بنویسید من‌از فرنك کتابهم‌خواستم اسباب ولوازمات را هم جمع‌آوری نمودم اطاق با اسباب مرتب و پانزده نفر اجزاء حاضر بودند و مشغول نوشتن بودند تا دوماه باین‌ترتیب بود بعد موقوف شد وگفتند تقسیم بشود آن‌ترتیب‌را برهم زدند نمی‌دانم سبب چه‌شد ؟

حاجی سیدنصرالله— همانطور که می فرمائید حال‌هم باید رفتار کرد بهر نحویکه باشد بایدکاری کرد که روزبروز فایدهٔ حاصل بشود .

سعدالدوله - غرض‌اینستکه داخل‌درمانحن فیه باشیم‌مطلب از بین‌نرود .

آقاسیدحسن تقی زاده - این مجلس با هیئت دولت که یك‌عدهٔ از وزرا هستند طرف است وقتی که طرف شد تمام سئوالات را آنها جواب بدهند اگر یك کرور سئوال باشد باید جواب‌داده شود حال اگر کسی دیگری باشد که آنهم طرف سئوال مجلس باشد باید حاضر باشد و الا ناقص است آنوقت‌اگر مطالبی‌خواستیم سئوال کنیم طرف سئوال حاضر نیست این ناقص میماند پس‌باید تمام وزرا معرفی بشوند و حاضرباشند که‌سئوالات‌مجلس بی‌جواب‌نماند .

حاجی سیدنصرالله— امروز یك اندازه درست و صحیح است این عدد اصول وزراست که حاضر شدند .

آقا سیدحسن تقی‌زاده— وزارت گمرك حاضرنیست .

حاجی سید نصرالله — ما وزیر گمرك نداریم شما می‌خواهیداورا وزیر گمرك بدانید.

سعدالدوله - استدعا اینستکه مطلب‌تمام شود باطراف‌نرود.

حاجی محمد اسمعیل آقا - اینمطلب را ما نمی توانیم بگوئیم دولت بمابگوید که همین اینهاهستند تاما بااینهاسئوال‌وجواب‌بکنیم‌امروز که حاضر شدند میخواهیم‌بدانیم که‌تمام وزراء همین‌اینها هستند یاغیر اینها هم کسی‌هست

مخبرالملك-جواب این‌حرف‌شمارابایدصدر اعظم بدهد ولی حضور این وزراء امروز یك فایده دارد که باید بدانیم ایشان بقانون اساسی خودشان رامسئول میدانند یانمیدانند مثلا آنروز جناب ناصر‌الملك گفته بودند که‌من یك نیابتی هستم بـرات و فرمانی که بمن‌دادند من ثبت میکنم اینمعنی‌مسئولیت نیست اگر مسئول هستند و قبول مسئولیت مینمایند معلوم‌باشد واگر نیستندآنهم بگویند تامجلس‌تکلیف خودش‌رابداند.

سعدالدوله-ماهم باشما دراین قول‌شریکیم.

وزیرعلوم — باید انجمنی باشد که‌درآنجا درست مطالب گفته‌شود بعضی چیزها هنوززوداست .

سعدالدوله — انجمن‌لازم نیست باید گفت من‌باشما خیلی دوست و برادر ولی‌در مجلس بایدشمارا بآن سمتی که هستید معرفی کنم .

حاجی امین الضرب —عجب است که‌جناب وزیر علوم میگوید زوداست وهمه میگویند دیرشده‌و کاری از پیش‌نرفته.

وزیرعلوم- وقتیکه قانون نظامنامه مرتب‌شد بآن عمل میشود .

مخبرالملك -قانون چه منافاتی دارد با اینکه وزیر داخله ازحکام‌پول نگیرد و پیشکش از آنها نگیرند که‌حکومت بدهندواینها چه‌حرفست باید کاراز روی صحت باشد .

حاجی سیدباقر - چرا از وزیر اشکرپول نگرفتند باوکار دادند .

سعدالدوله-آن کمیسیونی که شده‌بودوآن عرایضی که‌بنده کرده بودم شاه هم تمجید فرمودند که‌صحیح است نبایداز حکام پیشکش گرفت حال باز میگویند که‌از اصف‌الدوله‌بهمان ترتیب‌سابق پیشکش گرفته واضافه مالیات را از اومیگیرند وحکومت را باو دادند.

وزیرعدلیه - همچو چیزی نیست اضافه مالیه همان مال‌سابق است امسال‌را گفتند این حرفهانباشد ومالیات رابآن دستوری که‌میدهند بگیرند سال‌دیگر رااز روی ممیزی بگیرند.

سعدالدوله -این همه شکایتی که از اصف‌الدوله کردند شماوزیر عدلیه‌هستید چه کرده‌اید؟

وزیرعدلیه - شنیدم ولی کسی بمن چیزی نگفته است وازمن نخواسته‌اند این شخص وزیرلشکر که‌میگویند پول داده‌است بکی‌داده است و کجاوچرا همین میگویند ازاوپول گرفته‌اند .

وزیرلشکر-بخدا قسم که‌من هیچ خبرنداشتم بی‌خبر دیدم که‌این کاررا بمن رجوع کردند چرامن پول میدادم .

سعدالدوله— شما میگوئید که من ندادم ولی همه مردم میگویند که شما پانزده هزار تومان داده اید.

وزیرعدلیه— من هیچ حاضر نیستم و روا نمیدارم‌که بکسی ظلم بشود من مسئول پیش خدا و رسول هستم مجلس مرا مسئول میداند من خودم را مسئول خدا میدانم بقدر قوهٔ خودم هم نمیگذارم که کسی بر دیگری ظلم کند ولی آن ترتیبی که شما میخواهید اسباب واجزا وپول میخواهد بمن بدهندمن حاضرم‌که عمل کنم.

حاجی محمداسمعیل آقا — غرض‌این‌بود که امروز وزرا مسئولیت خودشان را بیـان نمایند وزیر خارجه خودرا مسئول دانسته‌اند وزیر عدلیه‌هم بشرطه وزرا همبفرمایند تامعلوم شود.

وزیرمعادن — من خودم را مسئول میدانم همان طوریکه این امر را بمن واگذار نمودند منهم مسئول آن هستم.

سعدالدوله — شما کسی هستید که امتحان خودتان را در اروپا داده‌اید ادارهٔ وزارت معادن از همه ادارات منظم‌تر است.

حاج محمداسمعیل آقا — مقصود اینکه باتحاد وهمراهی هم باید کار کرد.

رئیس — این اجلاس امروز برای این بود که صدر اعظم وزرا را معرفی نمایند وتا یك حدی اینها امروز خودشان را مسئول مجلس بدانند ولی امروز دراین مجلس بعضی خودرا مسئول وبعضی غیر مسئول دانسته‌اند آن مقصودیکه مجلس داشت ناقص ماند عی‌العجالة باید امروزه تا یکمقداری بقانون اساسی عمل شود وجواب مجلس را از روی قانون باید داد.

حاج محمداسمعیل آقا — باید ترتیب صحیح بعمل بیاید.

سعدالدوله — دنبالهٔ کارها باید بهمان ترتیب صحیح باشد.

رئیس — بلی آن ترتیب امروز بعمل نیامد.

آقا سید هاشم — این مجلس ناقص بود همانطور که قرار بود باید روز یکشنبه صدر اعظم با وزرا بیایند دراینجا تاحدود مسئولیت ایشان معلوم شود.

رئیس — باید کاری کرد که ترتیب صحیح داشته باشد.

آقاسیدهاشم — مقصود اتحاداست واینکه ما وزرا مملکترا بشناسیم. اینکه میگویند تاقانون وزارتخانها نوشته شود واصلاح شود همین‌طور بماند این نمیشود باید امروزه کاری کرد غرض دربین‌نیست ملت هم برای دولت کارمیکند ازماضی گذشت باید اصلاح بعدها را بخواهیم.

وزیرمالیه- این فرمایش صحیح است باید اتحاد کرد وغرضی دربین‌نباشد که اگر غرض باشد واویلا که‌ازاین خرابتر خواهدشد بنده‌عرض‌میکنم وغرض هم‌رد وبحث نیست میگوئید بعضی مسئولیت را قبول نکردند من میتوانم چیزیکه در عهده من است قبول کنم و کارها فقط بقبول کردن من درست‌نمیشود.

آقامیرزاابوالحسن‌خان-دراینکه‌سرنوشت ایران در پدوزرا است شبهه‌نیست ودر اینکه شاه ما ایرانیست شبههٔ ندارد ودر اینکه وزرا ما باید ایرانی باشند آنهم شبههٔ نیست همان عرضیستکه خدمت‌شما کردم شماخودرا مسئول میدانید یانه.

وزیرمالیه- من حالا میتوانم چند اداره را جمع‌خود بگیرم.

آقامیرزاابوالحسن‌خان- مقصود کمرك است ودر آنروز هم از شما پرسیده شدحال اگر فردا از شما از اداره کمرك سؤال بشود جواب میدهیدیانه؟

وزیرمالیه- ترتیب امروزو دیروز همانست فرقی‌نکرده.

حاجی‌محمداسمعیل آقا — غرض از این مجلس معرفی وزرا بود که معرفی شوند و الا ما میخواستیم آنها بما چیزی بدهند مطلب همانست که وزیر عدلیه گفت پول و اسباب میخواهد تا تغییر کند.

حاجی‌سیدنصرالله -مسئولیت کمرك‌ملزوم وزارت مالیه‌هست.

وزیرمالیه- حالا که‌نیست.

حاجی‌سیدنصرالله- در واقع میگویم.

حاجی محمد اسمعیل آقا- در واقع بلی‌هست.

حاجی‌سیدنصرالله- حالا که هست پس چطور باید تصحیح کرد تصحیح آن با وزیر مالیه است‌یاخیر.

وزیرمالیه- میشود باشدمیشود نباشد.

حاجی‌سیدنصرالله- باید این تکلیف را وزیر مالیه درعهده بگیرد.

حاجی‌محمداسمعیل آقا-این‌تکلیف وزیر مالیه است که‌ازدولت بخواهد که مراچه‌جوروزیر؟ مالیه کرده‌اید ازمن‌این‌طورمیخواهندتکلیف چیست

وزیرمالیه-باید کارها از روی ترتیب‌باشد وقتیکه قانون نوشته و تایکی‌دو سال عمل شد این ترتیبات منظم‌میشود.

حاجی‌سیدابراهیم- اینها طفره‌است‌معلوم است خودتان‌را مسئول نمیدانید.

وزیرمالیه- اینکه شمامیگوئید پس‌هرکس کاربرای خودش بایددرست کند این که‌نمیشود.

آقامیرزاابوالحسن‌خان— مقصودآقای وزیر اینست که آنچه بمن راجع است من حاضرم اما آنومطلب را باید مجلس از دولت بخواهد که ما ایرانی نژاد وشاه ما ایرانی مملکت ما وزیر از خارجی نمیخواهداین مطلب را بایدبگوئیم که‌وزیر مالیه برای اینست که تمام عایدات دولتی‌با اوباشد و خارجه را هم بوزارت قبول نداریم از این به‌بعد اوراعزل نمائید.

حاجی‌محمداسمعیل آقا—هنوز معلوم نیست که او وزیر باشدمعرفی نکرده‌اند که شما او را وزیرمیخوانید.

آقامیرزاابوالحسن‌خان -خیر همین‌است که میگویم

وزیرمالیه -کمرك خودش اداره‌بزرگیست رئیس دارد اجزا دارد . . . آنچه که راجع بمن بود این دفتر ها بود که دادم‌خدمت شما مگرقدری باقیست که آنرا هم گفته‌ام بدهند.

آقاسیدعبدالله - وزارت مالیه باید تمام صادرات وواردات دولتی با او باشد.

وزیرمالیه -تمام حواس راراجع بیك‌مطلب کردن وقت را ضایع‌میکندقانون که باشد همه‌اینها اصلاح میشود.

آقاسیدعبدالله‌مجتهد—فردا کمیسیونی بشود واز اینجا بروند خدمت صدر اعظم که‌قانون نوشته بشود وعمل شود

رئیس- خلاصه فرمایش وزیر اینستکه باید اصول وزارتخانها نوشته شود وزودتر بآن‌عمل‌شود.

مخبرالملك-اگروزراء زودترحاضرمیشدند و خودرا مسئول میدانستند تاحال نوشته شده بود.

وزیرعلوم- تاخانه‌ساخته‌نشود نمیشود گفت این خوب‌باید است.

آقا سید عبدالله - مجلس‌بی‌نتیجه‌نباشد چند نفر امشب بروند خدمت صدارت آنها هر چه اجزائیکه میخواهند بگویند وهر کس که میتواند اینکار را بکند او را بیاورند زودتر بنویسند و مشغول شوند.

حاجی‌محمداسمعیل آقا آنروز که‌مجلس منعقد شده بود جناب‌صدراعظم‌فرمودند که‌بنویسند ومشغولند مینویسند ولی این مجلس حالامیخواهد بداند که‌وزرا همین اینهاهستند یاغیر اینهاهم‌هست وحدود و مسئولیت ایشانرا میخواهد معیناً بداند بعداز آن‌روز بروز فصل‌بفصل نوشته‌میشود میآید درمجلس‌خوانده و تصحیح‌میشودبعدبان‌عمل‌میکنند.

آقای آقاسیدعبدالله‌مجتهد- خیلی‌خوب ازفردا باید در همین کار حاضر بشوید.

سعدالدوله — اینکه میفرمائید درجه دوم است وقتی که صدراعظم وزرا را آورد معرفی‌فرمود ومسئولیت آنها را محدود و معین کرد آنوقت بنده نقشه اینکار را کشیده‌ام از روی همان مشغول عمل می شویم.

آقاسیدعبدالله‌مجتهد- حالا مجلس رابی نتیجه نگذارید این مجلس مغتنم است.

سعدالدوله - عرض پیش ما ناقص ماند باید انجام بگیرد.

(بعد مکتوب‌صدارت راکه بمجلس نوشته بودند در بابت احضار وزرا و حاضر شدن ایشان قرائت شد).

سعدالدوله - ما میخواهیم بدانیم که دبیرالدوله نمایندهٔ‌چه‌وزارتی هستند ووزیرتجارت‌خودشان نیامدند نماینده شان را فرستادند این چا جای نماینده نبود.

آقامیرزامحموداصفهانی-خودش کسالت داشت وناخوش بود.

بعضی گفتند مگر وزیرجنك نداریم چرا ایشان حاضر نشدند.

آقاسیدعبدالله - وزیر جنك به بنده نوشته بودند خیلی عذر خواهی کردند که من کار دارم و نرسیدم هر امری که باشد من در انجامش حاضرم وخودم هم در مجلس حاضر میشوم وهرچه بخواهند همراهی دارم.

مذاکرات دارالشورای ملی

یکشنبه۱۹شهر ذی حجة الحرام

آقا سیدمحمدتقی- غرض‌این بودکه وضع این مجلس خیلی بی ترتیب است مردم گمان کرده اند که مجلس باید وضعش مخالف با قانون دولت و طرف با او باشد وحال اینکه این نیست‌مقصود این است که مجلس و دولت دست هم را گرفته قانون مملکترا اجرا کنند این مجلس که مجلس نیست اینجا روضه هم‌نمیشود خواند این‌وضع و ترتیب‌نیست که مجلس‌پیش گرفته‌است.

سعدالدوله — برای ترتیب مجلس که تماشاچیها شلوغ‌نکنندچندصندلی‌برای وکلابگذارند وتماشاچیها پشت صندلی بنشینند که‌مزاحمت بوکلا نداشته باشند.

آقاسیدمحمدتقی — غرض این بود که در مجالس وانجمن های عمومی ازمیرزا رضا تمجید میکنند و میگویند که خدا رحمت کندخوب آدمی بود همچه آدمی چطور است‌وحقش چیست.

(جمعی گفتند این شخص مخالف‌باملت ودولت

است مفسدو مفتن‌است)

سعدالدوله — شایدبعضی نطقهاراسامعین بد میشنوند من اینطور که شما میگوئید نشنیدم نمیدانم.

آقاسیدمحمدتقی —مقصود اینست که‌تمام کارها از روی قانون است ما که میگوئیم وزراء مسئول هستند نه مسئول فردفرد ملت هستندیامسئول مجلس هستند مسئول قانون هستند. نباید بآنها گفت که اگر وزراء نیامدند و خود را مسئول ندانستند ماآنهارا میکشیم‌یابزورمی‌آوریم حاضر میکنیم که خودشان را مسئول مجلس بدانند.

سعدالدوله —مسئولیت‌وزرامعین ولی‌نباید بجبرآنهارا حاضرکرد اینهم‌که گفتیم حاضرشوید برای تعیین حدود و تکالیف ایشان بوده است والا هر روزیکه بآنها کاری هست بآیند خودشان یامعاون ایشان حاضرشوند برای پیشرفت کار اما دراینگونه مطالب‌من هم باشما موافقم شنیدم که دیروز درمدرسهٔ سادات انجمنی بود ودرآنجاجمعی دعوا ونزاع کردند آخر در این موقع این معنی اتحاد ملت است ؟ این‌همراهی‌است ؟ اینهاازنادانی و جهالت است ماکه میگوئیم باید وزرا را حاضر کرد برای‌کار نه اینکه با آنهاطرف‌شدمقصوداین است که ملت باید خودش مجری احکام باشد آیا این خوبست‌که در مجلس معارف باوزیر علوم طرف میشوند واین کارهارامیکنند ؟ خوبست‌قدری معنی مجلس را بمردم حالی کرد و درهوش اشعار اینهارا درروزنامجات بنویسند که مردم بفهمندمعنی مجلس چیست.

آقامیرزاسیدمحمدمجتهد-چرانظامنامه را اجرا نمیکنید.

آقاسیدمحمدتقی — کراراً این مطلب رابنده گفتم‌که‌نظامنامه راباید اجرا کرد.

آقا میرزامحسن —شانظامنامه‌اساسی را میگوئید ؟

آقامیرزاسیدمحمد - بلی اورا بازکنید بآن عمل کنید.

سعدالدوله — حالا کم کم‌مردم‌یادگرفتند می‌آیند تمام تظلمات را اینجا میکنند باید حالی کرد که اینجا جای تظلم نیست پس وزیر عدلیه برای‌چیست؟ مثلافلان معلم مدرسه شکایت از مدیر آن دارد این باید بوزیر علوم رجوع کند این مجلس کارهای کلی دارد این مجلس بایدمالیه را درست کند این مجلس بایدترتیب حدودوتفوذبدهد این مجلس باوزیر خارجه گفتگو دارد من نمیدانم که چطوراست مجلس گاهی حاکم گاهی‌وزیرعدلیه است این‌مجلس همه چیزاین است ولی هیچکدام‌از اینها نیست خوب است این‌مطلب را در روزنامه ها بنویسند ماینجانویسنده خیلی داریم آقای‌تقی‌زاده خوب است خوب. چیزی نویسد باید‌به‌مردم فهماند معنی مجلس را که مجلس معنیش اینها نیست‌که شما فهمیده اید.

آقاسیدمحمدتقی - آقای سعدالدوله می فرمایند اگرمعلمی حرفی داشته باشد بوزیر علوم رجوع کند این‌مشروحه ایست‌که وزیرعلوم‌نوشته‌اند مشروحه رافرائت کردند که دیروز مدرسهٔ سادات آقاشیخ علی‌زرندی بعضی ازحرکات ناشایسته کرد بطوریکه‌اطفال‌سادات‌بنارابگریه گذاشتندجناب‌حاجی میرزا یحیی ازاین حرکات مجلس را گذاشت‌ورفت بنده که واردشدم دیدم آقا شیخ علی باچند نفر دیگر بنای شلوغی وکتك‌کاری راگذاشتند هرچه بملایمت خواستم ایشانرا ساکت کنم نمی شد می گفتند ما ازجانب ملت هستیم درهر حال باید که حدود وظایف هر کس درهرطبقه معلوم ومعین‌باشد اگر بناشد هر عمامهٔ اینکار را بکند همهٔ معلمین مدارس همین‌کار را میکنند. اینها ازروی انصاف است‌که اطفال بیچارهٔ سادات را اینطور در زحمت بیندازند وسر کوچه ها سر گردان و ویلان باشند ؟ برمجلس محترم است که تحقیق ورسیدگی کامل دراین امر بنماید.

سعدالدوله - وزیر علوم در این مقام از وظیفهٔ خودشان قصور کردند میخواستند خود شان بفرستند طرف را بیاورند رسیدگی نمایند اگرهم ازایشان قبول نمیشد بوزارتعدلیه رجوع میکردند.

رئیس - چنین معلوم میشود که حالت‌فترتی به مملکت دست داده است نزدیك است آنچه‌راکه مامیخواستیم نتیجه بعکس بدهد درانظارمردم‌چنین وانمود شده است که این‌مجلس بکلی باید بادولت طرف باشدوهیچ درتحت احکام دولت نباشد وحال اینکه مطلب این نیست باید مجلس و دولت با هم‌کار بکنند و نباید کاری کرد که ابهت دولت ازمیانه برود مقصود این است‌که اینطور نمی شود که هر کس برای خودکاری بکند آخرهرج ومرج خواهد شد و اسباب زحمت مجلس و دولت هر دو میشود.

سعدالدوله— همین است که بنده اصرار دارم وزراء بیایند درمجلس ومسئولیت خودشان را معین نمایندحال دیگرنمی آیند یامی آیند وطفره میروندمجلس چه کار بکند ؟

رئیس— باید یك‌کاری کرد که پیشرفت داشته باشد وجلو مردم‌راگرفت تامجلس‌هم مشغول کار باشد.

آقامیرزا محسن -همانطور که سعدالدوله فرمودند بایدمعنی مجلس رابمردم حالی کرد.اجراء احکام مجلس هم بایدبشود.

سعدالدوله - باید دانست که ماسه چیز داریم که‌آنرااختیارات ثلاث میگویند،وضع قانون و حفظ قانون‌واجراء قانون. وضع قانون‌بامجلس‌است وحفظ قانون‌باملت ودولت است اجراء قانون‌باعدلیه است باید اینهارا داخل هم نکرد و هریك مشغول بکار خودشان باشند مجلس قانون بدهد نه وزیر عدلیه او اجرا کند ترتیب کار این است ولی به مجلس مهلت این کاررا ندادندیکی مستمری‌داشت آمد عارض شد که‌نرسیده دیگری تظلم داشت که بعرض من‌برسید اینطور نمیشود واین‌مطالب سه گانه هم که‌گفتم حاصل‌نمیشود تااینکه وزرا حاضرنشوند وهمراهی نمایند.

آقامیرزاابوالحسن‌خان - من‌میگویم که تقصیر ازمجلس است مجلس گاهی ازآتش گرم. تر وگاهی از یخ سردتر است مجلس یکدفعه چنان گرم میشودکه دست بهمه کار می‌زند مجلس‌یکدفعه چنان سرد میشود که هیچ نمی‌داند چه‌میکندمجلس چرا قانون وضع نمیکند؟ مجلس چرا خودش را مشغول این کار ها میکند ؟ بنا بود بموجب قانون اساسی وکلا قسم بخورند چرا وکلاقسم نمی‌خورند ومشغول کار نمیشوند؟

سعدالدوله - وکلا چطورقسم بخورند ؟

آقامیرزاابوالحسن‌خان - همان طور که در قانون اساسی نوشته است.

سعدالدوله - وکلا قسم بخورندکه خیانت بملت‌نکنند ؟ مگر کی خیانت کرده .

آقامیرزاابوالحسن‌خان — نمیگویم خیانت کرده‌اند میگویم چرا قسم‌نمیخورند.

سعدالدوله— وکلاء قسم‌میخورندکه‌اجراء قانون کنند وکلا قسم میخورند که دولت با ایشان همراه باشد ایشان هم درادای حقوق‌خود کوتاهی نکنند.

آقا میرزاابوالحسن‌خان - قسم بخورند که هم حدود دولت راحفظ کنند وهم‌حدود وحقوق خودراحفظ نمایند.

سعدالدوله - شما این مطالبیکه چند روز قبل گفته بودید دنبال اورابگیرید تمام‌کنیدتاآن درست نشود دیگرکارها درست نخواهدشد.

آقاسیدحسن تقی‌زاده - بنده‌عرض‌میکنم که هرج ومرج بردوقسم است‌یك هرج‌ومرج‌سیاسی ویك هرج ومرج مدنی امامدنی رابایدوزیر عدلیه رسیدگی ونظمیه اجرا بدارد و کار مجلس نیست اماهرج ومرج سیاسی آن باید بنظر مجلس برسد و رسیدگی تمام نماید و بتصویب باید اورا اجرا داشت ولی هرج ومرج‌های دیگر حق مجلس‌نیست که رسیدگی نمایدمجلس بایدقانون‌وضع کندومشغول کارشود والا حوادث یومیه همه روزه تولیدمیشود مجلس برای رسیدگی آنهامنعقد نشده‌است.

سعدالدوله — مجلس اگر اذن بدهد باآقای تقی‌زاده قدری صحبت دراین‌باب میکنم . . مجلس قانون بگذارد چه قانون بگذارد ؟

آقاسیدحسن تقی‌زاده - قانون‌وزارتخانه ها اولاوقانون اجراقانیاً.

سعدالدوله - کراراً گفتم وبازهم‌میگویم مجلس مثلا وضع قانون مالیات رامینماید که ازفلان مأخذ چه قدر و چه جور باید مالیات گرفت اما اجراراباید وزرا بکنند تنظیمات با وزراست وزرا باید بنویسند بیاورند و ما اورا تصحیح کنیم ایشان اجرا وعمل نمایند، کی نوشتند آوردندکه ما گفتیم خوب باید است وقتیکه بایشان گفتیم میگویند،شما بنویسید ماعمل‌میکنیم.

آقاسیدحسن تقی زاده - قانون‌وتنظیمات دوچیزند ویکی هم قواعد است قانون‌رابایدمجلس بنویسد و تنظیمات اساسی را هم باید مجلس وضع کند بعدوزارتخانه ها اینهانوشته ومرتب‌شوند وهم چنین قانون مدنی هم باید ازمجلس باشدبعد از آنکه اینهارا مجلس نوشت وتصحیح کردقواعد مرتبهٔ اخیره است که مقام اجرا باشد آنوقت باید وزرا اورا اجرا نمایند.

سعد الدوله - شما این‌ترتیبات وقواعداساسی‌را میخواهید دراینجا اختراع‌بکنید یاتقلید میکنید آنچه راکه در ممالك‌متمدنه است.

آقا سید حسن تقی‌زاده — آنچه که‌در ممالك متمدنه است.

سعدالدوله —اینجا نمایندگان دول‌متمدنه هستند بپرسید به‌بینید،که‌ترتیب چیست .

حسنعلی‌خان- مقصود آقای تقی‌زاده‌اینست که تقسیم قانون برای وزارتخانها بامجلس است و تقسیم محکمه هاو قضاة انها هم باوزیرنیست کمیسیون باید رسیدگی نماید در مجلس یا در وزارتخانه بعد از ترتیب‌و تصحیح اینهااجرا باوزیراست.

www.iran-archive.com

سعدالدوله — من میگویم که ترتیب وزارتخانها بادولت است نه بامجلس حال این مطلبی نیست که بحث کنیم اینها را تقسیم کردند مینویسند نزدیك است تمام شود چیزی که هست همان مطلب پریروز است که وزراء حاضر بشوند و قبول مسئولیت نمایند اینجا دراین باب چیزی نوشته شد بصدراعظم جواب چه شد ؟

رئیس- گفتند امروز میفرستند.

آقا میرزا ابوالحسنخان - ماهم در این مطلب باشما رفیقیم.

آقا سید محمدتقی - اینها صحیح است ولی امروز باید کاری کرد که اغتشاش نشود .

سعدالدوله - این طور اگر دولت بخواهد جلورا بگیرد که تا دو سال دیگر قانون نوشته بشود وهمین طور تادو سال دیگر باین انتظار باشیم هرگز کاری ازپیش نخواهد رفت.

آقاسیدحسن تقی‌زاده -من میگویم قانون دو سال طول نمیکشد.

سعدالدوله — حالا من نگفتم حتما تا دو سال.

آقاسید حسن تقی‌زاده — من میگویم پارچه پارچه فصل بفصل بنویسند بیاورند تصحیح کنند ومجری نمایند.

آقاسیدمحمدتقی — همین طور که میگویند این کاررا بکنید یومیه یاروزبروز بنویسند بیاورند در مجلس خوانده بشود.

آقامیرزاابوالحسن خان- هرروز نمیشود باید درهفته یکی دوروز مجلس عمومی باشد باقی را باید انجمن باشدومشغول کارباشند.

آقاسیدمحمدتقی - همه روزاین حرف را میزنیم و میگوئیم قانون بنویسند هیچ اثر ندارد.

آقامیرزاابوالحسن خان — نمیشود مگر شمادر این مجلس چندنفر قانون نویس دارید این قانونرا باید آن کسانیکه دولت سالها برای آنها کرورها خرج کرده بیایند بنشینند و بنویسند در این مجلس منتهی پنج شش نفر بتوانند بنویسند آن هم اسباب ولوازمات وقت میخواهد.

معمارباشی-شما که میگوئید و کلا قسم بخورند قسم برای چه بخورند برای قانون؟ قانون کدامست؟

آقامیرزاابوالحسن خان - برای قانون اساسی که تخلف نکنند .

معمارباشی - آیا این فرآنرا که حضرت ختمی مرتبت آورد این قانون ما نیست و یا قانون دیگر میخواهد ایسن ناقص است آیا عدلیه جز قرآن است آیا حکومت بحق ورفع ظلم جز قرآن است تمام اینها که شما می گوئید جز اینکه همه از قرآن است ؟ باید قرآنرا گرفت باز کرد واحکام او را درتمام مملکت اجرا کرد .

آقامیرزاابوالحسن خان - ماهم میگوئیم که این قرآن قانون ماست و اورا باید اجرا کرد از راه امر بمعروف و نهی از منکر باید گفت همین قرآنرا باید اجرا کنند ماهم همین مطلبرا می گوئیم اما جواب من که شما چرا قسم نمی‌خورید این نیست میگویم چرا قسم نمی‌خورید.

معمارباشی - حاضریم میخوریم

حاجی سیدابراهیم- ماآنوقت قسم خوردیم که آمدیم دراین مجلس .

آقاسیدمصطفی - کی درمعرض قسم حاضر شدند که ابا کردند .

حاجی سیدابراهیم - بقسم خوردن کار ها تمام است ؟

آقامیرزاابوالحسن خان - بلی هم دولت ازشما خاطرجمع می‌شود وهم ملت ازشما اطمینان پیدا می کند .

سعدالدوله - من درقسم خوردن با شما حاضرم که خیانت بملت نکنم ولی بر طبق قانون نظامنامه قسم نمی خورم زیرا که او بعضی زیادات و بعضی نقایص دارد که حال اینجا مقام گفتگو نیست باشد دراطاق خلوت .

محتشم السلطنه - این نظامنامه مجلس ساعت که بنظر مجلس برسد بعد از تصحیح و تصویب بصحه موشح شود . درباب حضوروزراءهم رقمهٔ نوشتند که اشخاص وزراءرا معین ومعرفی نمودند بعدرقعه را قرائت کردند که تعرفهٔ وزراء ازقرار ذیل است و آنها مسئول ذات اقدس همایونی هستند هروقت وجود آنها لازم باشد در مجلس خودشان یا معاون ایشان حاضر خواهندشد (مشیرالسلطنه وزیرعدلیه) (ناصرالملك وزیر مالیه) (علاءالسلطنه وزیر امور خارجه) (وزیر افخم وزیرداخله) (علاءالملك وزیر علوم) (فخرالملك وزیر تجارت) (دبیرالدوله وزیر لشکر) (مهندس الممالك وزیر معادن وطرق وشوارع) بعدازقرائت گفتند وزیر جنك کیست .

محتشم السلطنه — وزیر جنگ حالا سپهسالار است او مسئول نیست طرف سئوال وزیر لشکر است .

حسنعلی خان —از این قرار گمرك هم جزو وزارت مالیه است .

سعدالدوله — ما همچه مجلسی نداشتیم و این ترتیبات دراین مملکت نبوده است خدا خواست که خلق بشود و در زمان خلق شدن این مجلس با هیئت دولت خلق شده و غیر از این هم نمیشود آن شرحی را که از اینجا بصدارت نوشتند بااین جواب چه قدر منافات دارد .

بعد مشروحهٔ دیگری از صدارت قرائت شد که امتیاز نامه بانك ملی بصحه موشح شده ارسال شد در دفترمجلس بامانت باشد تا قرارنامه آن تسختین نوشته مبادله شود بعد از آن امتیاز نامه بصاحبان آن ردشود.

سعدالدوله - مادام که مطلب اول تمام نشود هیچکدام را ما نمیتوانیم نه امتیاز نامه و نه غیر آن تنها خودم نمیگویم من از جانب همه میگویم غیر از این است (جمعی گفتند خیر همین طوراست ...) من نمیگویم که این مطلب را که نوشته است ولی میگویم که هیئت وزرا باید مسئول باشند .

مسئول ذات اقدس بودن در یك صورت است که اگر دستخطی باشتباه و غلط صادر کنند آن وقت هیئت وزرا مسئول ذات اقدس هستند همین نیست در نظامنامه این طور هست.

محتشم السلطنه - اگر آن فصل نظامنامه قرائت بشود معلوم میشود که فرقی نیست .

سعدالدوله - وزیر لشکر نباید بنویسند باید وزیر جنك مسئول باشد علاوه ما گفتیم که غیر از اینها وزیر هست یا نه آن معلوم نشد و حدود آنها را خواسته بودیم این هم معین نشد حدود وزیر مالیه چیست .

محتشم السلطنه -این مطلب مطلب دیگریست شما دو چیز خواستید یکی معرفی آنها و یکی حدود ایشان این معرفی بود که نوشتند آن مطلب را مجلس باید با دولت سؤال و جواب کند .

آقامیرزاهاشم - پس آن وزرای دیگر چیست.

محتشم السلطنه - وزرائی که طرف سئوال و جواب هستند اینها هستند .

امیرهاشم - پس آنها مهملند.

محتشم السلطنه - وزرا دو قسمند وزرا لقبی و وزرای شغلی ما بقی القاب است.

سعدالدوله - این فرمایشات شما را وزرای چند روز پیش آمدند و گفتند از وزیرمالیه پرسیدیم بعد از تحقیقات زیاد که واقعا شخص عالم رحمت کشیده و تحصیل کردهٔ است جواب داد که من نیامدم از وزیر عدلیه سئوال کردیم گفت من اسباب ولوازمات و اجزا ویول میخواهم هر وقت این را بمن دادند من مسئولم.

محتشم السلطنه— شما نباید این مطلب را از ایشان استفسار کنید و بخواهید مادام که حدود و تکالیف آنها معین نباشد آنها نمیتوانند بگویند که ما مسئول فلان امر هستیم.

سعدالدوله - شما مرا مجبور میکنید که مطلب را واضح تر بگویم میگویم شما این امتیاز نامه و این سند را دادید که سر مارا بپیچانید فردا بیائید بگوئید که دو کرور قرض داریم باید بدهید و فلان قدر قرض جاری داریم و فلان قدر باقی مانده حقوق مردم است و این قدر کسر عمل داریم اینهارا میخواهید که ملت بدهند ما میگوئیم بوزیر مالیه که جناب وزیر حساب صندوق چیست میگوید من مسئول نیستم حساب لوی ئیل را رسیدند نیم کرور اضافه داشت وهنوز هم رسیدگی نشد چرا حساب او رسیدگی نمیشود.

محتشم السلطنه - آنوقت آنطور بود این حرف را میزد حالا وقتیکه دولت او را وزیر مالیه گفت و بشما معرفی کرد البته باید حساب برسد و جواب بدهد.

سعدالدوله - بسیار خوب وزرا بیایند مسئولیت را قبول بکنند و دولت هم بنویسد که غیر از این ما دیگر وزیر نداریم خوبست.

محتشم السلطنه — همینقدر که نوشتند وزرا اینها هستند کافیست دیگر بنویسند که وزیر نباید باشد چرا ؟ شاید بمقتضی وقت وزیر دیگر لازم شد .

سعدالدوله—هیچ دولت مقننه و مشروطهٔ بیش از این ندارند و نباید باشد من واضح تر بگویم مامله ایرانی وزیر از خارجه نمیخواهیم و رئیس ازخارجه را قبول نداریم گمرك نباید وزیر داشته باشد.

محتشم السلطنه— اگر مقتضی شد وزیر دیگر چه ضرردارد بایدباشد.

سعدالدوله—دولت انگلیس با آن حشمت و ابهت وتوسعهٔ مملکت که هند هم در تحت قانون

اوست هشت وزیر یا نه وزیر دارد مملکت مازیاده از هشت وزیر نباید داشته باشد.

محتشم السلطنه - شاید بمقتضی وقت ماهم محتاج بیك وزیر شدیم از برای هند.

سعدالدوله - بمقتضای وقت بعدازتصویب مجلس صحیح است.

حسنعلی خان - این مطلب صحیح است ولی امروز دیگر ما باوزیر انطباعات کاری نداریم و امری را باوزجوع نباید بکنیم تمام باوزیر داخله است باو باید رجوع کنیم مانمیگوئیم تا پنجاه سال دیگر ما وزیر دیگر لازم نداریم یانداریم امروز باید دولت و ملت دست بهم بدهند کار کنند تا پیشرفت داشته باشد و الا دولت و ملت هر دو مضمحل شده‌اند وهیچ امری پیشرفت نخواهد داشت ما چه کار داریم که فلان وزیر هست یا نیست این بحث فایده ندارد .

آقامیرزا ابوالحسن خان - من میگویم مسیو نوز وزیر هست یانیست.

حسنعلی خان - وزیر مالیه را بشما معرفی کردند اورامعرفی نکردند چه وزیریست.

آقامیرزا ابوالحسن خان - همه جامی نویسند وزیر گمرك شما میگوئید او وزیر نیست البته ما وزیر مالیه را وزیر میدانیم.

حسنعلی خان—ازفردا ببعد دیگر اوراوزیر گمرك نمیدانیم.

رئیس-وزیریعنی چه هر کس میداند بگوید.

حاجی ملامحمود— وزیر دو معنی دارد

رئیس - ما معنی لغوی وزیررانمیخواهیم.

سعدالدوله -ما وقتیکه مربوط بادول خارجه نبودیم یك شاهی بود و یك وزیری بعد که بآنها ناچار شدیم بمراوده وارتباط خواستیم ترتیب آنها را در اینجا معمول داریم میگوئید وزیر چیست وزیر همانست که در فرنگستان هست وقتیکه میگویند دولت، دولت همان معنیش هیئت وزراست که آن هشت نفر وزیرباشند اینکه میگویند شاید بمقتضی وقت یك نفر وزیر دیگر زیاد شود اینرا قبول نمیکنم وزیر سالها زحمت میکشد تحصیل میکند رنج میبرد که این شرف و امتیاز را برای خود تحصیل نماید که مردم باو بگویند جناب وزیر تمام زحمتها برای شرف است پول هم برای شرف است پس نباید که این اسم بهر کسی داده شود و امتیازی در بین نباشد والا وقتیکه بنا شد هر کس باین اسم خوانده شود دیگر آنشخص وزیر میگوید خوب امتیاز و شرفی که در بین نیست من هم وزیرم فلان شخص هم وزیر مشغول پر کردن جیب میشود و همین طور است که هست پس نباید بهر کس این اسم داده شود تا شرافت و امتیاز باقی باشد .

رئیس - خوب بود که یك فاصله و امتیاز بین این مطالب میگذاشتید و معنی وزیر را بیان میفرمودید عرض میکنم که وزیر آنکسی است که متصدی مصرفی از مصارف دولت باشد وباندازهٔ که دولت مخارج دارد بآن میزان وزارتخانها لازم داریم زیاده ازآن نمیخواهیم شغل وزارتی باین میزان است کاربالقاب نداریم که فلان کس وزیر است یا نیست .

سعدالدوله -شما که تربیت شده‌اید حالا میشود باین طوری که معرفی کردند اکتفا کرد واین فایدهٔ دارد ؟

رئیس - اگر برای این است که کارپیش برود باید امروزه بعضی چیزها را زیاد دنبال نکرد و بهمدستی کارکرد نباید سخت گیری در بعضی از مطالب جزئی کرد .

سعدالدوله-همان طور از اول اگرسختی میشد کار باینجانمیکشیدو امروز هم قسم میخوردیم ولی نظامنامه خیلی کم و زیاد دارد لذا من قسم میخورم که خیانت نکنم قسم بدم تخلف ازنظامنامه نمیخورم .

وکیل التجار- دولت و ملت یکیست فرقی ندارند این اختلاف الفاظاست دوئیت دربین نیست.

آقاسیدحسن تقی‌زاده- بنده عرض میکنم برای اتمام این مطالب اگرجناب محتشم السلطنه فواش سندیت دارد باید درآنجا که نوشته است وزرا اینها هستند یك لفظ لاغیرهم بنویسد و دیگروزیر لشکررا وزیرجنك کندو آنکه نوشته است مسئول ذات همایونی فقط دریکماده است آنرا هم مسئول مجلس کند و مسئولیت وحدود ایشان معین نماید حرف تمام است .

سعدالدوله- من نمیتوانم بگویم ما میخواهیم که وزیر مالیه را مقتدر بکنیم اواصرار دارد که مسیو نوزوزیر گمرك باشد وعایدات دولتی بااو باشد مسیو نوزوقتی صندوق برهم خورد ومعزول شد مسیو کله رئیس صندوق راآورد وبرای اویك اسمی تراشید که هیچ جای عالم نیست و کنترات اورا تجدید کرد همین طور کنترات هارا تجدید می کنند حتی کنترات آن شیرفروش و کنترات ضرابخانه همه اینهارا تجدید کردند من فکر فردای شمارا میکنم این قانون نیست این مجلس نیست خود بدانید .

محتشم السلطنه - اگر باین ترتیب و این طور بخواهیم صحبت کنیم هیچ کاری پیش نخواهد رفت اینها حرفست امروزه هیچ کنترات تجدید نشده همه اینها دروغست بودجه را شما باید اصلاح کنید اینها همه باید بتصویب مجلس باشد و بنظر مجلس میگذرد خواهید دید که نبوده است شما می گوئید وزیر گمرك چرا داریم شما از این قبیل وزیر خیلی دارید وزیر نورخانه، مخزن، اصطبل فلان اما وقتیکه ادارات معین شد معلوم میشود که شما بیشتر از هشت نفر وزیر ندارید .

سعدالدوله- من میگویم در دول مقننه بیش از هشت نفر وزیر نیست حالا اگر هست بگوئید.

آقاشیخ حسین- اینکه جناب سعدالدوله اصرار دارد این است که از وزیر مالیه سئوال از گمرك میکنند او میگوید بمن رجوع نیست بامسیو نوزاست او بمن حساب پس نداده است.

آقامیرزاابوالحسن خان - یك سئوالست این را جواب بدهید مسیونوز وزیر گمرك است یا مدیر گمرك.

محتشم السلطنه -من میگویم دولت شما هشت نفر وزیر معین کرد دیگر چه حرفی دارید .

آقامیرزاابوالحسن خان - پس ارچیست؟ (بعضی گفتند او وزیر نیست.)

آقامیرزاابوالحسن خان-این لقب احترامی است یاشغلی.

مخبرالملك - شما نظامنامه را بخوانید بآن عمل کنید .

آقامیرزا ابوالحسن خان - نظامنامه را خواندم اگر در نظامنامه هم غیر از این هشت نفر وزیری دیگر هست آنرا هم قبول نداریم و صحیح نیست .

آقا سیدحسین - چه حقی دارید که بگوئید نظامنامه صحیح نیست البته هرچه درنظامنامه هست صحیح است شما میخواهید برای یك لفظ میان دولت وملت را برهم بزنید .

آقاسیدمهدی - بموجب نظامنامه قبول است آنچه را که در اداست .

مخبرالملك—وکیل دونفر است یا هفتاد نفر من که یکی ازوکلای این مجلس هستم بعد از آنکه وزرا معرفی و معین شدند مقید نیستم که او وزیر باشد یا نباشد وزیر لقبی زیادی است.

آقا سیدحسن تقی‌زاده— من می گویم ایراداتی که هست سه چیز است واینطور رفع بشود یکی آنکه لفظ لاغیر نوشته بشود و یکی اینکه بنویسند وزراء مسئول مجلس هستند مسئول ذات اقدس بودن دریك ماده است یکی دیگر بجای وزیر لشکر وزیرجنك بشود.

محتشم السلطنه—این مطلبی را که شما می گوئید دراینجا توضیح واضحات خواهد بود اگر از کسی سئوال کنند که اجزای شما چندنفرند بگوید هشت نفر دیگر توضیح میخواهد که لاغیر بگوید شما طرف مسئولیت خواستید بشما تعرفه کردند که اینها هستند اگر بمقتضی وقت لازم شد وزیر دیگر آنوقت افزوده خواهدشد شما باید مسئولیت آنها را بخواهید اینکه گفتید آنها مسئول هستند معلومست شما نظامنامه را نخواندید نظامنامه اینست که آنها مسئول دولت هستند شما مفتش اعمال آنها هستید هروقت خیانت دیدید ازپیشگاه همایونی عزل اورامیخواهید.

مخبرالسلطنه - هروزیری که مسئول دولت است درتحت مسئولیت مجلس هم هست که اگر جواب نداده وطفره رفته است مسئولست .

آقاسیدحسن تقی‌زاده- بازهم ازاین مسئله میخواهم جواب بدهم اما آنروز که وزراء بودند از وزیرمالیه ازگمرك پرسیدند گفته بود که راجع بمن نیست اگرفردا هم ازایشان سئوال شود همین جواب را میدهند پس (لاغیر) میخواهد ومسئولیت هم مسئولیت مجلس است مسئول پادشاه دریك ماده است .

محتشم السلطنه - مسئول مجلس یعنی چه یعنی مسئول قانون قانون بعدازوضع قانون است قانون نیامده ونانوشته را چطور مسئول بشوند بعدازوضع قانون درصورت خیانت عزل آنها رامجلس میخواهد.

حاجی محمداسمعیل آقا — مگرماکه میگوئیم مسئولند یعنی مسئول چه چیزهستند مسئول قانون مجلس هستند .

مخبرالسلطنه- ازشما سئوال میکنم مسئول بودجه نظام کیست .

آقاسیدحسن تقی‌زاده -مسئول وزیر جنك است .

مخبرالسلطنه - وزیر لشکر است وزیر جنك یاسپهسالار وادارهٔ عسکری داخل درمسئولیت نیستند .

حاجی محمداسمعیل آقا- معنی وزیر را

www.iran-archive.com

رئیس گفتند آنکه مخارج دولتی دارد مخارج را وزیرجنگ‌داردنه‌وزیراشکر او منشی‌است‌وزیر نیست.

مخبرالسلطنه - حالاآنرا وزیرجنگ کنند حرفی دارید .

آقاسیدحسن تقی‌زاده - خیر خوبست.

مخبرالسلطنه -این نزاع لفظی‌است.

حاج‌محمداسمعیل آقا-اینجا اسامی‌وزرا رانوشتند کووزراءاین اشخاص هستند آنروزخودشان اینجا حاضر بودند گفتیم کشمارا همه کس میداند کوزراء مملکت هستید ولی باید مسئولیت شماممین شود حالا این جواب‌همانست مگر کسی آنهارا نمی‌شناخت این تعرفه است‌نه‌تحدید حدود ومسئولیت .

محتشم‌السلطنه-شما میدانید که حدودآنها معین نبوده است ونمیشود که امروزمعین کرد باید نظامنامه نوشت تامسئولیت آنها معین شود بعدبآن عمل کنند .

عون‌الدوله -این فرمایش شما صحیح است خوب بودجواب راهم صدارت باین طور مینوشتند.

محتشم‌السلطنه -اگربنده‌راینقدرقابل‌نمیدانستند که مرا روانه نمیکردند یعنی‌فرمودند که امروزلازم بآن مطالب نیست که نوشته شود اگر زبانی لازم شد بنده بعضی مطالب عرض کنم قانون راهم مشغولند می‌نویسندبعداز نوشتن وتصحیح البته‌مرادارهٔ مسئول بآن خواهند بود .

عون‌الدوله - حالااز کجا ما خاطر جمع باشیم که‌آنها مینویسند .

آقا سید حسن تقی زاده -مایك مشکلی داشتیم رفتیم اوراحل کنیم یك جزئش حل نشدیك مشکل دیگر براو افزوده شد که نوشتندوزراء در حدود قانون اساسی مسئول ذات مقدس هستند .

حاجی‌محمداسمعیل آقا-جواب اینمطلب‌این کلمه‌است که‌بنویسندبقانون‌اساسی‌مسئول‌مجلس‌هستند.

محتشم السلطنه - دیگر چه‌عرض کنم مقام تحریر باتقریر دوتاست .

آقاسیدمحمدتقی- حق‌با هردو جانب است شماهم راست میگوئید ولی اگر،وزراء رااز پیش سؤال کنند میگویندمامسئول نبودیم اگر ازبعدسؤال کنند میگویند شما هنوز نوشتید قانون بنویسید بدهید مامسئول میشویم مقصودایننست که کسی‌غرضی ندارد اگر حرفی هم کسی بزند مثلا مثل آقا میرزا ابوالحسن خان آنهم غرض شخصی نیست غرض‌نوعی است که‌باید دست هم راگرفته کاری نمود که فایده به‌بخشد .

آقامیرزا ابوالحسن خان -خیرمن غرض دارم میگویم باید وزیرما ایرانی باشد ما خارجه را بریاست قبول نداریم .

مخبرالملك -- حالا که اورا بشما معرفی نکردند شماچه میگوئید .

آقا میرزا ابوالحسن خان — هیچ من حرفی ندارم .

آقاسیدحسن‌تقی‌زاده -خوبست که‌ازجناب رئیس‌نپرسیم‌رأی‌بگیرندبرای اینکه این‌سند کافی‌است یا خیر ؟

سیدالحکما -آخراین‌همه که گفتیدچه‌شد؟

مخبرالملك -شما بگوئید چه‌میخواهید .

حاجی محمداسمعیل آقا - من میگویم این جواب مانیست .

حاجی‌سیداسمعیل -این‌رقمه‌ازبرای‌مقصود شما کافیست وخوبست ؟

حاجی‌بحرالعلوم — مسئول قانون همان مسئول مجلس‌است فرقی‌نمی کند خوبست این‌نوشته همان‌مسئول قانون باشد ختم‌کنید .

رئیس - یك‌مطلبی‌هست وآن اینستکه آنها خودرا مسئول‌قانون ننوشته‌نمی‌دانند پس باید برای پیشرفت اول قانون‌را نوشت‌آنوقت البته قهراً آنها مسئول خواهند بود عوض این‌کارها که وقت را می گذرانیم آن‌کاررا بکنیم بهتراست .

آقاسیدمهدی - بقول آقامیرزا ابوالحسن خان مجلس باید کار بکند وقانون وضع کند قرار بدهید که مجلس مشغول‌کار باشد لازم نیست که‌شما هرروز بیائید اینجا بنشینید وصحبت کنید کمیسیون کند وکار کنند هفتهٔ یکی‌دوروزبیایند درمجلس.

آقا سیدحسن تقی‌زاده - اینکه‌شما می گوئید تمام وکلا میدانستند که قانون نوشته نشده است پس چرا اینهارا خواستید معلوم است غرض این بود که آنها مسئول‌قانون ننوشته باشند وقبول مسئولیت بکنند تا قانون وضع‌شود .

آقاسیدمهدی - شاید شما چیزی بنویسید و درقانون وزارت عدلیه که وزیرعدلیه نتواند از عهده برآید واستعفا بدهد آنوقت چطور او قبول مسئولیت کند پس‌بایدبنویسید بعدآنهاقبول‌مسئولیت کنند .

مخبرالملك - آخرچه‌شد غرض‌اینست‌که کافیست این‌سند یانه ؟

حاجی‌محمدابراهیم -وزیرداخله‌چیست؟

رئیس -وزیر داخله کسیست که تمام ادارات حکام وتنظیمات داخلی حتی‌نظمیهٔ شهر بااوست.

حاج‌محمد ابراهیم - این دزدیهائی که میکنند اینهم دیگر قانون میخواهد مسئول‌این‌کار وزیر نیست چرا امنیت بمردم نمی دهند چرا جلوگیری‌نمیکنند اینکه‌دیگرقانون‌نوشتن نمیخواهد.

آقامیرزاسیدمحمدمجتهد - حالا همین طور علانیهٔ مال‌مردم‌را میبرندمجلس نبایداینمطلب را بخواهد که نگذارند اینطور هرج‌ومرج بشود؟

آقاسیدمحمدتقی - این‌مطلب‌رابنده عرض کرده بودم بایدمجلس ازحکومت بخواهدتنظیمات این کار ها را اینها که دیگر موقوف بنوشتن قانون نیست.

حاجی محمد ابراهیم — وزیر داخله بموجب این‌سند مسئول‌است بایدمال‌مردم‌را بدهد.

حاجی محمداسمعیل آقا -اینهافروعات آنمطلب‌است همینقدرکه رای‌مطلب بجائی بندبشود باقی‌دیگر درست خواهدشد.

رئیس - این مطلب‌را تمام می‌دانید یا قابل مذاکره‌است.

حاجی‌محمداسمعیل آقا — خیر تمام نیست قابل‌مذاکره‌است.

رئیس - پس باشد پس‌فردا مذاکره کنید .

مذاکرات مجلس

روزسه‌شنبه۲۱ شهر ذی‌الحجة‌الحرام خلاصه‌مذاکرات روزیکشنبه‌قرائت‌شد

بعد ادیب التجار از رئیس اجازه گرفته‌لایحهٔ که نوشته بود قرائت کرد که‌خلاصهٔ مضمون آن اینست .

(مدتی‌بود بجهت‌عدم‌معرفی وزراء و وکلای‌محترم متحیر بودند که اقدام درکار پیشرفت ندارد و چندی بود در اینخصوص مذاکره میشد روزپنجشنبه ۱۶ وزراء حاضردر مجلس‌شدندویکشنبه ۱۹ هم‌صدارت عظمی شرحی بمجلس نگاشته بودندقرائت شد بعضی گفتند این مکتوب برای معرفی وزراء کافی نیست بعضی گفتند کافی است بالاخره قرار شد در اطاق مخصوص در این باب مذاکره نموده آنچه صلاح شد خدمت صدارت اظهار شود مجلس‌بهم خوردودراطاق مخصوص هم گفتگو نشد نمیدانم یااینکه بنده مطلع نشدم ؟غرض مرقومهٔ صدارت‌مکفی بودیانه‌اگر مکفی است که‌از امروز شروع بکارشود واهم‌کارهانوشتن قوانین وزارتخانهااست تکلیف مجلس است که‌شروع بنوشتن نمایند اگر از طرف دولت باید نوشته شود اکیداً مطالبه نمایند که‌پس ازتنقیح وتصویب بموقع اجرا گذارده شود وخوب است اولا مجلس نظامنامهٔ داخلی خودرا مجری دارد زیراکه واضع قانون تا خودش بقانون عمل نکنددیگران رانمیتواند باجرای قانون دعوت نماید اینست که بعضی‌ایرادات درمجری نشدن نظامنامهٔ داخلی مجلس نوشته عرض مینماید.

(اول) درباب انجمن تحقیق که وظیفه اش این است عرایضی که قابل مذاکره است بمجلس اظهار داردو ازسایر عرایض هم هفتهٔ یکمرتبه فهرستی ترتیب داده خلاصهٔ آنهارا بمجلس عرضه دارد انجمن تحقیق بر قرار است ولی رسم مزبور را بنده هیچ ندیدم .

(دوم) درخصوص انجمن مالیه قرار شد تحقیقات خود رادراین‌باب بمجلس‌اظهاردارد فقط اواخر ماه‌گذشته جناب وثوق الدوله شرحی قرائت کرد و معلوم نشد مجلس رأی اعضاء انجمن مالیه‌را تصویب کرد یانه وفعلا هم‌چهل وپنج روز بیشتر بعید نداریم لااقل‌باید پانزد روز بعید مانده دستور العمل مالیه حاضر باشد وحالا یکملم بیشتر برای اصلاح اینکار وقت نداریم اعتقاد بنده اینست که حالیه بطور مساوات از همه آنچه روئیدنی ازخاك است عشرو نیم دریافت شود واین اسهل‌طرق است برای‌آبادی مملکت باملاحظه مخارج بیموقع وحقوق بدون استحقاق.

(سیم) درباب انجمن عدلیه قرار شددستور العمل آن نوشته شده بعد از تصویب مجلس بدولت اظهار و بموقع اجرای گذارده شود تا حال نتیجهٔ دیده نشد اگر اعضاء انجمن عدلیه اقدامی کردو اند چرا راپرت آنرا بمجلس نمیدهندواگر هم‌اقدامی نشد جهت این‌مسامحه چیست‌درصورتیکه از تمام بلاد همه روزه شکایت مینمایند که کسی بعرایض آنها رسیدگی نمیکند ورفع‌ظلم از آنها نمیشود .

(چهارم) دو فقره انجمن‌های بلاد اواخر ماه گذشته بعد از فرمایشات حجج‌اسلامیه و مذاکرات وکلا ولزوم بودن این مجالس چنین تصویب شد که انجمنی تشکیل شده باحضور جناب‌مشیرالملك دستورالعمل مجالس محلی بلاد را نوشته بعد از تصویب بموقع اجرا گذارند اگراقدام شده بسیار خوب والا استدعا میشود هرچه زودتر اقدام‌نمایند که ازکثرت پریشانی وبی نظمی درحدود وطن و بلاد تمام ملت‌مضطرب وهیچ آسایش ندارند .

(پنجم) قرار بود برای دفترداری‌مجلس واجزا آن‌دستورالعمل مخصوص‌و ازطرف‌مجلس نوشته‌شود اگرنوشته اندمعلوم شود والا تاحال دفترداری‌واجزا آن بچه ترتیب رفتارنموده اند واز روی‌چه دستور

ازآنها مواخذه خواهدشد.

(ششم) بموجب فصل‌ششم نظامنامه‌اگرانجمن تحقیق برای مدافهٔ درامری است که یکی‌ازاعضاً مجلس آنرا عنوان نموده باشد باید همان شخص عنوان کننده هم جزو اعضاء مجلس تحقیق‌باشد و حال آنکه جناب سعدالدوله مسئلهٔ معادن‌را عنوان نمودند وجزء اعضاً انجمن تحقیق آن نبودندجهت چه‌بوده‌وچراکاری تمام نشده بکار دیگر اقدام‌شد .

(هفتم) روزشنبه که‌تعیین محل نطق مطرح مذاکره‌شد ومقرر گردید کهروز یکشنبه‌تمام‌شود ابدا گفتگو در این باب نشد و نیز تعیین ساعات وروز اجلاسات مجلس بعهدهٔ جناب رئیس استو تا حال معین نشده کهما خودرا مسئول‌درحاضر شدن آن ساعت معین‌بدانیم وبعضی درآخرین ساعت‌روز حاضر میشوندواگر متعذر شوند که بواسطهٔ کثرت مشاغل نمیتوانیم‌در ساعت معین حاضر شویم ملت خواهد گفت باعدم مجبوریت ازاول چراباین شش فصل راقبول کردیددرصورتیکه ماعموماً مسئول‌ملت هستیم مقید بحاضر شدن در وقت معین نیستیم اما نظاره‌گیان‌که ابدا مسئول نیستند همت نموده‌همه روزه قبل‌ازوکلا حاضر میشوند.

(هشتم) از قرار مذکور قبل ازشرفیابی بنده در باب تشویق جوانان باعلم مملکت واتساع‌دایرهٔ معارف مذاکره نموده بودند که اشخاص مهذب و باعلم در حضور وزارت معارف امتحان داده در ادارات دولتی مستخدم شوند و حال آنکه دودفعه وزیرمعارف بمجلس حاضر شدند وابدا در اینخصوص مذاکره نشد عقیدهٔ بنده این است‌که در روزنامه مجلس اعلان عمومی شود که جوانان با علم ملت تا مدت معینی خود را حاضر نمایند ده نفر از اعلم وکلای مجلس و بیست نفر از سایر دانشمندان دریکی از اطاقهای دارالشورای‌مجلس تشکیل داده باحضور وزارت معارف‌آنهارا امتحان نموده پس از دادن تصدیق نامه از اولیای دولت خواستار شوندکه در ادارات دولتی مستخدم شده و امتیاز داده شود تا سایر جوانان ملت هم برسر شوق آمده در کسب علم و شرف جد و جهد نمایند .)

رئیس— اجمالا جواب این است‌که نظامنامه داخلی تا حال مجری نشده خودتان میدانید سبب آن همراه نبودن اعضاء است باید همه متفق‌القول شوند تامجری گردد اما سه فقره اول را بطور اجمال جواب میگویم‌یکی در باب انجمن‌مالیه‌اجزا آن همه روزه مشغول‌کارند و صورتهائیکه وزیر مالیه داده است‌استنساخ مینمایند هنوز تمام نشده و مطلب مهمی هم ننوشته اندکه‌درمجلس ارائه‌شود یکی دیگر درخصوص انجمن عدلیه است اجرا آن حاضرند و منتظر لوازم آن هستند فعلا قریب شصت جلد کتاب از فرنگستان خواسته ایم‌گمان نکنیدنوشتن‌قانون آسان‌است‌بایدازروی‌ترتیب‌صحیح باشد و طول‌دارددیگردرباب انجمن تحقیق‌عرایضی که عمومی‌باشددرمجلس ارائه میشودو اغلب‌عرایضی که‌بآنجا داده‌اند شخصی است‌بهر ادارهٔ‌که راجع‌بوده رجوع شده وجواب مطالبه میشود راپورت اینهاهم نوشته شده‌است وباقی‌مطالب لایحهٔ شماراهم‌خوانده جواب میدهم .

ادیب‌التجار — تلگرافی‌که تجاراصفهان باسیم انگلیسی از بابت‌راه‌داری‌که‌ازهمه‌چیزمیگیرند ظلم‌نموده بودند عمومیت نداشت که در مجلس خوانده‌شود.

رئیس-آنهم‌شخصی بود وصورت‌آنراهم‌برای صدارت فرستادیم جواب نرسیده.

ادیب‌التجار— آن عمومیت داشت ازشیراز هم بهمین‌طور تظلم نوشته بودندکه حتی ازتریاك‌و بار ذغال هم راه داری میگیرند.

مخبرالملك— اینجاهم غیرازذغال‌ازهمه‌چیز میگرفتند.

ادیب‌التجار - بلی در تمام‌ولایات‌میگرفتند ولی موقوف شد ودراصفهان باقی ماند.

مخبرالملك— جواب‌صدارت دراین‌خصوص چه‌شد ؟

ادیب‌التجار — من‌ندیده‌ام وخبرهم ندارم از صدیق حضرت هم‌پرسیدم گفتندجواب‌نداده‌اند.

میرزامرتضی‌قلیخان-درکتابچه دوازده هزار تومان ثبت است که‌باید بگیرند بموجب‌همان کتابچه هرچه هست بگیرنده‌علاوه حقی ندارند بگیرند.

ادیب‌التجار — بلی درکتابچه دوازده هزار تومان است ولی‌باین‌اسم واسمهای دیگرخیلی‌علاوه میگیرند .

حاجی‌محمداسمعیل آقا — اگر باسم گمرك و مباشرین گمرك میگیرند حق ندارند راه داری درتمام مملکت موقوف شدو نبایدهیچ چاچیزی باین اسم بگیرند.

میرزامرتضی‌قلیخان — خیرگمرك‌نیست بخرج کتابچه آمده است حکومت هم‌میگوید بجمع من نیاورند منهم نگیرم بعداز موقوف شدن‌راه‌داری در بعضی جاها از کتابچه موضوع نشد و بهمان ترتیب سابق‌بجمع حکومت‌می‌آید این‌است‌حکومتهم میگیرد .

ادیب‌التجار- دراصفهان باسم‌تفنك چیگری وسوق‌الدواب واسامی‌مختلفه میالغی‌پول میگیرند اینها بچه قسم است .

رئیس — اگر این عوارضات جزو کتابچه است دراین دستورالعمل که‌برای سال نو نوشته‌میشود این مطالب اصلاح خواهد شد و الا آخر سال است آنچه باید بگیرند گرفته اند واز برای سال‌نوهم که اصلاح میشود.

ادیب‌التجار -ابداً جزو کتابچه‌نیست‌حتی‌از تنباکو باری چهارهزارودهشاهی میگیرند.

میرزامرتضی‌قلیخان -بچه‌اسم‌میگیرند .

ادیب‌التجار- باسم عشور.

میرزامرتضی‌قلیخان — مطلب دو قسم است یك دفعه باسم مالیات دیوانی است البته در اینصورت خواهند گرفت یکدفعه باسم دیگری آنهم باید معلوم‌شده ورفع آن‌بشود.

ادیب‌التجار — تجاراصفهان گمان میکنند که من طرفدار حکومت هستم و ازبابت تظلمات آنها مذاکره نمیکنم ومتهم شده‌ام .

آقا میرزا ابوالحسن‌خان - دراین باب بعبارت نوشته شدچه جواب‌دادند.

صدیق‌حضرت-مطالبه شد گفتنداول‌رجوع بگمرك شد که تحقیق نمایند از گمرك رد نمودند که باینجا ربطی ندارد و حالا رجوع بوزیر مالیه شده تحقیق نماید تفصیل را اطلاع بعمد جواب داده میشود .

آقا میرزا ابوالحسن‌خان -حالا مطالبه نمائید وجواب بخواهید .

ادیب‌التجار -آقامیرزا محمود چقدراز دست من بشما شکایت‌نوشته اند.

آقا میرزا محمود - خیلی چند دفعه نوشتند که وکیل اصفهان عرایض ما را نمیرساند و چند یاکت هم بتوسط من بشما نوشته بودند .

رئیس - حالا هر چه بگوئید زیادی است شکایتی از اصفهان نموده بودند و برای صدارت فرستاده شد وایشان‌هم‌رجوع‌بوزیر مالیه‌فرموده‌اند پس ازتحقیق جواب میدهند .

ادیب‌التجار - مقصود این‌است طوری‌باشد که‌دیگر چیزی گرفته‌نشود ازآن وقتیکه تلگراف شده است تا حال‌باز میگیرند .

میرزامرتضی‌قلیخان — از آن روزیکه تلگراف شده است تاحال دیگر نمیگیرند ودست نگاهداشته‌اند .

ادیب‌التجار — مقرربفرمائید رقمهٔ‌صدارت راکه پریروز درخصوص‌وزرا نوشته بودند بخوانند ومذاکره شود .

رئیس — مجلس معرفی وزراء مسئول را خواست دولت هم‌آنهارا بشما معرفی کرد حالا اگر مجلس‌میخواهدکاری بکند بایدمشغول نوشتن‌قوانین باشد نزاع ومشاجره فایده ندارد باید کاری کرد که فایدهٔ برای ملت و دولت داشته باشد امروز باید قانون نوشت‌چه ازطرف مجلس نوشته‌شودوچه ازطرف دولت‌یاآنها این‌کاررا بکنند یاماباهم‌راهی و همدستی *یکدیگر عجالة عقیده من این است نظامنامه مجلس (سنا)که باید در مجلس تصحیح شود مشغول بمذاکرهٔ آن‌شویم ومثل‌آن صد قانون دیگر باید نوشته شده وتصحیح شود ازامروز باید باین ترتیب مشغول‌کارشد .

ادیب‌التجار - شما آن رقمه صدارت را از برای این‌مطلب سندمیدانید .

رئیس - این نوشته قانوناً سندیت ندارد و کلیهٔ کاغذ بهرطور نوشته شده باشد قانون و سند نیست ولی فعلا بجهة این مطلب کافی است ما باید اکتفا بهمین نموده و مشغول پیشرفت کار باشیم .

حاجی‌محمد اسمعیل آقا - وقتیکه سند نیست پس‌چرا خواستید ؟

رئیس- خواستم وزرارامعرفی نمایند کردند حالا دیگر بایدکارکرد .

حاجی محمد اسمعیل آقا - یکی از قوانین تقبل آنها است وآنها باید قبول بکنند .

رئیس - باید قانون‌نوشت‌تابعد قبول‌نمایند.

آقاسیدحسین - ما درچیز خواسته بودیم یکی معرفی وزرا دیگر تعیین حدود وتکالیف‌آنها معرفی وزرا معلوم‌شد حدود هم بنوشتن‌قانون‌معلوم خواهد شد ولی دومطلب است‌که درنظامنامه‌اساسی نوشته نشده است باید این دو مطلب در ضمن دو فصل در نظامنامه مجلس سنانوشته شود یکی‌این‌که از خارجه در مملکت ایران وزیری نباید باشد و وزارت کندویکی‌دیگر اگرچه هنوزمحتاج‌نشده‌ایم ولی بعدها محتاج خواهیم شد و آن اینست که

www.iran-archive.com